

کارگران جهان متحد شوید!

# بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۳۰۰ ریال



خجسته باد اول

ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران!

صد و یازدهمین سال تولد  
ولادیمیر ایلیچ لنین :



لنین: آموزگار کبیر پرولتاریا  
لنینیسم: ستاره راهنمای  
انقلاب سوسیالیستی  
صفحه ۱۱

## مبارزات طبقه کارگر در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی

صفحه ۱۵

روشنفکران

و جنبش کمونیستی

صفحه ۲۱



دانشگاه تهران: مقاومت دلاورانه و خونین دانشجویان  
انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹

## سرمقاله

ضرورت اتحاد عمل  
انقلابی در پرپایی  
جشن اول ماه مه

جشن اول ماه مه فرا میرسد. روز اول ماه مه روز جهانی کارگران در نیزد علیه سرمایه داری است در این روز نیروهای کمونیست و انقلابی میبایست با ایجاد یک اتحاد عمل نیرومند، آلترنا تیبو انقلابی را در برابر برهرد و جناح رژیم و زویونیستها ارائه نمایند و توده ها را بگردان به مبارزه فرا خوانند. این اتحاد عمل، بویژه اتحاد عمل کمونیستها در شرایط کنونی که یک آلترنا تیبو نیرومند انقلابی مستقل وجود ندارد تا توده ها بگردان جمع شوند، از ضرورتی حیاتی برخوردار است. ما میکوشیم با توضیح مختصرا بین ضرورت بویژه در شرایط کنونی، با تعابلات سکتاریستی که بدون درک شرایط سیاسی حاضر خواهد منافع خود را بر منافع جنبش انقلابی خلق مقدم بشمارد، بیه مقابله برخیزیم.

بقیه در صفحه ۲

## رژیم جمهوری اسلامی ۶۰۰ خانه زحمتکشانش "گرمدره" را ویران کرد!

توده های ستمدیده ماکه هنوز خانه خرابی خود توسط مزدوران رژیم شاه را از یاد نبرده اند و امروز شاهد خراب شدن خانه های خود توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی میباشند. در ۲۷ فروردین پاسداران جنایتکار بسا جرتقیل و بولدوز شروع به تخریب خانه های مردم "گرمدره" نمودند. در مقابل این اقدام خائسانه توده های ستمدیده دست به مقاومت زده و با سنگ و باشعار "مرگ بر پاسدار" به پاسداران حمله کردند. اما پاسداران باشلیک هوائی و پرتابگازک آوریه مردم حمله بقیه در صفحه ۲۹

## حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹ و سازمانهای سیاسی

صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله

شرایط سیاسی حاضر، شرایطی است که توده ها هر روز از رژیم جمهوری اسلامی و بویژه جناح حزبی آن بریده می بزنند، اما بدلیل فسادان یک آلترنا تین و نیرومندان انقلابی مستقل، عمدتاً دنباله رولیبیرالها شده و آنها را "آزادیخواه" تلقی مینمایند و در اذهان متوهم خودبینی صدررا "چاره ساز" بحران کنونی بنفع توده ها ارزیابی میکنند. این بدان معنی است که هرگاه قطب نیرومندان انقلابی وجود داشته باشد، توده های کنده شده از رژیم، در متن اوضاع عینی جنبش پیش رونده توده ای، به گرد آیین آلترنا تینو جمع شده و به پشتیبانی همه جانبه آن برخوانند خاست. از طرف دیگر نیروی دمکراتی نظیر - مجاهدین به لحاظ تضللات خرده بورژوازی خود و فقدان یک آلترنا تین و نیرومندان پرولتری به سوی لیبرالها روان گشته و به همسوئی "تاکتیکی" با آنها پرداخته است. درگنا رچنین اوضاع بخرنجی تلاش رویزیونیستهای اکثریت و توده ای برای فشرده تر نمودن صفوف خود به منظور حفظ حاکمیت رژیم و افزودن توهم توده ها و پاشیدن سموم ایدئولوژیک - سیاسی خود در بین نیروهای انقلابی و کمونیست درخور توجه است. نیروهای انقلابی و کمونیست میبایست به منظور منفرد کردن این خائشین نیزببروی ایجاد آلترنا تینوا انقلابی تکیه ورزند.

درچنین شرایطی برای دستیابی به اهداف فوق، برای ارائه آلترنا تین و نیرومندان انقلابی مستقل برای توده ها در اول ماه مه، بسیاری از یزوله نمودن رویزیونیستها، برای جسد ب مجاهدین بسوی دمکراتسیم پیگیر، اتحاد عمل نیروهای کمونیست و انقلابی از اولویت خاصی برخوردار است. امروز جنبش کمونیستی در تشتت و تفرقه بسر میبرد. این تشتت و تفرقه پاشنده - آذینی برای جنبش چپ است که باعث میگردد، رژیم حاکمیت خود را هرچه بیشتر تدا و مبخشد، رویزیونیستها میدان عمل را برای ضربه زدن به پرولتاریا و انقلاب با زتردهیده و مجاهدین نیز به همسوئی خود با لیبرالها همچنان اصرار ورزند. بنا بر این برای پیشرفت انقلاب با بد بن بست کنونی را شکسته و با تمام قدرت در اراشه آلترنا تین و کمونیستی و انقلابی کوشید، بسد و درک موقعیت خطیر کنونی، بدون درک ضرورت و نقش اتحاد عمل نیروهای انقلابی و کمونیستی در تان مین اهداف مورد نظر، هر نوع استدلال توجیه گرایانه ای جز عبارت پردازی پوچ که عملاً بسود بورژوازی و به زیان پرولتاریا و انقلاب تمام میشود، معنای دیگری ندارد. ما اگر بپذیریم که اتحاد عمل یک ضرورت میرام است و خودداری از اتحاد عمل مشخص و تلاش برای انجا محرکت های مستقل در تمام شرایط، سکتاریستی بوده و عملاً رویزیونیستها و

بورژوازی حاکم را از اینکه تلاشی آگاهانه در جهت متمرکز نمودن نیروهای چپ و انقلابی بعمل نمی آید، شاد میکنند. پس می بایست مقتضیات این اتحاد عمل را ایجاد نمود. در اینجا با بدبا دودرک راستروانه و چپ - روانه از مساله مقتضیات اتحاد عمل مرزبندی نمود، درک راستروانه شرایط و مقتضیات تا مین یک اتحاد عمل را برای جلب صفوف نیروهای چپ بیشتر چنان با شین می آورد که عملاً پلانفرم آن فاقد مضمون انقلابی میشود. محتوای پلانفرم در مقابل رژیم حاکم باید صورتی باشد که مضمون دمکراتیک - فدا مپریالیستی و بعبارت دیگر مضمون انقلابی خویش را از دست ندهد. هر نوع نگرشی که مسئله مضمون سیاسی - انقلابی پلانفرم که در مرزبندی با رژیم فدا انقلابی حاکم و رویزیونیستهای فدا انقلابی مانده حزب توده و اکثریت ".... مشخص میشود، را نا دیده انگارد و برای جلب همکاری حاضر به گذشت از سیاست انقلابی گردد، جزا زشکاری و رفرمیسم چپ - دیگری را بنمایش نمی گذارد. از طرف دیگر هیچ اتحاد عملی نباید تا فی اصول و مبانی مورد اعتقاد دو خط و مثنی نیروهای شرکت کننده در آن اتحاد عمل باشد و گرنه به بی پرنسیپی و اصول فروشی دچا رخوامیم گشت. متقاً بلا درک چپروانه ای وجود دارد که اتحاد عمل را بسدون کوچکترین انعطاف گذشت و سازش تا کتیکی در شرایط معین تحقق پذیر میدهد. چنین درکی میکوشد تا کلیه مواضع یک گروه را الزامات اتحاد عمل بگنجاند. چنین درکی هرگز قادر نخواهد بود به اتحاد عمل دست یابد.

اتحاد عمل در حقیقت با نقطه نظرات رزمده و مشترک مورد تائید طرفین - در صورتیکه ایسن تخرج مشترک "خصلت انقلابی خود را حفظ نماید - میتواند تحقق پذیرد. طبیعتاً هر نیروی خواهد کوشید تا بطرق گوناگون، بی آنکه مبنای

### خطاب به رفقای سازمان:

رفقا! برگزاری مراسم در روز اول ماه مه بطور سراسری یک ضرورت جدی و امری سازمانی است. بدین لحاظ این مراسم در هر جا و به هر شکل بایستی برگزار شود. در این رابطه دو نکته قابل توجه است:

۱- از دیدگاه سازمانی شکل محوری و مرکزی برگزاری مراسم، تظاهرات خیابانی است - ۲۰ - گرچه شکل مرکزی مراسم، تظاهرات خیابانی است، لیکن بهیچوجه دمگنبوده و رفقای میبایست با توجه به شرایط و موقعیت مشخصی که در هر منطقه شهروهرستان وجود دارد، تحت شکل مناسبه اجرای مراسم بپردازند. موفق باشید!

سیاسی - ایدئولوژیک طرف مقابل را مورد نفی قرار دهد، آنرا ارتقاء داده و به مواضع خویش نزدیک نماید. این امر ایده آلی است که در یک اتحاد عمل کاملاً مطلوب میتواند بدست آید. اما چنین مطلوبی هرگز نمیتواند بشرط قرار گیرد. در نظر آوزیم که مثلاً رهبری پرولتاریا در جنبه متحد ضدا مپریالیستی ضرورت حتمی و قطعی پیروزی انقلاب است. اما هرگز هیچ کمونیستی نمیتواند شرکت خود را در جنبه موکول به پذیرفتن رهبری از سوی سایر نیروها بنماید. هر نیروی میبایست بکوشد تا در جریان مبارزه، شایستگی رهبری خود را نشان داده، همزونی عملی خود را اعمال کند. بدین ترتیب تا مین رهبری رهبری از پیش نمیتواند بشرط ورود در جنبه قرار گیرد. چه بسا یک نیرو مثلاً پرولتاریا نتواند رهبری عملی خویش را بر جنبه اعمال کند، اما ایسن هرگز به معنی عدم شرکت در جنبه و عدم تلاش برای تحقق این امر ضروری نخواهد بود.

اتحاد عمل همواره در بردارنده نوعی سازش خواهد بود. اما این سازش، سازشی است تا کتیکی و نه سازش در اصول اتحاد پرولتاریا و خرده بورژوازی انقلابی بر علیه دشمن مشترک. از من طرف برنا مه حد اقل و نه حدا کثر پرولتاریا است، پرولتاریا نمیتواند به حوال حد اکثر مواضع خود به اتحاد عمل و همسوئی با خرده بورژوازی در طی مرحله انقلاب دمکراتیک بپردازد. از اینرو به سازش موقتی و مشروط بر علیه دشمن مشترک دست میزند و در دوره ای بجای طرح برنا مه حد اکثر خود، حوال برنا مه حد اقل میکوشد تا نزدیکترین راه عملی را برای وصول به برنا مه حد اکثر ببیند. درک چپروانه، در پس پسرده عبارت برداری انقلابی، اگر چه در حرف خواهان تحقق حد اکثر برنا مه پرولتاریا است، اما در عمل با شناسا خن راههای وصول به آن که طبیعتاً سرشار از سازشهای موقت، انعطاف، نرمش و... خواهد بود، تحقق برنا مه حد اکثر خویش را در حد

یک رویای شیرین و افسانه ای دست نیافتنی باقی نگاه خواهد داشت. بدین ترتیب در یک اتحاد عمل، اگرچه ممکن است نتوانیم مطلوبترین حالت ممکنه را بدست آوریم و اگر چه ممکن است به حوال پلانفرمی که مجموعه مواضع ما را منعکس ننماید، نتوانیم گرد آئیم و ناگزیر از انعطاف و نرمش گردیم، اما این بهیچوجه بدان معنی نیست که ما اصول فروشی نموده ایم چرا که بین نرمش و اصول فروشی اختلاف عمیقی وجود دارد. نرمش بدان معنی است که طرفین از طرح برخی خواسته ها و نظرات مورد اختلاف برای دستیابی به اتحاد خودداری ورزند، اما اصول فروشی بدان معنی است که پیروشی پلانفرمی را امضاء نماید که نافی مواضع اصولی او باشد. براساس آنچه گفته شد، ما معتقدیم که ضرورت

بقیه در صفحه ۲۸

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## پیروزی کارگران 'ایران یاسا' در گرفتن پاداش

قبل از عید کارگران کا رخانه ایران با سا با مراجعات متعدده به "شورا" خواهان پرداخت بود و عیدی بودند، تا اینکه بعد از صحبت‌های زیاد با مدیران "مکتبی" قرار شد علاوه بر دو ماه عیدی بنا به تئوریکه نسبت به گذشته چند برابر برشده بود، مبلغ ۳۰۰۰ تومان نیز به هر کارگری پرداخت شود و مهلت پرداخت هم روز ۲۷ اسفند تعیین شد. اما در این روز خبری نشد و لذا کارگران روز بعد دست از کار کشیدند. مدیران از ترس کارگران از روز چهارشنبه به کارخانه نیا مده بودند و در وزارت کار ماندند. کارگران تا ساعت ۵ بعد از ظهر منتظر ماندند و سپس به خانه میروند تا عید را با دست خالی در کنار فرزندانشان بگذرانند. تنها ۵۰ نفر از کارگران شیف ۲ در کا رخانه نامه بودند که ساعت ۷ بعد از ظهر مدیران به کارخانه میا بندوسی می‌کنند با پرداخت مبلغ هزار تومان بعنوان "وجه الحسنه" به این عده، هم‌خواست اصلی کارگران را مخدوش نما بیند و هم یکپارگی کارگران را از بین ببرند ولی عدم قبول کارگران و اعتراضشان به مدیر آمدن مدیران، شیزا بین جیره خواران ضد کارگر رژیم را به سنگ کوبید!

روز ۱۵ فروردین که اولین روز کار در سال جدید بود، با اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران مواجه گردید. مدیران پاداش کارگران را به "قرض الحسنه" تغییر داده و با آن موافقت می‌کنند. اما کارگران که با این همه بيشمری مدیران کا رخانه مواجه میشوند، خشمگین شده و در ساختمان اداری اجتماع میکنند. آنها خواهان پاسخی فوری مدیران به خواسته‌شان میشوند. بدین ترتیب زما بین کارگران اسرما به با زاده ستوار کارگران مواجه میشوند با تطریق شورا ای قلابی کا رخانه اعلام میکنند که مدیران با خواست کارگران موافقت کرده اند و پول فردا پرداخت میشود. آن روز کارگران بسرکار نمیروند. روز بعد کارگران با حیلله کشیف دیگری از جانب مدیران "مکتبی" رژیم مواجه میشوند. آنها جلوی پرداخت پول را گرفته بودند. کارگران مجددا اجتماع میکنند و بعد از آنکه شورا و اوا را به دادن تفهید نسبت به پرداخت خواست پاداش میکنند رفته روز بعد بسرکار نمیروند تا اینکه سرانجام بعد از حیلله گریه‌های بسیار مدیران و شورا ای ضد کارگری، حق خود را روز ۱/۱۸ دریافت میکنند.

## اعتصاب و تحمن پیروزمند کارگران گمرک جنوب

در روز دوشنبه ۲۵/۱۲/۵۹ حدود ۸۰ تن از کارگران گمرک جنوب برای تحقق خواسته‌های برحقشان دست به اعتصاب زده و انبارها و محوطه تخلیه کا لاها را ترک گفته و در سالن ادا ره متحمن میشوند. خواسته‌های آنها از جمله عبارت بود از پرداخت عیدی و پاداش پایان سال. نما بینده رسمی کارگران برای آنکه این حرکت انقلابی را متوقف سازد، عوامفریبانه خطاب به کارگران گفت "به سرکارها بتان بروید، چون موقعیت جنگی است و ضدا انقلاب سوء استفاده میکند". اما فریاد اعتراض کارگران، مبارزات و میخکوب ساخت کارگران می‌گفتند تو نما بینده ما نیستی اگر جنگ است برای همه هست. پس چرا یکی از بچه‌های بازاری‌ها و سرما به‌دارها به جیبه نمیروند؟ اصلا چرا مدیرکل نمی‌آید چرخ دستی بکشد. اگر یک روز امتدادت وقت می‌فهمد کارگران چه میکنند "کارگری از گران ارزاق صحبت کرد و گفت "تا ما در سورا خها یمان یما نیم، اینها به ما اجاف میکنند. ما یید بیرون بیاییم و حقمان را بگیریم" هر یک اعتراض خود را بطریق بیانی می‌کردند در اثر مقاومت کارگران مبارز که تا ساعت ۱۲ طول کشید، از سوی دفتر تبلیغات اما میک حجت الاسلام به گمرک آمد تا شایده با عوامفریبی بتواند کارگران را از تصمیم قاطعانه‌شان بازدارد. اما کارگران مبارز با فشاری بر روی خواسته‌های خود توانستند عمال رژیم را به عقب نشینی و ادا ر کرده و بخشی از خواسته‌های خود (پرداخت عیدی) را به کرسی بنشانند. فردای آن روز عیدی کارگران پرداخت شد. آنگاه کارگران نما بیندگانی از میان خود انتخاب کردند تا برای دریافت پاداش پایان سال همچنان به مبارزه خود ادا مدهند.

## از شروع جنگ تاکنون در کارخانجات چه میگذرد؟

ب- رشته کفش سازی - گروه صنعتی کفش ملی: این مجتمع تولیدی بین ۱۲ تا ۱۴ هزار نفر کارگر دارده که در ۲۴ شرکت مختلف مستقل از حیث سرویس، رستوران، انتظامات و... کار می‌کند. شورا ای مرکزی کل گروه جمعا از ۴۴ نفر نما بینده شرکت‌های مختلف تشکیل میشود و هر شرکت نیز خود شورا ای مستقلی دارد. اکثریت نما بیندگان شورا و وابسته به رژیم و سازکارند و تنها اقلیتی از افراد مبارز و مترقی در آن وجود دارد.

قبل از جنگ، توم کارگران نسبت به رژیم شدیداً فروریخته بودند و تنها بنی مدیران عوامفریبی - های "آزادخواهانه‌اش" توانسته بودند تا حدودی توم جدیدی را در میان کارگران دامن بزنند. انجمنهای اسلامی، این مراکز جاسوسی

دا ر دسته حزب جمهوری کا ملا در میان کارگران افشا شده و هیچگونه پایه توده‌ای ندا شتند. کارگر - ان در مبارزاتشان توانسته بودند ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا گذاشته و مبارزات خود را بر علیه عناصر ضد کارگر در شورا، افشاء ما هیئت انجمن اسلامی، افشاء دزدیهای کلان هیئت مدیره پیش برده و برای گرفتن سود ویژه دست به مبارزه زنند. در چنین شرایطی جنگ ارتجاعی ایران و عراق در میگیرد و رژیم ایران با بر اها ندا ختن تبلیغات شوونیستی و با سوء استفاده از احساسات وطن پرستانه کارگران، مبارزات آنها را موقتا منحرف کرده و تا مدتی به رکود بکشاند. عمال رژیم در گروه صنعتی، نظیر انجمن های اسلامی به جنب و جوش افتاده و به تشکیل کلاسهای بسیج بقیه در صفحه ۴

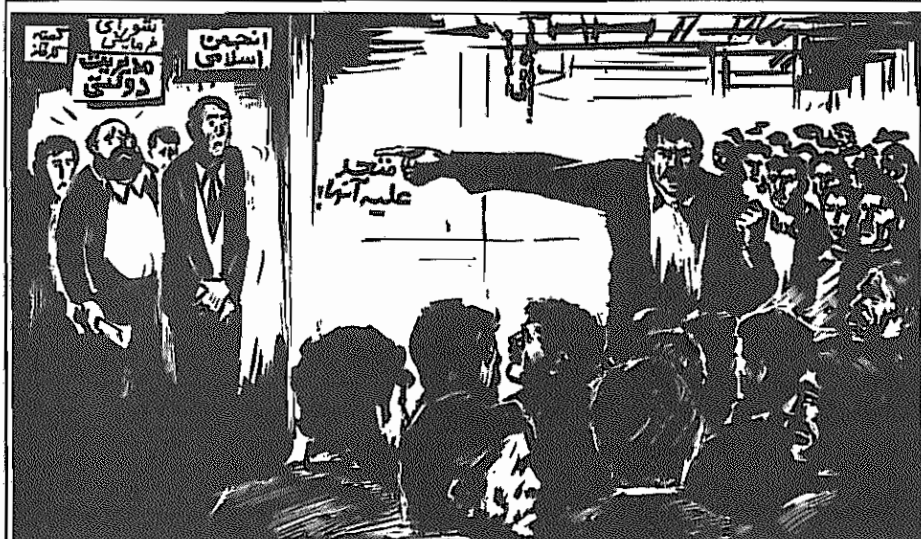
## خبری از صنایع دفاع

بدنبال اقدام به تشویق مهندسان و افسران مجتمع شیمیائی پارچین (از محتمل‌ترین صنایع دفاع) از سوی مدیریت این واحد "رهنگ دبیری اسکوشی"، پرسنل زحمتکش درجات پائین در روز ۶۰/۱/۱۸ دست به کم کاری و اعتصاب غیر- متشکل زدند. اگر چه در این مجتمع خطرناکترین و سنگین ترین کارها از جمله ساختن مواد منفجره بردوش پرسنل زحمتکش مبادا شد، اما در مقا بل آنها از کمترین حقوق برخوردار هستند. عمال رژیم در این مجتمع از سوشی شیره جان این

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

**جنبش کارگری**  
جهان را متوجه کارگران شویند

زحمتکشان را می‌کنند و بیشترین فشارها و تضیقات را در مورد آنها اعمال میکنند، و از سوی دیگر با تقدیر از مهندسان و افسران، میکوشند. با تفرقه اندازی در میان آنها، بیشتر این استفاده را ببرند. هنگامیکه سرهنگ اسکوتی - اسامی تشویق شدگان را قرائت میکرد، پرسنل زحمتکش معترضانه وی را هو کرده و حتی عده‌ای بطرف وی هجوم بردند. او که وضع را نا مناسب دید پرسنل را به صبر و بردباری دعوت نمود و اینکه نباید خدایت (سخوان کم‌کاری) کرد، بلکه باید در راه خدا کار کرد. سپس "وا عظمی" مرتجع آخوندکار خانه ورئیس" سیا سی-ایدئولوژیک" با گفتن چندملوات و دادن وعده رسیدگی بسه شکایات کارکنان زحمتکش، خواست سر و ته قضیه را هم بیاورد. اما او هم نتوانست کاری از پیش ببرد و بالاخره با تفاق سرهنگ اسکوتی به ساختمان مرکزی رفت این حرکت اعتراضی بعلمت عدم آگاهی پرسنل و نبود حداقل شکل در همین سطح باقی ماند. اما چون از تاریخ ۱۶/۱/۶۰ ساعت کار روزانه یکساعت اضافه و تعطیل پنجشنبه‌ها هم حذف شده است، حرکات اعتراضی پراکنده‌ای صورت میگردد. در این میان "شورای کارکنان صنایع دفاع" دست در دست مدیریت مرتجع سرهنگ اشکوری سابق (دکتر مهندس اشکوری فعلی!) از سوی فعالان دینی شکار پرسنل انقلابی و مبارزه بوده و از سوی دیگر به جفافات و تضیقات علیه پرسنل زحمتکش ادامه میدهند.



و اعتراض به طرح دولت در کارخانه مطرح میشود این مبارزات ابتدا به شکل پراکنده و سپس به شکل یکپارچه و متحدانه اوج میگیرند. کم‌کاری به جلوگیری از خروج محصولات و سرانجام به تحصن و راهپیمایی و اعتصاب کشیده میشود. چندین هزار کارگر گروه صنعتی کفش ملی به مبارزه ای با تکیه بر علمیه رژیم سرما بهداری حاکم دست زده پشت ارتجاع را بلرز میاندازند. در جریان اعترافا نشان ۹ نفر از نمایندگان نشان توسط پاسداران دستگیر میشوند و به این دلیل کارگران ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره را متقابلاً بسه گروگان میگیرند. رژیم وحشیانه به سرکوب کارگران متحصن پرداخته و بسیاری را مجروح و مضروب میکند. اما کارگران دلاورانه بسه مقاومت خود ادامه میدهند. اما بسیاری از کارگران مبارز در این جریان دستگیر میشوند. بدین ترتیب شاهدیم چگونه با فروپاشی توهمات کارگران نسبت به جنگ ارتجاعی کنونی، مبارزاتشان اوج میگیرد. این مسئله ضرورت کار را آگاهان هر چه بیشتر و سازماندهی هر چه سریعتر مبارزات خود بخود ی کارگران را بعنوان وظیفه تخطی ناپذیر کمونیستها مطرح میسازد.

یکروز حقوفشان بنفع جبهه‌های جنگ، اعتراض کرده و مانع از اجرای آن میشوند. دوره رکود مبارزات کارگران بیش از سه هفته بعد از جنگ طول نکشید و پس از آن مبارزات کارگران به اشکال کم و بیش پراکنده و مثلاً در رابطه با کم کردن ساعات کار و رعایت حفظ امنیت کارگران در شرایط جنگی، ادامه یافت. تا اینکه پس از مدتی ما شاهد اوجگیری مبارزات کارگران حول خواستهایی چون "حق تولید"، "خراج فورونها و سود ویژه میبایسیم".

تلاشهای مزدوران رژیم نظیر انجمنهای اسلامی مبنی بر آوردن مرتجعین چون "فلسفی" برای صحبت کردن در باره خیرات جنگ و با دعوت از خلفای جلاهد برای سخنرانی و پس از نیا مدن و تلاش پنا موفقتان برای برگزاری نماز جماعت و وادار کردن کارگران به دادن شعار بنفع خمینی و جنگ، با شکست مواجه گردیدند. اختلافات درونی رژیم به کارخانه نیر کشیده شد و هیئت مدیره لبرال بنفع هیئت مدیره "مکتبی" از کار برکنار شد و به عنوان یک قلمدهها میلیون تومان دزدی هیئت مدیره قبلی بر ملا شد. بطور کلی قدرت حزبها در کارخانه افزایش یافت، اما این مسئله تغییر در رشد مبارزات کارگران نداشت. از همان اوایل جنگ، کارگران شرکت آستاندارد، بسیاری اخراج فورونهای مزدور دست به اعتراض موفقیت آمیزی زدند، سپس بعد از قطع پرداخت وام کارگران و در عوض پرداخت پاداش به کارمندان عالیرتبه، اعتراض کارگران موفق به لغو این حکم شده و در بخش کار بورخواهان اعمال کنترل بر تولید میشوند. همچنین کارگران شرکت گابور برای گرفتن "حق تولید" دست به مبارزه میزنند و چون یکی از کارگران توسط کمیته مستقر در کارخانه دستگیر میشود، آنها به کمیته حمله ور شده و رفیق خود را آزاد میسازند. (۳) سرانجام مبارزات نزدیک شدن عید مسئله سود ویژه

(۳) - اخبار دقیق این مبارزات در شماره‌های گذشته "پیکار" درج شده اند.

بقیه از صفحه ۳۰ رفیق پیشمرگه...  
از وجود مزدوران جمهوری اسلامی بشهادت رسید. وجود چنین کمونیستهای قهرمان و پیشمرگه‌های دلاور است که سبب گشته خلق قهرمان کرد علی‌رغم سرکوبها و کشتارهای رژیم و علی‌رغم سیاستهای خائنانه حزب دمکرات همچنان فریاد ز می‌برد و در که "هر خانه مان سنگری، هر دستان مسلسلی، هر قلبمان نانجکی و...".  
با دکان کریم در دل همه توده‌های زحمتکش زنده خواهد شد!

بقیه از صفحه ۳  
آموزش نظامی و ایدئولوژیک پرداختند، آنها از فرمت استفاده کرده و تبلیغات فراوانی بر علیه کارگران انقلابی و کمونیست برانداختند. همچنین شرایط مساعدی بوجود آمد تا مدیریت، انجمن اسلامی، نمایندگان خائن شوراها و سایر مزدوران سرما به فشار کار را شدید کرده و به درجه استشاران بیافزایند. مقررات شدید انضباطی برای اجرای ساعات کار رعایت شده و جوخفان بر کارخانه‌ها کم میشود. چند کارگر مبارز نیز بعلمت فعالیت‌های افشاگرانه و پخش اعلامیه اخراج و یا به شرکت‌های دیگر منتقل میشوند.  
با اجرای مقررات خاموشی قسمتهایی که سه شفته بودند، شیفت کار میکنند و برای بالا بردن تولید مدیریت تصمیم به تغییر ساعات کار و کار در روزهای پنجشنبه میگیرد. که بر اثر مخالفت و اعتراض کارگران این تصمیم را لغو میکند. همچنین کارگران به کسر کردن اجباری

**۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران**

# خلق ها و مسئله ملی



## توطئه مرتجعین بر علیه پیشمرگان سازمانهای انقلابی در کردستان

کامیاران روستای طاء - ۶۰/۱/۱۹ - هر روز که از عمر جنبش مقاومت می گذارد آگاهتر شدن زحمتکشان کردیه متافع خویش و حمایت هر چه بیشترشان از پیشمرگان انقلابی، نیروهای مرتجع و سازشکار را هر چه بیشتر به وحشت می اندازد. کار آگاه هکرا نهوا انقلابی پیشمرگان که هدفشان دفاع از حقوق زحمتکشان میباشد و استقبال و پذیرش توده ها از این اعمال انقلابی مرتجعین را وادار می سازد تا به فکر تفرقه در میان خلق کرد و جدائی بین زحمتکشان و نیروهای انقلابی بیافتند و در این کار از زهریچ جنایت و عمل زشتی رویگردان نباشند. نمونه زیرگویی آشکار یکی از این توطئه ها میباشد که در ارتباط مستقیم با نقشه جا شها و پاسداران صورت گرفته است. این نمونه نشان دهنده یکی از شیوه های معمول ارتجاع حاکم است که با رها با آن روبرو بوده ایم. شیوه ای که میخواهد از طریق فشار بر مردم و ترساندن زحمتکشان و جا شگیری از میان افراد مرتجع، برای رژیم هوادا رجوع کرده و پیشمرگه را از حمایت بیدریغ خلق محروم سازد.

شب روز سه شنبه به مناسبت چهلمین روز شهادت ستن از رفقای ما که در یوگان به دست حزب دمکرات شهید شدند، مراسمی از طرف سازمان ما و با شرکت رفقای کومله و رزمندگان در مسجد آبادی "طاء" برگزار میشود. در جریان سخنرانی یکی از پیشمرگان ما، عسده ای از هواداران شیخ حبیب الله و حزب دمکرات، ضمن توهین به شهدای نیروهای انقلابی، مراسم را شلوغ کرده و به هم میزنند. بعد از پایان مراسم عده ای از مرتجعین آبادی، در خانه شیخ حبیب الله جمع شده و نقشه حمله به مقر زمانهای انقلابی را میریزند. آنها برای اجرای چنین کاری عده ای از هواداران خود را شبانه از روستاهای اطراف به "طاء" می آورند. (لازم به توضیح است که شیخ حبیب الله، فردی مالک و مرتجع میباشد. این فرد که در میان زحمتکشان "طاء" با یهای ندارد با رها به اذیت و آزار آنان پرداخته است. بطوریکه سه سال پیش عده ای از اهالی را مجبور میکنند که در گوشه ای دیگر از آبادی (قسمتهای کناری) خانه بسازند. از زمانی که نیروهای انقلابی در "طاء" فعالیت داشته اند شیخ کاملا با یگا خود را از دست داده و ایا این موجب نگرانی اش شده است چرا که بسیاری از

## ضربه سنگین پیشمرگان پیکار به مزدوران ارتشی و پاسدار در کامیاران و منطقه سقز - بانه

توب و خمپاره میگوید و ۴ فرونده هلی کوپتر نیز وارد گری شدند، پیشمرگان با روحیه عالی و با آرمی از محل درگیری بسوی پایگاه های خود عقب نشینی نمودند. در این نبرد دلاورانه هیچگونه آسیبی به پیشمرگان نرسید، بعد از عقب نشینی پیشمرگان، نیروهای کمکی دشمن با حمایت هلی کوپتر تا ساعت ۲ بعد از ظهر اطراف محل درگیری را با سلاحهای مختلف می کوبیدند. که در این عمل جنایتکارانه یک زحمتکش روستائی بشهادت رسید و یک نفر نیز زخمی گردید. مزدوران ارتجاع برای جمع آوری اجساد کشته شدگان و مجروحین و انتقال ماشینهای آسیب دیده، مسافرین جاده و اها لسی روستاها را برای حفاظت از جان خود به زور به محل درگیری آورده و آنها را سیر خود مینمودند، به گفته یکی از مسافرین که شاهد عینی ماجرا بود، تعداد کشته شدگان دشمن بیش از ۱۰ نفر بوده و تعداد زیادی نیز زخمی شده بودند، یکی از کشته شدگان بک جا ش بانهای بود. پیشمرگان بعد از این پیروزی به هنگام مبارزه با یگا های خویش مورد استقبال گرم مردم روستاهای اطراف قرار گرفتند.

پیشمرگان قهرمان پیکار دسته های شهید ظاهر و شهید باقی (از یل شهید کمال) طی نبردی دلاورانه در جاده سقز - بانه ضربه سنگینی به نیروهای دشمن وارد آوردند. در روز ۱۳۶۰/۱/۱۲ پس از دو روز کیمین گذاری پیشمرگان در دره حمزه قرتیان (بین پایگاههای سیا در گردنه خان) حدود ساعت ۱۱/۵ صبح ستونی از نیروهای دشمن متشکل از یک لندروور فرماندهی ۴۰ زیل ارتشی، ۲ اتوبوس حامل افراد ارتشی و سیج و ۶ کامیون خواروبار، تا نکر حاکم مل مواد سوختی به محل کیمین رسید. ستون مذکور بعد از رسیدن به محل کیمین، مواجبه تله های انفجاری پیشمرگان که از سه طرف کار گذاشته شده بودند گردید که منجر به زکرافتادن لندروور فرماندهی و یک زیل ارتشی گردید. بقیه ستون نیز بلافاصله مورد حمله سلاحهای سبک و نارنجک - انداز پیشمرگان قرار گرفت. در ابتدا افراد دشمن که متشکل از افراد ارتشی، پاسدار و جاش بودند، سرا سیمه و هراسناک از این حمله غافل - گیرانه نتوانستند هیچگونه عکس العملی از خود نشان دهند. بعد از حدود یک ساعت کوبیدن آنها، در حالیکه پاسگاه "سیا در" منطقه درگیری را با

## اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی درباره دروغ پراکنی منظم رادیو صدای آمریکا

۱- بخش مطلب مذکور عمدا هم زمان و در رابطه با اظهارات مدا حسین درباره اصطلاح اعلام آما دگی رژیم فاسقست بهت جهت کمک به جنبش های داخل ایران از جمله جنبش مقاومت خلق کرد صورت گرفته است.

۲- مواضع ما مستورا ج به رژیم بعث عراق، جنگ ارتجاعی حاضر و ضرورت مبارزه با وابستگی در جنبش مقاومت در همه سخنرانیها و اعلامیه های ایشان بخصوص در سابقه دوم بهمن ماه ۵۹ (دووی ربه ندان) بوضوح بیان گردیده است. ما مستوا شیخ عزالدین حسینی هرگونه وابستگی

بقیه در صفحه ۶

در چند ماه پیش رادیو امپریالیستی صدای آمریکا خبرنا درستی درباره ما مستوا شیخ - عزالدین حسینی در رابطه با شایعه اعلام خود - مختاری کردستان بخش کرد که بلافاصله از طرف این دفتر تکذیب گردید (اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی ۱۲/۱۰/۵۹). این روزها مجددا رادیو صدای آمریکا دست به دروغ پراکنی های جدیدی از جمله "ملاقات ما مستوا با یکی از مقامات نظامی عراق!" زده است.

دفتر سید عزالدین حسینی خیر ا قویا تکذیب کرده و نکات ذیل را به اطلاع هم میهنان مبارزو خلق رزمنده کرده میرساند:

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



مردم در طی این مدت حقوق با اعمال شده خود را از او پس گرفته اند

بهر صورت صبح فردای آنروز (چهارشنبه ۶۰/۱/۱۹) طرفداران شیخ سه همراه عده‌ای از هواداران حزب دمکرات، ابتدا خانه دوتن از پیغمبران زحمتکش ما را محاصره میکنند که بسا مقامت پیغمبران زحمتکش، کاری نمیتوانند نکنند پس آنها همراه عده‌ای زن و بچه و افراد ناآگاهه فریب خورده با سنگ و چوب و اسلحه به طرف مقر ما یورش می‌آورند، پیغمبران ما به علت موقعیت مقرورسرای اینک عده‌ای زن و بچه فریب خورده گشته نشوند، تیراندازی هوشی کرده و ضمن تخلیه مقر عقب نشینی میکنند و تمام بلندیهای آبادی رامیکیرند بعد از عقب نشینی پیغمبران آنها وارد مقر شده، شیشه‌ها را می‌سکنند و اموال جزئی پیغمبران را به غارت می‌برند. دارو دسته شیخ بعد از تخریب مقر ما به طرف مقر رزمندگان میروند که با تیراندازی رفقای رزمندگان و کومله مجبور به عقب نشینی میشوند. در جریان این تیراندازی بکنفرانس از هواداران کومله بنا مکاک نریمان (۷ ساله) شهید میشوند و سه کشته شدند از این قربانیان نرسیده بود بلاقاطله دارو دسته اش را جمع کرده و از دهه فرار میکنند.

بعد از رفتن شیخ، پیغمبران به دهه برگشته با استقبال مردم روبرو میشوند، مقر را دارو کرده و اخطار میکنند که هر چه زود سرا فرادی که وسایل مقر را برده اند با بدنه پیغمبران بازگردانند و در غیر این صورت با عکس العمل شدید روبرو خواهند شد. بهر صورت بعد از این جویا ناب حتی عمده وسایل به مقر برگردانده میشود و بنا به مافوق ستاد افراد مختلف جریا را توضیح میدهند، از جمله اینکه شیخ با زور تهدید مردم را برای حمله به مقر سیخ نموده بوده است، این مسئله را حتی مردم آبادیهای اطراف نیز توضیح میدهند. آنها که خود شیدا از آن حرکت ارازنفر میگردند توضیحشان این بود که می‌ترسیدیم شیخ خانه مان را ویران کند یا اینکه ما را مجبور به کوچ کردن نماید. همه آنها نشان میدهند که عنا صر مرتجع با زور و حمله مردم را پسج کرده بودند.

بعد از ظهر این روز طی جلسه‌ای، نیروهای انقلابی (کومله - یسکار - رزمندگان) تصمیم میگیرند که عده‌ای اراغامل اصلی این واحد را دستگیر کنند، که حبس دستگیری دوسراغامل اصلی آنها دست به مقاومت زده و کشته میشود. از طرف دیگر مردم روستاهای اطراف بخاراوسای سا هس "سج" را که فرار کرده بود بدروسای خود راه میدهند و اراص حرکت ضد انقلابی که مستقیما در خدمت جاس و با عداریس -

اطلاعه ۰۰۰

بفقیه از صفحه ۵  
بخصوص وابستگی و همکاری با رژیم بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است به زبان جنبش دانسته و آنرا اکیدا محکوم نموده است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز که اخیرا شدت بیشتری هم یافته، هیچگونه تفسیری در موضوع اصولی ما موستانداه است. اظهارات صددام حسین سخنی از همین جنگ ارتجاعی است و گر نه این جلاد خلق کرد که با شافق شاه خائن قرارداد شوم ۱۹۷۵ الجزایر را امضاء نموده و جنبش حق - طلبانه کردستان را به وحشیانه ترین شیوه سرکوب کرده و میکند، چگونه میتوانند از جنبشهای حق طلبانه خلقها، بخصوص جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان ایران پشتیبانی کنند؟ بنگونه اظهارات پرسروصدا در حقیقت بخاطر آن است که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را وادار سازد تا با صلح و سازش ارتجاعی دیگری با لاتفاق برای سرکوب جنبش رشدیابنده ملت کرد قرارداد دشوم دیگری امضاء نماید. خلق کرد و نیرو هوسای انقلابی جنبش مقاومت بخوبی نشان دادند که میتوانند با اتکاء به نیروی خود و به دور از هر گونه وابستگی، بیروزی جنبش مقاومت را بر سرکوبگران رژیم ضد خلقی جمهوری تاسیس نمایند.

۳- توجه خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران را به اسکنه جلب میکنیم که رادبو امیرالینسی اعدای آمریکا با دروغ برای کسی منظم در مورد حبس مقاومت خلق کرده تکارا هدفی جز مخدوش کردن اذهان عمومی نیست به جنبش عا دلانها و ایجاد ترس، بدبینی و تزلزل در وحدت مبارزاتی خلقهای ایران ندارد. اما حبس خلق کرد، جنبشی است اصل که این ساوه - گوینها خدشهای برحق است آن وارد سواحد صاحب.

۴- این سبیل سلیغات امیرالینسی عملا در خدمت رژیم جمهوری اسلامی میباشد و منقلا سبب سبب سرکوبگران رژیم، محاصره نظامی کردستان، سرفراری ساسور و حلقان عاقبتی در سرا سر کشور سبب بخش انا عا سن گونسه سمانیهای ارتجاعی و امیرالینستی کمک می - نمایند. بدین ترتیب توافق و همدستی امیرالینس آمریکا و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در دشمنی با جنبش مقاومت خلق کرد آشکارتر میگردد.

دفتر سید عزالدین حسینی

۵۹/۱۲/۷۸

ما شدا برا ز تفسیر میکنند.

این واقع که در ارتشاط مستقیم با جا مها و با عداران صورت منکسر مثل سساری از سوطه های دسکارا رنجاع، در اسر هساری و رجمکشان و نیروهای انقلابی عقیمی مانند و رجمکشان با حمایت و تاسد حرکات انقلابی سسیرکان و اسرا ز سفسر سسب سسب حسب - الله مشب سسکی برده ان سوطه کران سسب سسب.

۶۰/۱/۲۸

بفقیه از صفحه ۲۲ پیروان ۰۰۰

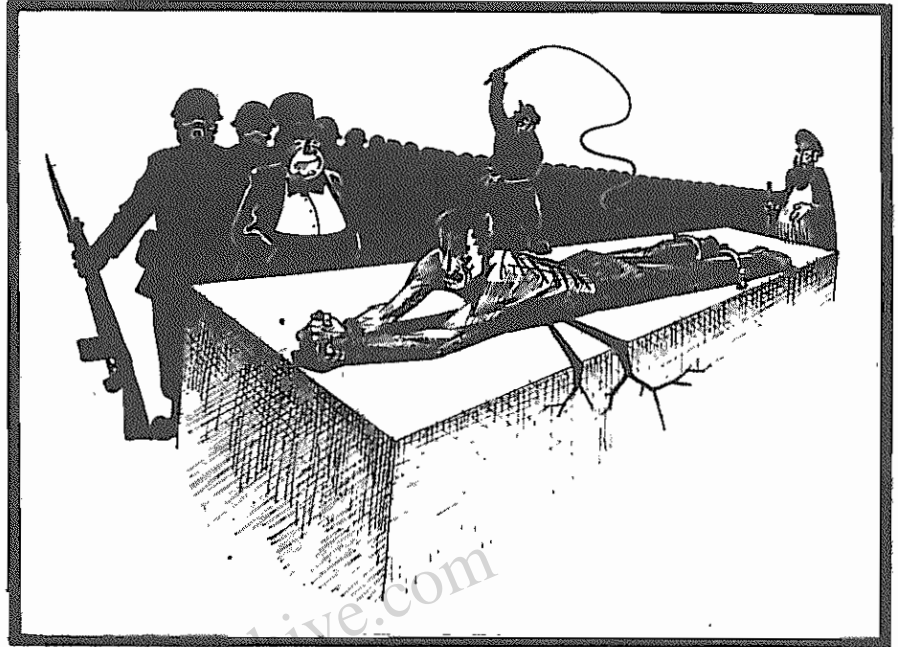
حرکت در آوردن جریخهای رنگ زده سرما یهداری حاکم با شند به میدان آمده بودند. و این چیزی بود که از نظر لیبرالها در با ساری سرما یهداری وابسته و به گردش در آوردن جریخ های آن، اخلاص ایجا دمیکرد. پس از تحقق هدف مشتسکرک اول انگیزه دوم سناای شکلگیری اختلاف میان دو جناح گردید. و از آن پس همواره به یکی از موارد اختلاف دو جناح تبدیل شده است. در طی ایسسن مدت همواره لیبرالها به جناح دیگر در جهت باز کردن دانشگاهها و بکار انداختن این نهاد در جهت مطلوب سرما یهداری، فشار وارد میکردند.

اکنون پس از گذشت یکسال و در حالیکه تمام تلاشهای ستاد با صلاح انقلاب فرهنگی در جهت "تغییر نظام آموزشی" به نفع اتوبی های ارتجاعی خودشان به شکست و سبب انجام میدهند. رهبران جمهوری اسلامی از خواب کسران خود سر بلند میکنند و بنا چا ربروا قعبت هسا و ارزشهای سرما یهدارانها کم کردن میگذارند. آنها در با قضا اند، چرخش نظام حاکم بنیا زمند کارها و نیروهای انسانی متخصص و کارآمد بورژواشی است. آنها بتدریج درمی یابند که واقعبت های سرما یهداری ایران، فراتر از اتوبی ها و اوها، ما ارتجاعی و حبال پردازانسه آنها، خوبسشن را تحمیل میکنند. آنها درمی یابند که حفظ موجودیت رژیم حاکم و نظام موجود ضرورت با سخگونی به این نیازها و گردن گدائسشن به اس و اعبت ها را طلب میکنند. به همین دلیل است که اگر در گذشته قریبا دمیزدند که تا دانشگاه از "یادی شرق و غرب" تمفیه نشود، و تا "نظام آموزشی استعماری" دگرگون نشود دانشگاهها با زرخوا دهند، امروز پس از شکست تلاشها یسان، و اسسشن از تمفیه فدا انقلابی بسیاری اراغامل مبارر، آگاه و آزا دانیش دانشگاهی، بدون آنکه نخبزایای ای در نظام آموزشی استعماری صورت گرفته باشد، فرمان سازگشتی دانشگاه را ما در میکنند و با تغییر صد هشتاد درجه ای موضع خود مسگویند: "ما مانا کبند دانشکده با رنگاشی دانشگاهها مرحله ای انجام میگرد پس از باز -

گشتا شی اصلاحات لازم بیفوریت انجام میگرد." (به نقل از سخنان فارسی پس از ملاقات با خمینی - جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۴ فروردین) یاری رژیم جمهوری اسلامی، یکسال پس از گشتا ردا سنجویان مبارز و انقلابی، تعطیلی دانشگاهها و تمفیه عنا صر مبارز و انقلابی دانشگاهی، به سمت بازگشتی دانشگاهها میروند تا با شکه این نهاد را مجددا به خدمت نیازهای ارتجاعی نظام حاکم در آورد و ا لیتها با این خیال که به کبره محلی برای ورود دانشجو سسان و دانشگاهیان مبارز و انقلابی و گانوشی جهت روشگری، آگاهی و فعالیت انقلابی تبدیل نگردد، اما بدون شک علیرغم تمام تلاشها و وقیدو بندهای ارتجاعی رژیم در جهت این هدف جوا نه - های انقلاب با زهم بتدریج از دانشگاه سسیرون خواهد آورد. این سطق مبارزه طبقاتی است. و رژیم نمیتواند با چنین منطقی به سسز در آید. مگر آنکه با زهد دانشگاهها را به تعطیلی بکشانند!

بفقیه از صفحه ۲۲ پیروان ۰۰۰

## شکنجه انقلابیون: مایه افتخار جمهوری اسلامی!



است "جمهوری اسلامی - ۶۰/۱/۲۴)  
از دیدایسن ساواکی "مکتبی ترور  
دومجا هدا سیردرقزوی  
ورا سر (درهمین هفته های اخیر) و ترور کمونیست  
- های قهرمان رفقای بیکارگرما لحنی راد و  
نجم الدینی در تبریز و رفیق فدائی جها نگیر  
قلعه میا ندوآب و... پس از شکنجه در زندانها ،  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، محرومیست  
بیشتر زندانیا ن کمونیست - مثلا بیش از ۴۰  
روز در زندان اوین - از شستشو ، حمام و رفیع  
نیازهای روزانه و نداشتن غذا و امکانات  
بهداشتی "افتخار جمهوری اسلامی" است ، شکنجه  
بیکارگر کمونیست رفیق محمود صمدی (بنا به  
تصدیق پزشکی قانونی) و تیرباران او "افتخار  
جمهوری اسلامی" است ، تاجا وزپا سداران به  
دختران قهرمان کرد در سنندج و تهران "افتخار  
جمهوری اسلامی" است ، لخت کردن توام با توهین  
زندانیان انقلابی هنگام ملاقات و برای تفتیش  
بدنی آنان "افتخار جمهوری اسلامی" است ،  
زندانی کردن کمونیست ها و انقلابیون پس از  
پایان محکومیت شان "افتخار جمهوری اسلامی"  
است ، جلوگیری از ترده زندانیان انقلابی و  
شرکت آنان در کارهای روزمره زندان (برای  
آزار آنها و محبوس کردنشان در محیط بسته)  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، سوزاندن بدن  
انقلابیون و نوشتن درود بر خمینی با آتش سیگار  
بریدن یک مجا هدر زندانی در شیراز "افتخار  
جمهوری اسلامی" است ، شکنجه روزمره زندانیان  
انقلابی بدست پاسدارانی بناهای شیراز ،  
بهرام ، حسین ، منصور و نظری در زندان اوین  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، بهره کشیدن  
شکم یک زندانی انقلابی در شکنجه در شیراز  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، و... و اگر تمنا  
افتخارات این چنینی جمهوری اسلامی را  
بشماریم مثنوی هفتاد من کاغذ شود! و با وجود  
این شکنجه و آزارها و ترورهای آشکارا انقلابیون  
و کمونیست ها ، مرتجعسی چون بشارشی ساواکی  
شعره میکشد که: "با شها مت و شجاعت میگویم  
که در زندانهای جمهوری اسلامی شکنجه نیست" و  
البته تا هدم میآورد: "من از یکی از زندانیان  
پرسیدم آیا شکنجه شده ای؟ گفت با بدست  
مشولان را بوسید و گفت شب های جمعه یک اطاق  
برای من و خا نواده ام خلوت میکنند" ، ایسن  
دست پرورده ساواک که اینک بدروغ خسودرا  
"تنها بنده مردم" میخواند ، اگر راست میگوید تا  
و نشان این زندانی را هم بدهد ، مردم آگاه به  
خوبی میداند که در زندانهای جمهوری اسلامی  
هستند مزدورانی چون احمد رضا کریمی خاکن  
ساواکی و همکار "پیشین" شارتی و با زجوی رفیق  
شهید شها که بخاطر خوش رقصی های پیش ملاقاتهای  
"شبا نه" داشت و (شاید هم در اد) و حتما نظا بسر  
بقیه در صفحه ۸

تحقیقات "کا ملا روشن است ، به زعم ارتجاع نه  
تنها در زندانها از شکنجه خیری نیست بلکه  
این انقلابیون زندانی هستند که پاسداران  
زندانیان را شکنجه میدهند! (جل الخالق !!)  
(از ماضی تلویزیونی محمد گیلانی - ۲۳ فروردین  
۶۰) وظایف این رژیم جمهوری اسلامی است که  
طلبکاران را زآب درآمده است ، و بزعم سردمداران  
رژیم شکنجه های وحشیانه ای که نمیتوان به  
هیچ وجه گتمان نمود ، نه بدست پاسداران بلکه  
خود انقلابیون صورت گرفته است ، مثلا اگر در  
شیراز بریدن یک هوادار مجاهد ، جمله "درود بر  
خمینی" را با آتش نوشته اند ، یا بعمل جنایتکار  
انه توسط "خود آنها" صورت گرفته است ، ایسن  
گفته خمینی توجه کنید: "شما گرفتار جمعیتی  
هستید که خودشان را داغ میکنند تا گردن شما  
بگذارند... بعضی از اینها رفیق خودشان را  
بیهوش میکنند و شکنجه میکنند برای اینکه  
بگویند شکنجه دادیم" (دیدار با اعضای  
"دادگاههای انقلاب" جمهوری اسلامی ۶۰/۱/۲۰)  
و پس از این دروغهای و قیحا نه علی محمد  
بشارتی جهرمی همکار ساواک در سال ۱۳۵۶  
نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی ، فرد مورد  
اعتماد آیت الله خمینی و نیز عضو "هیئت"  
نا مبرده در بالا پس از چندین ماه سکوت  
خا شنا نه در مجلس "به گزارش دهی پرداخته و با  
وقا حتی وصف نا پذیر میگوید: "بخدا قسم مثلی  
در زندانها جریان دارد که افتخار جمهوری اسلامی

این واقعیت که رژیم و وابسته ها جلا ، درسیا ه  
- چالهای دهشتناک ساواک و کمیته ، هزاران  
نفر از فرزندان کمونیست و انقلابی خلق را زیر  
شکنجه های وحشیانه قرار میداد ، بر کسی پوشیده  
نیست ، اما آیا یکبار بخاطر اید که شاه جلا و  
دیگرا عوان و انصارش پذیرفته باشند که زندانیان  
سیاسی را شکنجه میدهند؟ جواب کا ملا روشن است  
نه! این مسئله نه فقط در مورد رژیم ارتجاعی  
گذشته ، بلکه در مورد کلیه رژیمهای ارتجاعی  
دنیا صدق میکند ، نگاه کنید به شیلی ، آرژانتین ،  
فیلیپین ، اسرائیل غاصب و... منطبق ارتجاع  
همین است ، و اکنون دو سال است که رژیم  
جمهوری اسلامی ، زندانیان بارش رسیده از شاه را ، زکمو -  
نیستها و انقلابیون دیگر بر کرده و با شکنجه ها و  
اعدامها در زندانها به راه افتاده اند ، کوس  
رسوایی رژیم جمهوری اسلامی در مورد شکنجه در  
زندانیان و "خانه های امن" نقد بر مدام در آمد که  
بنی مدرخان برای فریب توده ها و در چها رچوب  
جنگ قدرت در هیئت حاکمه ، صحبت از شکنجه کردو  
برای اینکه عوام فریبی کامل شود ، بدستور  
آیت الله خمینی ، هیئتی برای بررسی شکنجه  
تعیین شد ولی چند روزی پیش گذشته بود که  
اسم آن به هیئت بررسی "شایعه" "شکنجه تبدیل  
شد و اکنون پس از چند ماهی از تشکیل "بن هیئت"  
سردمداران رژیم موزرانه اعلام میکنند که در  
زندانیان شکنجه نیست! آری همچنانکه ما از روز  
تشکیل این هیئت پیش بینی کرده بودیم "نتیجه

زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده ها آزاد باید گردد

# چپاول ۷ میلیون تومانی رژیم از دسترنج کارگران

بیش از ششما جنگ ارتجاعی علاوه بر کشتار هزاران نفر، فقر و فلاکت صدها هزار زحمتکش و آوارگی بیش از ۱/۵ میلیون نفر از هم میهنان جنگزده ما که در شیراز، اصفهان و... همه روزه مورد بیورش اوباشان ارتجاع قرار میگیرند کارگران زحمتکش مناطق غیر جنگی را نیز از "خیرات" خودی نصیب نگذاشته است. همانگونه که از آقا زنگ دورژیم ارتجاعی ایران و عراق بارها گفته ایم، سنگینی هزینه های جنگ را کارگران و زحمتکشان بردوش میکشند. رژیم جمهوری اسلامی با عوام فریبی و تبلیغات گوغراش سوء - استفاده از احساسات پاک توده های زحمتکش میلیونها تومان از دسترنج کارگران را تحت نام کمک به جنگزدگان از جنگ آنان بیرون می آورد ولی نه تنها این کمک ها را به آوارگان جنگی نمی رساند (که وضع زندگی آنان در جملات روزمره بسیار ناروان و اوباشانه قطع حیره غذا شی و پوشاک - نمونه ملک شهر اصفهان و شیراز و... شاهدان واقعیتر میباشند) بلکه همین کارگران زحمتکش و قهرمان را به مجرد بیان خواست های عادلانه شان به هزارویک جهت - که شاید سرمایه داران چپا و لگرمیباشند - متهم ساخته و آنها را "فدا انقلاب" و... خوانده و پاشان را با گلوله میدهد.

کارگران ایران تا سیونال، در طول ۵ ماه مبلغی معادل ۶ میلیون و هشتصد و نود و پنج هزار تومان تحت نام عوام فریبانه کمک به جنگزدگان را - که از حقوقشان کسر شده است برداشته اند. آری رژیم حدود ۷ میلیون تومان از دسترنج کارگران را چپاول می کند و با زامعای طرفداری از کارگران را دارد. سرمایه داران کارگران را فقط برای استثمای روتبذیل آنان به "گوشت دم توب" میخواهند اما اگر همین کارگران برای کسب حقوق خود دست به مبارزه بزنند، با ایدانتظار هرگونه سرکوب، آزار و حتی گلوله حافظین سرمایه داران را داشته باشند. همین چند هفته پیش بود که رژیم ضدگامی جمهوری اسلامی، کارگران کفش ملی، که برای حقوق خود اعتماد نموده بودند را به گلوله بست، همین

چند هفته پیش بود که به علت فقر و محرومیت، ده هزار کارگر قهرمان ایران تا سیونال دست به اعتماد زدند. بنا بر این می بینیم رژیم ارتجاعی حاکم که طرفدار سرمایه داران زانلو صفت است نه تنها کارگران را در فقر و فلاکت نگاه میدارد، بلکه همچنین آنان را به گلوله میبندد، سندی پرنشان میدهد رژیم جمهوری اسلامی که دشمن کارگران و زحمتکشان است چگونه

بقیه از صفحه ۲۲ **فراخوان**  
توجه تیرا از پیکار روزماندن هر چه سریعتر آن بدست خوانندگان هستیم و این میسر نمیشود مگر با تائید بودن نسبتا بالای مالی که الزامات می بایست از طریق کلیه رفقای اعضا و اداران و کارگران و زحمتکشان و توده های آگاه و انقلابی خلق ما جمع آوری و فراهم شود.

از اینرو ما با تا کید خاص، از شما می رفا، اعضا و هواداران و خوانندگان پیکار میخواهیم که با بسیج امکانات خود در این زمینه، سازمان را در امر پاسخ به نیازهای جنبش طبقه کارگر و توده های یاری دهند. این کمک با اید در فرصت زمانی هر چه کوتاهتر و بیژان هر چه بیشتر تا مین

زورچینیهای کارگران را خالی میکند، سندی زیر یکبار ردیگو تبلیغات رژیم را رسوا کرده و نشان میدهد وقتی رژیم میگوید طرفدار "مستضعفان" است دروغی بیش نیست، بلکه در واقع طرفدار و یار صدیق سرمایه داران خونخوار است.

سنگ و نفرت بر چنین رژیمی بساد! چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه داران مفتخورا هر چه وسیعتر افتاکتیم!



شود، این کمک با اید بطور خاص و جدا از سایر کمک های مالی و صرفا بمنظور افزایش تیراژ پیکار و تسهیل توزیع و بخش آن انجام گیرد. از اینرو از کلیه رفقا، اعضا و هواداران و خوانندگان پیکار میخواهیم که کمکهای مالی خود را در این باب تحت عنوان "کمک برای افزایش تیراژ نشریه پیکار" برای سازمان ارسال دارند.

پیروزی باشد!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۱۵



تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۰  
شماره: ۲۹۰۰

بسم رب المستضعفين

وللّٰه نكتم بئس من السوء و الجور و نص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر العالمين  
و البته شمارا آرزای این بیکم به پهن آندهای جزئی مانند خرس، گرسنگی، نقصان اموال و جانها و آفات زرامت و استقامت کنندگان را بهار، بساد  
(قرآن کریم بقره ۱۵۴)

بر همه واجب است به جنگ زده ها و آنها که زنده گشتان را از دست دادند کت کنند.  
(امام خمینی)

با شکر از همکاران محمديه تا کون با برداشت بتا، چند ریز از حقن ماهانه خود جهت کت و زناه حال آزارگان جنگ تمایل بهم برده و مدام، به وظیفه خطیر اسلامی و انسانی خود عمل نموده اند.

ارتام کت خنده دژ طی ماههای مهرا، آبان، آذر، دی و بهمن ۱۳۵۹ را بخیر زیر به اطلاع میرسانند.

- ۱- مهرماه ۱۵۸۷۲۴۲۳۳ ریال
- ۲- آبان ماه ۱۵۷۵۹۵۶۲
- ۳- آذرماه ۲۳۵۱۸۸۸۰۶
- ۴- دی ماه ۱۳۲۲۸۶۶۶۰
- ۵- بهمن ماه ۱۱۶۶۹۲۹۸۰

جمع ۶۸۸۱۵۲۲۳۵ ریال

لازم به توضیح است که از ماه اسفند به بعد کلیه همکاران که مایل هستند با ادامه کت خود انقلاب خونبار اسلامیان را در این وضعیت شاس و سرنشت ساز، که تمامی اسلام در برابر کفر و استکبار جهانی قرارگرفته است، یاری نمایند بخواهند "شخصات کامل خود را در اینجانبی که از طرف انجمن اسلامی بر سرله نمایندگان نسبتا با سفولین کارخانه های انجمن اسلامی عزیز می شود، اعلام و با با تلفنهای ۲۲۶۵ و ۲۲۶۶ انجمن اسلامی تماس حاصل فرمایند.

امید است این کمکها مورد قبول عداوند تعالی قرارگیرد.

فصل به بل منتفال ذره غیرا" بسره

هر کرداری نیکی که با دانی آترا خواهد درسد

انجمن اسلامی کارمندان و همکاران سازمان



## بقیه از صفحه ۷ شکنجه

اودرزندانها کم نیستند و اگر آنها را آزاد نمی کنند بخوا طرفشا رتوده ها است ولی برای ایشان مجالس بزم در زندان فراهم میکنند.

واقعا اگر در زندانها شکنجه نیست چرا او همه دارید و درهای زندانها را بروی توده ها بساز نمی کنید؟ چرا به خاندانهای زندانیان کمونیست و انقلابی اجازه ملاقات نمیدهید؟ چرا خانواده رفیق محسن فاضل دوماه پس از دستگیری رفیق هنوز کوچکترین خبری از او ندارند. آری رژیم حاکم شکنجه گرزندان نشان انقلابی است و گفته های بشارتی ها که برای توده ها بحداکی افشا شده اند سندی محکم نیست رژیم جمهوری اسلامی است.

توده های انقلابی و مبارزا

هم اکنون هزاران زندانی انقلابی در بدترین شرایط و در شهرهای مختلف زندانی رژیم جمهوری اسلامی هستند. با خاندانهای زندانیان تماس بگیرید، از اخبار و شرایط زندانها آگاهی یابید. و دوش بدوش هم بگوئیم تا جنایات مزدوران جمهوری اسلامی را در مورد کمونیست ها و انقلابیون دربند، این ایسیران راه آزادی و استقلال، راه انقلاب و سوسیالیسم افشا کرده و دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی را به وظیفه روزانه خود تبدیل سازیم!



# اخبار مبارزات توده‌ها



## تظاهرات هواداران سازمان در مسجد سلیمان: حمایت توده‌ها و درماندگی ارتجاع

روز دوشنبه ۱۵ فروردین، هواداران سازمان پیکا در مسجد سلیمان، در مرحله سرکور ها دست به یک راهپیمایی افشاگرانه زدند. تظاهرات کنندگان در ضمن دادن شعارهایی از جمله: "از قحطی و گران‌ی، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدن"، "معلم خراجی، بر سر کار سابق، با بقا باید گردد"، "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌ها، زنده باد پیکا توده‌ها"، "تعطیلی صنایع فولاد توطئه سرما پیداران علیه کارگران"، "..... و حمل بلاکاردهائی شامل عکس رفقای شهیدطها سبی- زاده و صمدی و شعارهای انقلابی به گسترش آگاهی در میان زحمتکشان پرداختند.

در طی مسیر، تعدادی از مزدوران رژیم‌پسا همه‌جا قادرند به زدن راهپیمایی بودند که

با مواجه شدن با خشم مردم و تظاهرات کنندگان مجبور به عقب‌نشینی شدند. ارتجاع از آنجا که حمایت توده‌ها از تظاهرات کنندگان را میدیدمانندمار - زخم خورده به خود می‌پیچید و چون قادر به بسیج توده‌ها بر علیه کمونیستها نبود، دست به بسیج کودکان ۸- ۷ ساله برای دادن شعار مرگ پیکاری زده بود. کم‌نهایت درماندگی ارتجاع را به نمایش می‌گذارد.

تظاهرات پس از ۴ دقیقه با موفقیت بی‌ایمان میرسد و در طول مسیر توده‌های آگاه و زحمتکش به اشکال مختلف و از جمله با کمک مالی از طریق صندوق کمک مالی، حمایت خود را از نیروها و کمونیست نشان میدادند

### تصحیح وپوزش:

● در مطلبی بی‌رامون ژئیک فاضل که در پیکار ۱۰۱ چاپ شده اشتباه گفته شده است که او به "دعوت" هانی الحسن، سازمان منطقه بود. همانطور که یکبار در مرتضی آمده، درست این بود که نوشته میشد با معرفی هانی الحسن (سفیر سابق فلسطین در تهران و عضو کمیته مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین) ....

● در پیکار شماره ۹۹ صفحه ۱۶ خبری تحت عنوان پاسداران علیه آوارگان آورده شده بود که تاریخ درست آن ۱۲/۱۹ بوده است.

● در پیکار روئیه قیام (ضمیمه ۹۳) در ارتباط با خبردگیری صیادان نوشهر با استناد به یکی از شماره‌های قبلی پیکار، به شهادت یک صیاد اشاره شده است که این مسئله صحت نداشته است.

● در پیکار ۹۷، خبری تحت عنوان "خودکشی" ارتغان دیگر جنگ ارتجاعی "آمده است که اشتباهی در آن رخ داده است. خبر درست این است که فردی که خودکشی کرده گنجهای نام داشته و دیپلمه و وظیفه بوده است. وی را بجای بیمارستان به زندان فرمانده میبردند که فرمانده مزدور او را کتک زده و کلتی میدهد و میگوید "اگر میخواهی خودت را بکشی، با این بکش". و بعد این شخص اقدام به خودکشی کرده است.

## اجرای نمایشنامه توسط رفقای هوادار در شیراز

رفقای هوادار سازمان در شیراز در ایام عید نمایشنامه‌های افشاگرانه بنام "برام کجاست بدنبال امپریالیسم" در "پارک شهر" اجرا نمودند. محتوای نمایشنامه نشان میداد که چگونه مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ارتجاع داخلی نیست. این نمایشنامه با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از مردم، مورد استقبال آنها قرار گرفت. رفقای این نمایشنامه را در مرحله فقیرنشین و معسوف شیراز بنام بیوردی و یا پاپل وردی اجرا نمودند.

امتحان کنند، ببینند میتوانند خلع سلاحمان کنند یا نه، یا دشمنان رفته که ما چنان امید داریم ولی تفنگهایمان را نه. زمان شاه تخم مرغ برای ما ن داغ کردند، اسلحه تحویل ندادیم، ... روز هشتم اسفند ۵۹ روزی بود که با محاصره دهکده "باریکه" فرخینوند، یکبار دیگر ما هیست ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران سرکوبگرش برای اهالی این منطقه ثابت شد، روزی بود که توده‌های مسلح این منطقه دیگر بار با تکیه بر قهر انقلابی مشت محکمی بر سر سوزه مزدوران رژیم کوبیدند

## محاصره روستای باریکه-ایلام توسط پاسداران رژیم و مقاومت اهالی

در روز ۸/۱۲/۵۹، پاسداران مسلح رژیم روستای "باریکه" فرخینوند از توابع ایلام را محاصره کردند تا به تفتیش اهالی و خلع سلاح آنها بپردازند. مزدوران رژیم به خانه‌های فردی بنام "گرمشاه" حمله کرده و وی را بر کبک و گلوله میبندند. "رضا" برادر کوچک وی تفنگ بردوش به کوه "کله مبله" میگریزد. پاسداران به تعقیب وی پرداخته و وی را از ناحیه پا زخمی میکنند. با این وصف و میتواند با گشودن آتش بسوی جیره‌خواران رژیم، دو نفر از آنها را بشدت مجروح نماید. دسته دیگری از پاسداران به خانه یکی دیگر از اهالی بنام "خمان" یورش برده و چون با مقاومت او روبرو میشوند، "قیمتی" همسر او را با گلوله میزنند. گلوله به پیشانی "قیمتی" اما بت‌کرده و از پشت سرش بیرون می‌آید. گلوله‌های پاسداران استخوان بازوی فرزندش را هم‌شان را نیز از هم میپاشد. "خمان" به مقاومت خود ادامه داده و با تبرپای یکی از پاسداران را از زانو قطع میکند. مردم مسلح

قراء مجاور از جمله اهالی منطقه "گراوند" به کمک اهالی باریکه آمده و با بطرف پاسداران تیراندازی کردند.

مزدوران رژیم که خود را در مقابل قدرت یکپارچه و متحد روستایان ناتوان دیدند، به پاسگاه "شادباغ" از توابع اسلام‌آباد رفتند و تقاضای کمک کردند و سپس نزدیکیهای غروب با تانک انداز و مسلسل سنگین بازگشتند. مردم مسلح بر بالای کوه‌های "فرخینوند" سنگر گرفتند "رضا" فریاد میزد: "ای قماربازهای دیروز، اینجا را گردستان میکنیم" و از فاصله دور تلیک میکرد. سردسته پاسداران فردی بنام "مجتبی" بود. آنها پاسداران اسلام‌آباد بودند که به توابع ایلام یورش آورده بودند تا مردم محل را خلع سلاح کنند. اما اهالی با مقاومت خود جواب دندان شکنی به آنها دادند. جیره‌خواران رژیم بزدلانیه مردان بپیردهکده را سرخود سخته و فرار را برقرار ترجیح دادند. یکی از اهالی مسلح "گراوند" میگفت "شاید این پاسداران خواسته اند ما را

به استقبال جنبش او بگیرند توده‌ها بشتاییم

# مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (۳)

## دموکراسی بورژوازی بر چه اساسی استوار است:

حال در ادا مه بحث خویش به بررسی چگونگی "دموکراسی بورژوازی" می پردازیم این بررسی نشان میدهد که "دموکراسی بورژوازی" بر چه پایه‌های استوار است. اکثریت میباشد، زیرا همه اعضای جامعه دارای حق مساوی شرکت در تعیین امور دولت و حکومت هستند. اعضای جامعه از طریق انتخابات از این حق بطور فعال استفاده میکنند. در نتیجه حکومتی که از انتخابات حاصل میشود حکومت اکثریت است.

واقع‌دا و طلبان نمایندگی توسط احزاب قدرتمند کامتعیین میشوند و با تدارک کلیه مقدمات قضیه آنچنان به پیش میروند و تبلیغات آنطور سا زمان داده میشود که همه میدانند به کدام چهره ها با ایدر آید.

غیر مستقیمی است که در آن نمایندگان مجلس شهر دارها و ستاندارها، اعضای انجمن های شهرونی و غیره که با اصطلاح با رای اکثریت مردم انتخاب شده اند در ادا راه مور شرکت میکنند. نقش و قدرت اکثریت زحمتکشان جامعه فقط به این محدود میگردد که هر چند سال یکبار در رای گیری شرکت کنند و سپس به کاری بنشینند. این رای برای مدت تعیین شده قابل پس گرفتن نیست و انتخاب کنندگان نمیتوانند نمایندگان را معزول سازند. اکنون بررسی همین (حق رای) و "انتخابی بودن" به ما نشان میدهد که واقعیت چیست و در حقیقت "برابر بودن" و "عمومی بودن"

اگر قدری در طرز کار ما شین دولتی بورژوازی دقیق شویم، ما هیت این دموکراسی را کاملاً درمی یابیم و بر این مفهوم میشود که دموکراسی بورژوازی، در واقع چیزی جز دموکراسی ارتجاعی که سر پای مسلح است، چیزی دیگری نمی باشد. در واقع ما هیت (بوروکراتیک - نظامی) نهاد های دموکراسی بورژوازی، در بر خورده به هر موسسه جامعه سرمایه داری آشکار میگردد. به سلسله مراتب موجود در موسسات جامعه سرمایه داری نگاه کنید: در ادارات، کارخانه ها، در سا زمان های مطبوعات و... زحمتکشان دسته جمعی مشغول کار هستند. اداره و چرخاندن امور "همگانی" (عمومی) است. اما سرخ تصمیم گیری، از سلسله مراتبی میگردد که در رأس آن یک بورژوا - بورکرات قرار دارد. چه ارگانی این بوروکراسی ارتجاعی را حفظ میکند؟ ارتش و نیروهای مسلح بورژوازی که خود نیز همانند یک اداره، بطور سلسله مراتبی و کاملاً بوروکراتیک اداره میشوند. در رده های پایین فرزندان کارگران و زحمتکشان که آلت سرکوب بورژوازی اند، با زماندهی شده اند. در بالا فرماندهان بورژوا بورکرات هستند که فرمان میرانند. ارتش و بوروکراسی اینها را رژیم سرمایه داری است. یعنی همان سازمانهای که از اصل حق مردم را در تعیین نظام سیاسی و اداره دولت پامال میکنند. این مقامات بورکرات هستند که به نمایندگی از جانب دولت در اس ادارات قرار گرفته اند و امور اهدا هیت میکنند و فرمان میدهند. این دستگاه پلیس و ارتش است که اعتراضات کارگران و زحمتکشان را سرکوب و خفه میکند. و این سازمانها - عزل - ناپذیرند. در رای حقوق ممتاز و بر مردم سلطه خود را تحمیل میکنند (۱) این است دستگاه دولت بورژوازی. و این دستگاه در دوران امپریالیسم، بطور بی سابقه ای رشد میکنند و هیولاوار قدرت میگیرند و سلطه خود را بر کارگران و زحمتکشان گسترده میکنند.

● اگر قدری در طرز کار ما شین دولتی بورژوازی دقیق شویم، ما هیت این دموکراسی را کاملاً در می یابیم و بر این مفهوم میشود که دموکراسی بورژوازی، در واقع به چیزی جز دموکراسی ارتجاعی که سر پای مسلح است، چیزی دیگری نباشد.

رای مردم در دموکراسی بورژوازی چه معنایی دارد: "آزادی انتخابات" و "حق رای عمومی" در جامعه ای که میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان به علت فقر و رنج و زیادهای کار و زحمت هیچگونه فرصتی برای مطالعه، فکر کردن، سنجیدن و انتخاب کردن ندارند و بخش عظیمی از آنان حتی از سواد کافی بی بهره اند.

سرما یه داران حاکم. قانون اساسی بورژوازی نیز در واقع ضامن حفظ مالکیت خصوصی و امتیازات ثروت است. حتی دموکراتیک ترین قانون اساسی بورژوازی را نیز نمیتوان یافت که در آن با ماده ها و تبصره های گوناگون حق سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان پیش بینی نشده باشد.

در جامعه ای که کارگران و زحمتکشان یک هزارم مکانات تبلیغی عظیمی را که در اختیار طبقات سرما یه داران روزمندان است ندارند. در حالیکه قانون دولتی شرایطی را برای نماینده شدن می گذارد که کارگران و زحمتکشان عملاً نتوانند به مجلس راه پیدا کنند (تظیر سواد تخصصی) در اکثریت جوامع سرما یه داری از شرکت و انتخاب کمونیستها که نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان هستند، بوسیله قوانین گوناگون جلوگیری میشود.

آزادیهای پیش بینی شده در قانون اساسی بورژوازی نیز بقول لنین ما هیتی کاملاً طبقاتی دارد: آزادی اجتماع و در شرایطی که ثروتمندان بهترین ساختن های عمومی و خصوصی را در اختیار خود دارند و اجتماعاتشان بوسیله ارتش و نیروهای مسلح حفاظت میشود، و در مقابل کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی برای بیان خواستهای خود، نه تنها یک هزارم مکانات طبقاتی دارند، بلکه به محض کوچکترین اعتراض جدی، بوسیله همان نیروهای مسلح بورژوازی سرکوب میشوند، جز چیزی فریب چیزی نیست.

در چنین مجموعه شرایطی (پارلمان) (حق رای) چه نقشی بازی میکند؟ آیا میتواند نقشی جز آلت و ابزار فریب زحمتکشان بهمهده داشته باشد؟ جز این نیست و نمیتواند باشد. (پارلمان) وسیله ای است که حکومت بورژوازی با تکیه بر آن وانمود میکند که حکومت مردم است. حال آنکه در انتخابات پارلمانی سرما یه داری، در

آزادی مطبوعات، در حالیکه بهترین دستگاه های چاپ و بزرگترین انبهارهای کاغذ سا زمان های مطبوعات در تسلط سرما یه داران است و در حالیکه دولت کاملاً بر مطبوعات کنترل دائمی دارد، دروغ و فریبی بیش نیست.

در چنین مجموعه شرایطی (پارلمان) (حق رای) چه نقشی بازی میکند؟ آیا میتواند نقشی جز آلت و ابزار فریب زحمتکشان بهمهده داشته باشد؟ جز این نیست و نمیتواند باشد. (پارلمان) وسیله ای است که حکومت بورژوازی با تکیه بر آن وانمود میکند که حکومت مردم است. حال آنکه در انتخابات پارلمانی سرما یه داری، در

حال پیش تر بر رویه و بینیم که (پارلمان) و (قانون اساسی) که به ادعای بورژوازی ابزار حاکمیت مردم و ضامن حفظ این حاکمیت میباشد چه نقشی در (دموکراسی بورژوازی) بازی مینماید نقش پارلمان و قانون اساسی در (دموکراسی بورژوازی) (دموکراسی پارلمان بورژوازی، دموکراسی

بقیه در صفحه ۱۳

(۱) - لنین - وظایف پرولتاریا در انقلاب ما

صد و یازدهمین سال

تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

# لنین: آموزگار کبیر پرولتاریا لنینیسم: ستاره راهنمای انقلاب سوسیالیستی

در تاریخ پرامختار میا است. طبقه کسارگسرو  
انقلاب سوسیالیسم نیت  
لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی نزدیک  
مسکودر گذشت و ما راه لنین یعنی راه سوسیالیسم  
و کمونیسم، بدستان بر قدرت طبقه کارگر سوسیالیسم و  
کمونیست های راستین هر گاه در دنیای گذشته و  
با گذشتن از نشیب و فراز های خونین بشمار بارها  
ستاره سرخ را هنمای لنینیستی به پیش میبرود.  
میا زوات لنین ب حم رخ است که هم چنان  
راه بر انقلاب استکشان جهان در راه گشایش  
سوسیالیسم و کمونیسم میباید شد، و بتقدیر  
رفتار استالین: "لنینیسم بطور کلی شوروی و  
انقلاب پرولتاریا و بطور خاص شوروی و  
انگلیس دستکات توری پرولتاریا میباشد، اما رگ  
وانگلس در دوره ما قبل انقلاب (منظور ما انقلاب  
پرولتاریا است) یعنی زده تیکه امپریالیسم  
هنوز تکامل یافته بود، در دوره ای که پرولتاریا  
برای انقلاب آماده شده بودند، در زمان تیکه انقلاب  
پرولتاریا هنوز عملاً مستقیماً تا گزیرت بوده  
و در مرحله عمل شدند. اما لنین که تا گزیرت  
وانگلس است، در زمان امپریالیسم تکامل  
یافته، در دوره ای که انقلاب پرولتاریا در روسیه  
می یافت، همگام میگردید انقلاب پرولتاریا  
یک کده رپیروز گشته امپریالیسم امپریالیسم  
تکامل یافته، عصر امپریالیسم پرولتاریا  
شورما را غارت کرده آرد میدان فعالیست  
از اینجا است که لنینیسم بعدی ما رگ  
شمرده میشود" (پروگرام لنینیسم)  
زندگی و آثار  
دربرگیرنده  
انقلاب و میا رگ  
لای چرخ انقلاب  
اما بهمین مختص  
- های فراوان  
است، تلاشهای لنین  
میا زوات پرولتاریا  
بشما می آید.  
با مروری کوتاه  
داها با ته رفیق کسرل  
میداریم:

تشکیل شد، اراسس میا ررات طبقه کارگر  
روستها میراحتا رلسن را همواره در کناره خود  
دارد. با رهبری لنین بود که سوسیالیسم دموکرات  
در روسیه راجع انقلابی روس توانستند "اگو سومیسم" را  
در میان روزه ای خستگی با پدیدار نشا و طرد کنند. با  
این مابید کرد "لنین بود که میانی ایدئولوژیک  
میا زوات طبقه کارگر میباید به ما زمان آه نیین  
بشما رگسستی کار رگران ریخته شد، با بورتونیسیم و  
اگو سومیسم در هم تنگ شده و تطفه بلشویسم در  
روسیه بسته شد، با وجود زندانها، تبعیدها و  
انگلیس، لنین در اعماق جنبدش  
میا زوات روسیه و ایدئولوژی  
حاکم سوسیالیسم  
برادرون  
گذشته میا زوات  
میا زوات در  
و فعالیت  
نمود. از اراسس میا زوات  
طبقه کارگر عین گشته امپریالیسم  
که توسط گروه "رها" که  
بود توسط لنین بیکیری شد  
سرما به آردی در روسیه، ما رگسستی  
جوانان انقلابی رو بروس شده در میان  
کارگر روسیه ریشه افکنده و توسط  
لنین شما است امپریالیسم  
از جمله ما سستی حزب کمونیست  
شما بریا میا زوات کارگر  
دامنه زوات  
رتکات  
و  
ها در  
۲۰  
ما رگسستی کارگر  
های ایبا در حزب انقلابی  
گشت، لنین در زمان  
چگونه میا سوسیالیسم دموکراتیک  
انشا نا روسیگها که تحت نام  
منش طبقه کارگر فریبه میزد و با  
ما رگسستیهای روس را طرح ریزی کرد و تلاش  
را برای شکل وحدت میا قبل ما رگسستی  
ادامه داد تا اینکه در ماه آرس ۱۸۹۸ اول  
کنگره حزب سوسیالیسم دموکرات کارگر روسیه

بیا داشته باشید و در  
بیا میزاید ایلیچ را  
مارا  
بیکار کنید و در روسیه  
و خارجی را  
زندگی  
را - بشما  
چشم  
برو  
اند  
ل  
۱۸۷۰  
سیمبر  
خلی  
میا زوات  
۱۷  
توز  
حاکم  
برادرون  
گذشته  
میا زوات  
میا زوات در  
و فعالیت  
نمود. از اراسس میا زوات  
طبقه کارگر عین گشته امپریالیسم  
که توسط گروه "رها" که  
بود توسط لنین بیکیری شد  
سرما به آردی در روسیه، ما رگسستی  
جوانان انقلابی رو بروس شده در میان  
کارگر روسیه ریشه افکنده و توسط  
لنین شما است امپریالیسم  
از جمله ما سستی حزب کمونیست  
شما بریا میا زوات کارگر  
دامنه زوات  
رتکات  
و  
ها در  
۲۰  
ما رگسستی کارگر  
های ایبا در حزب انقلابی  
گشت، لنین در زمان  
چگونه میا سوسیالیسم دموکراتیک  
انشا نا روسیگها که تحت نام  
منش طبقه کارگر فریبه میزد و با  
ما رگسستیهای روس را طرح ریزی کرد و تلاش  
را برای شکل وحدت میا قبل ما رگسستی  
ادامه داد تا اینکه در ماه آرس ۱۸۹۸ اول  
کنگره حزب سوسیالیسم دموکرات کارگر روسیه

## زنده باد کمونیسم!

بورژوازی و خرده بورژوازی از با دبیسرده در این مسئله چون و چرا نیست ، شکست انقلاب ۱۹۰۵ در میان رفیقان نیمه راه انقلاب و در میان روشنفکران حزبی تزلزل و انحطاط ایدئولوژیک را در من زد . تسلط ارتجاع و افت جنبش باعث گردید تا آنها از انقلاب دست کشیده و پرچم سفیدش را در برابر تزاریسم بلند کنند . در عرصه ایدئولوژیک ایسن دسته روشنفکران و نویسندگان خیانت پیشگی خود را تحت پوشش "انتقاد دبه ما رکیسیم" به تحقق درآوردند . در عرصه فلسفی نیز ایسان به "انتقاد" از ما تریا لیسمدیا لکتیک و ما تریا لیسم تاریخی برخاستند . قسمتی از این روشنفکران بر اساس بی ایمانی و انحطاط بورژوازی خویش تحت

پای درمیآید و ما را عمیقاً "فقرکامل" ، بحالت بهیمی و انحطاط می افتد . چنین پرولتاریایی فقط در سایه آن میتوان بدستل به نیروی مغلوب نشدنی شود . و ناگزیر بدل نیز خواهد شد . که تا د فکری وی از روی اصول ما رکیسیم بوا سطه وحدت مادی سازمانی که میلیونها زحمتکش را با ارتش طبقه کارگر بهم می پیوند دومتحکم گردد . در قبال این ارتش نه حاکمیت فرست استبداد دروس میتوانند تا بپیا ورد و نه حاکمیت سرمایه بین المللی که روبه زوال است .

لنین در آستانه انقلاب ۱۹۰۵ ، در کتاب "برارزش خود" دوتا کتیک سوسیال دموکراسی

لنین با نوشتن رساله "چه باید کرد؟" چگونگی شالوده یک حزب انقلابی طبقه کارگر را ترسیم کرده و به مبارزه با اگونومبست ها که ضریات جدی بر بیگر جنبش کارگری وارد میکردند برخاست . او ضمن تاکید بر لزوم حزب پرولتاریائی برای رهبری و پیشبرد انقلاب ، بر ما هیست ایدئولوژیک آن نیز تکیه فراوان مینمود . لنین بر این باور بود که تنها حزبی که با تئوری انقلابی مسلح با شدقا در به پیشبرد مبارزه و انجام انقلاب است ، او با تاکید بر نقش تئوری سوسیالیستی و آمیزش آن با جنبش طبقه کارگر بر خصوص ایدئولوژیک حزب طبقه کارگری می فرسد . او در مبارزه با اگونومبستها که به ستایش

از جریان خودبخودی مبارزات کارگران میپرداخته نقش حزب مسلح به تئوری پیشرو را که ستاره راهنمای مبارزات کارگری است چنین فرموله میکند :

"بدون تئوری انقلابی نهضت انقلابی نمی تواند وجود داشته باشد . . . نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی میتواند ایفا کند که دارای تئوری پیشرو باشد" (چه باید کرد؟) او "اگونومبست" را به مثابه بزاری در دست بورژوازی جهت منحرف ساختن جنبش طبقه کارگر و در اختیار گرفتن آن مورد شدیدترین حملات قرار میدهد .



لنین در کنار اعضای "اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر"

پس از شدت یابی مبارزه درون حزب و پیدایش دو فراکسیون بلشویکی و منشویکی ، لنین در کتاب "یک گام به پیش دو گام به پس" به بحران درون حزبی برخورد کرده و به توصیف چگونگی و ماهیت حزب کارگری پرداخت و بر لزوم برقراری اخلاق و انضباط کمونیستی در حزب کارگری تکیه کرده ، منشویکها را منسزوی ساخت ، در این اثر لنین مینویسد که حزب باید همه طبقه کارگر را رهبری نماید ، سازمان پیشرو و متشکل طبقه کارگر و عالی ترین شکل سازمانی برای رهبری طبقه میباشد ، او میگوید :

"پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت بجز سازمان سلاح دیگری ندارد . پرولتاریا که بواسطه سلطه یک رقابت بر هرج و مرج در جیان سرمایه داری از هم جدا میشود ، در زیر بارهای مشتت با برای سرمایه از

عنوان "بهرتر کردن مارکسیسم" تا آنجا که از مارکسیسم بدور افتادند که لزوماً بجهاد مذهب جدیدی را مورد تاجید قرار دادند . ایسان به "خدا جوینان" و "خدا سازان" معروف شدند و رسالت آنان به اشاعه انحلال - طلبی و بی ایمانی نسبت به مارکسیسم انقلابی خلاصه میشد . آنان را "میبا تیتت و خوا میشدند و نقاب "دفاع" از مارکسیسم آنها میبا بیست دریده میشد . این امر در رسالت لنین بود که بدفاع از مارکسیسم بلند شود . کتاب مشهور "ما تریا لیسم و میر - بوکری تیسیم" که در سال ۱۹۰۹ منتشر گشت به اسلحه برنده ای علیه روشنفکران مرتد تبدیل گشت . لنین در انتقاد دبه این جریان رویزیونیستی نوشت : "یک تقلب بیش از پیش ما هرا نه در مارکسیسم ، تحریف های بیش از پیش ظریفی در آن بوسیله اشین های ضد ما تریا لیستی و ضرفنی آنها بچنان مارکسیسم اینجاست خاص رویزیونیسم کنونی ، همسم در اقتما دوم در مسائل تاکتیکی و بطور کلی در فلسفه ."

لنین ، پرچم را بزرگ مبارزه بر علیه رویزیونیسم و ایوز تونیم است ، او رویزیونیستها را بعنوان عاملین بورژوازی در درون طبقه کارگر مورد شدیدترین و بیرحمانه ترین حملات قرار داده و افشا میکند .

لنین کبیر با تدوین رساله "امبریا لیسم" بحثا به بالاترین مرحله سرمایه داری ، چگونگی منظره نهائی اقتما دجهانی سرمایه داری از

در انقلاب دموکراتیک "با تاکید بر رهبری طبقه کارگر در انقلاب بورژوا دموکراتیک و طرح شعار "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان" بر لزوم مبارزه با بورژوازی لیبرال و طرفداری از ایدئولوژی و برنامه انقلابی طبقه کارگر را برای چگونگی رهبری انقلاب دموکراتیک تدوین نمود ، او این مبارزه را مقدمه مبارزه بخاطر سوسیالیسم دانست و آنرا "عمیق ترین مبارزه مردم در راه سوسیالیسم" را می نامد و اضافه میکند :

"یک سوسیال دموکرات هرگز وحشی نیست لحظه هم نباید مبارزه ناگزیر طبقه کارگری پرولتاریا را در راه سوسیالیسم برضد دموکرات ترین و جمهورخواه ترین

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



لحاظ مناسبات متقابل بین المللی آن در آغا زده بیستم و در آستان نخستین جنگ جهانی امپریالیستی را نشان می‌دهد و به نبرد بسیار ترها ت رویزیونیستی کا شوتسکی که در آن زمان به ارتدا دکشیده شده بود برخاست. و با طرح اینکه امپریالیسم عصر انقلابات ت پرولتری است با تعیین روسیه بعنوان حلقه ضعیف امپریالیسم و با طرح تزا انقلابی تغییر جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی، پرولتاریا ی روسیه را به سرگونی تزا روبه کف گرفتن قدرت سیاسی فرا خواند. در این دوره بود که مبارزه با انترناسیونال دوم و رویزیونیسم و سوسیال شوینیسم جا کم را با قدرت و توانایی پرولتاریائی به پیش برد و زمینه را پس انقلاب سوسیالیستی را بیش از پیش فراهم آورد. در آستانه انقلاب سوسیالیستی اکتبر رفیق لنین اثر خود بنام "دولت و انقلاب" را که غنی ترین بر خورد ما ر کمیسیتی بمقوله قدرت سیاسی و وظایف طبقه کارگر در انقلاب را بدست می‌دهد، بر رشته تحریر در آورد. لنین در این اثر دا هیانه، بسا بکارگیری درسهای آرزشمندها رکی و انگلس در مورد دولت و تحلیل از تجربه تاریخی کمون پارسی، ما هیت طبقه کارگی دولت را در دوره های سرمایه داری و سوسیالیسم بزبانی گویا ترسیم کرد. لنین روشن می‌کنند که طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت سیاسی با یدمائین دولتی سرمایه داری را در یک انقلاب مسلحانه درهم شکند و بجای آن دولت طبقه کارگی خود را که منگی به ارش پرولتاریائی است، برقرار سازد. لنین کبیر تنها از یک طریق رسیدن به کمونیسم را ممکن می‌شمارد: سرنگونی دولت سرمایه داری از طریق انقلاب قهری و جایگزینی آن با دیکتاتوری پرولتاریا بعنوان عالی ترین نوع دمکراسی در جا معه طبقه کارگی.

لنین در دولت و انقلاب مینویسد: "کسی که فقط مبارزه طبقه کارگی را قبول داشته باشد، هنوز ما ر کمیسیت نیست و ممکن است هنوز با چاهوب فکر بورژواشی و سیاست بورژواشی خارج شده باشد. محدود ساختن ما ر کمیسیت به آموزش مربوط به مبارزه طبقات - به معنای آنست که از سر ته آن زده شود، مورد تحریف قرار گیرد و به آنجا رسا نده شود که برای بورژوازی پذیرفتنی باشد. ما ر کمیسیت فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزه طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد. وجهه - تما بزکا ملا عمیق بین یک خرده بورژوازی عادی (و همچنین بورژوازی بزرگ) با یک ما ر کمیسیت در همین نکته است. با ایسن سنگ محک است که با ی دچگونگی درک واقعی و قبول ما ر کمیسیت آژمود."

لنین کبیر با اعلام اینکه برای گذار به کمونیسم با ی "مرحله خاصی" وجود داشته باشد که آنرا با سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا مشخص می‌کنند بر پیوه رویزیونیستهای خائسن

می‌گوید که خائسنه وجود تفا دهای طبقه کارگی و در نتیجه مبارزه طبقه کارگی تحت رهبری و دیکتاتوری پرولتاریا را نفی کرده و دم از زایش طبقه کارگی، دولت تمام خلقی "و... می‌زنند. او مینویسد: "در نخستین فاز ما مع کمونیستی (که معمولا آنرا سوسیالیسم مینامند) "حقوق بورژواشی" فقط تا اندازه ای ملغی می‌شوند بطور ما موفضا م، فقط به میزانسی که تحول اقتصادی حاصله اجازه می‌دهد، یعنی تنها در مورد ما مل تولید. "حقوق بورژواشی" و ما یل تولید را مالکیت خصوصی افراد جدا گانه می‌داند. سوسیالیسم این ما مل را به مالکیت همگانی تبدیل مینماید. در این حدود - فقط در این حدود - "حقوق بورژواشی" ساقط می‌شود. (دولت و انقلاب)

لنین با اشاره به اینکه در جا مع سوسیالیستی، بورژوازی هنوز از زمین نرفته اما گان رشد مجدد آنرا تا دیده نمی‌گرد و به همین جهت ما کمیسیت دیکتاتوری پرولتاریا در زمان استقلال یعنی سوسیالیسم و برای تحقق سوسیالیسم را الزامی می‌داند.

"بورژوازی در کشور ما مغلوب گردیده و لسی هنوز زنده نمانده، ما بودن نگردیده و حتی تا پاریان در هم شکسته نشده است. بدینجهت شکل جدید و غالیتری از مبارزه - سوسیالیسم بورژوازی در دستور پرولتاریا می‌گیرد که عبارتست از انتقال از وظیفه کار ساده آتی، سلب مالکیت از سرمایه داران به وظیفه بسی بفرنج ترودشوار ترا بجای آتی. آنچنان شرایطی که در آن بورژوازی دیگر نه قادر به ادامه حیات باشد و نه اینکه بتواند مجددا پدید آید. روشن است که این وظیفه - ای بر ما تب عالیتر است و بدون اجرای آن، سوسیالیسم بوجود نخواهد آمد" (وظائف نوین حکومت شوروی)

آری "لنینیسم ما ر کمیسیت عصر امپریالیسم و انقلاب های پرولتاریائی است" (استالین). آن را با ما موزیم و به میان طبقه کارگر بر بریم تا با آنکا به آموزشهای لنین، به قدرت طبقه کارگی خود آگاه شوند، آنرا بکار بگیرند و با تکیه بر سوسیالیسم، هر چه سرخ مبارزه را تا انقلاب پیروز مند آینه بدوش بکشند، با رویزیونیسم در هر پوشی - چه اکثریتی - توده ای از نوع خروشی آن وجهه جانی - مبارزه بکنند جمهوری دموکراتیک خلق را با رهبری خود و هم دوش با دیگر زحمتکشان برقرار سازند و برای برقراری سوسیالیسم به پیش روند.

تجلیل از لنین کبیر، در مبارزه خستگی نا پذیر با سرمایه داری و امپریالیسم و در این راه مرز بندی قاطع و طرد جریانات رویزیونیستی خائسن و پورتونیستی و تدارک انقلاب و سوسیالیسم معنی پیدا می‌کند.

زنده باد لنینیسم!

## بقیه از صفحه ۱۴ بمباران

خود یعنی رژیم های ارتجاعی ایران و عراق را بدرستی تشخیص می‌دهند.

- در تاریخ ۱۳ فروردین نیز در ساعت ۸/۵ شب، مزدوران عراقی با پرتاب باراکت شهر را مورد حمله قرار می‌دهند که بر اثر آن، نفرکشته و بیساز ۲۵ نفر زخمی می‌گردند و تعداد زیادی خانه و دکان ویران می‌شوند. پس از این حمله در حالیکه مردم شهر سخت خشمگین بوده و به رژیم فحش می‌دادند چند تا از رویزیونیستهای خائسن و مزدور توده ای و اکثریت، برای خوشرقصی در مقابل ارتجاع، و خاموش کردن فریاد اعتراض مردم شعرا ره های "الله اکبر، خمینی رهبر" و "ولایت فقیه شد" امپریالیسم است "سر داده و یکبار دیگر چه سره کشیف و خائسنه خود را به زحمتکشان نشاندادند.

## بقیه از صفحه ۱۰ بحثی

حکومت بورژوازی با در دست داشتن تمامی امکانات بیان و تبلیغ عقیده (امکانات تشکیل اجتماعات، چاپ و پخش مطبوعات، رادیو و تلویزیون و...) در واقع با حساب شده ترین شکلی، آزادی عقیده و بیان را از طبقات کارگر و زحمتکش سلب نموده است. بررسی واقعی "حقوق دمکراتیک" مردم در جا مع سرمایه داری نشان می‌دهد که چگونه توده های ستمکش در دمکراتیک ترین کشور بورژواشی هم در هر گام خود، با تضاد فاحشی بین سرمایه داری ظاهری که "دموکراسی" سرمایه داران اعلام می‌دارد و میزان محدودیت واقعی و حیله و نیرنگی که کارگران را به بردگان مزدور تبدیل مینماید، روبرو هستند" (۲)

با تحلیل چگونگی "دموکراسی" بورژواشی اکنون میتوان کاملاً تعیین نمود که ما هیت "دمکراتیسم بورژواشی چیست؟

"دموکراتیسم بورژواشی در جا مع سرمایه داری، همیشه در تنگنای استثمای سرمایه داری فشرده شده و لذا در ما هیت امرهوا و دمکراتیسم برای اقلیت یعنی فقط برای طبقات دارا و فقط برای توانگران است. آزادی جا مع سرمایه داری همیشه تقریباً همان است که در جمهوری های باستان یونان بود، یعنی آزادی برای برده داران، بردگان مزدور و مسروزی (یعنی کارگران) به حکم شرایط استثمای سرمایه داری از شدت فقر و احتیاج چنان در فشارند که "نه حال پرداختن به دمکراسی" را دارند و نه "حال پرداختن به سیاست را" و هنگامیکه حوادث جریانی عادی و آرام دارده اکثریت اهالی از شرکت در زندگی اجتماعی - سیاسی برکنارند دموکراسی برای اقلیت نا چیز توانگران، ایسن است دمکراتیسم سرمایه داری.

۱) ادا ما دارد.

(۲) - نقل بمعنی از جملات ما رکیس - (دولت و انقلاب) - لنین

(۳) - انقلاب پرولتری و کا شوتسکی مؤتد - لنین

### عیدی رژیم به زحمتکشان آواره شادگان گلوله و خون

روز دوم عید است. در حالیکه سرما یه داران و دولت مردان به برکت غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان پای سفره های رنگارنگ درگاههای مجلل نشسته اند و به عیش و نوش مشغولند زحمتکشان آواره شادگان که همچون دیگر زحمتکشان از این رژیم سرما یه داری تنها فقرو فلاکت، کشتار و آوارگی نصیبشان شده است درمف های طویل برای دریافت جیره نقدی ناچیزی، ۱۰ تومنی که پول سیگار هم نمیشود، انتظار میکشند.

در این میان پاسداران، این مزدورانی که بمنظور ایجاد نظم و انضباط برای سرما یه داران هر گونه اختیاری حتی تیراندازی به زحمتکشان درون صفهای طویل نان و نفت را از ربا بان خود گرفته اند به جمع آوارگان ستمدیده قیراندازی کرده و بیگرنج کشیده زن آواره ای را به خون در میغلظانند و این چنین عیدی سرما یه داران را نشا زحمتکشان میکنند.

این اولین بار نیست که پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی عید زحمتکشان را بخون میکشند. نوروز خونی کردستان و ترکمن صحرا و اندیمش که عید زحمتکشان با خون مدها زحمتکش آغشته گشت گواهنی است پیشگی ددمشا نه این رژیم فذ زحمتکشان است که برای رنگین کردن سفره غارت سرما یه داران گروه گروه کارگران و زحمتکشان و انقلابیون مبارز و کمونیست راقربانی میکنند.

اما عید واقعی زحمتکشان هم فرا خواهد رسید. روزی که حکومت سرما یه داران، حکومتی که خون و گلوله نصیب کارگران و زحمتکشان میکند نابود شود.

با مبارزات حق طلبانه ما بر علیه دشمنان خلق عید سرخ زحمتکشان را نزدیکتر سازیم.  
(از اعلامیه تشکیلات خوزستان سازمان)

### هفته آوارگان خیمه جدید رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

رژیم روز ۱۸ اسفند را "هفته آوارگان" اعلام کرده است. و با برنامهای پرسرو صدا مثل بردن چندا تویوس از آوارگان زینیه برای دیدن سد شاه - عباس در روز ۱۸ اسفند و یا زیارت از ما مزاده ها سعی میکند آواره ها را سرگرم کند. در حالیکه طی شش ماه جنگ ارتجاعی، آوارگان در نقاط مختلف

## اخبار جنگ

از امکانات غذایی و بهداشتی و مسکن محروم بوده و هستی و نیستی خود را بخاطر منافع سرما یه داران از دست داده اند.

در چنین شرایطی عوامل رژیم دلشان برای آوارگان به رحم آمده و آنها را به گردشگاهها، اما مزاده ها و دیدن فیلم سینمایی میبرند!! زهی وقاحت و بیشری! بردن آوارگان زینیه بدیدن سدیا اما مزاده در حالی که آنها سر روی قبرها زندگی میکنند و از ابتدای ترین حقوق انسانی محروم هستند چه چیزی جز عوام فریبی و شیره مالیدن سر آوارگان زحمتکش میتواند باشد؟ هفته آوارگان در شرایطی اعلام میشود که قوای انتظامی ملک شهر را به مراقبت از آنها رساندند. قوای خالی گمارده اند تا آوارگان بی سرپناه آنها را ماصا دره نکنند، خانه ها و آپارتمانهای بسیاری متعلق به سرما یه داران وجود دارد و در عین حال آوارگان را در جاهای بیجا و بیابانها کرده اند. آوارگان ما شهرها زشت فقر بگذاشتی افتاده اند و آوارگانی که در ما شهرها و شادگان دچار بیبیماریها میباشند، شده اند تمام رستمان را در سرما و زیر باران، بدون سرپناه بسر برده اند...

آری رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و نوکرانش از "هفته آوارگان" هیچ نیکی جز انحراف ذهن آوارگان از مبارزه برای اساسی ترین نیازهایشان یعنی "نان، مسکن، آزادی" ندارند. خلاصه شده از اعلامیه آوارگان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - اصفهان

### نماینده آوارگان فرزند زحمتکشان، از زندگان ارتجاع آزاد باید گردد

کارگران مبارز، زحمتکشان آواره!  
رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ خود را حامی منافع توده ها جا میزند، با حمله و سرکوب آوارگان و دستگیری نمایندگان آنها ما هیت ضد خلقی خود را نشان داد.

دستگیری نماینده آوارگان کمپ "ب" سر برنده بخوبی نشان داد که این رژیم نه تنها بشکر آوارگان نیست بلکه همواره در صدد سرکوب و آزار و اذیت آنهاست.  
نماینده کمپ "ب" که دختر جوانی است و خود از آوارگان این جنگ ارتجاعی است، بدلیل دفاع از منافع آوارگان و تلاش برای گرفتن حقوق آنها و نیز افشاکردن چهره عوام فریبانه

رژیم جمهوری اسلامی بیشتر ما نه در خیابان ربوده شده و بوسیله مزدوران رژیم و سپاه جهل و سرما یه برای سومین بار اسیر میشود و این بار در ربیداد - گاه فرمایشی حاکمی جنایتکارینا مارا کسی و به دستگیری تیز مغز و با هفت بمب کاه و به حبس ابدا در سیاهای رژیم جمهوری اسلامی محکوم میشود. ناگفته نماند که اراکی حاکم شرع جلاد در ما پیش یکی از بهترین فرزندان شما پیکارگر شهید کمونیست دلاور، محمود صدقی را به جوغا اعدام سپرد.

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز! اجازه ندهید رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی فرزندان آگاه و نمایندگان شماره اتهام دفاع از منافع شما و سایر زحمتکشان در خیابانها دزدیده و در سیاهای خود اسیر سازد!

بکشید این خبر را بگوش مردم زحمتکش برسایند و با اتحاد و همبستگی خود ستار آزادی نماینده زندانی کمپ "ب" و سایر زندانیان انقلابی شوید.  
نماینده کمپ "ب" آزاد باید گردد!  
زندانی سیاسی انقلابی بهمت توده ها آزاد باید گردد!  
مرگ برای مپریا لیس و ارتجاع داخلی حامی آن!  
برق سرا ربا جمهوری دمکراتیک خلق!  
"هواداران" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ماه مهر ۵۹/۱۲/۲۶

### بمباران شهر ایلام توسط رژیم ارتجاعی عراق

در ادامه جنگ ارتجاعی مابین دور رژیم ارتجاعی رژیم ضد خلقی عراق تاکنون چندین بار به شهر ایلام حمله نموده است و بدنبال این حملات مدهای از مردم کشته و زخمی و تعداد زیادی خانه خراب شده اند. بمبارانهای مناطق مسکونی در تاریخ - های زیر صورت گرفته است:

- در ۱۷ اسفند ۵۹، دومین عراق خیابان اصلی شهر را بمباران میکنند که بر اثر این حمله بیش از ۵ تن کشته و بیش از ۸۰ تن زخمی میشوند و ۱۵ مغازه و خانه ویران میگردد.

بدنبال این حمله پاسداران ارتجاع راههای خروجی شهر را بسته و مانع خروج خانواده های زحمتکش از شهر میگرددند.

- در تاریخ ۱ فروردین ۶۰، میگهای عراقی دو راکت به نقاط مسکونی شهر پرتاب میکنند که بر اثر آن ۱ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی میگرددند و چندین خانه ویران میشود.

همچنین عده ای از اهالی یکی از مناطق بمباران شده توسط مزدوران عراقی، با بیمل و کلنگ به گروهی از پاسداران که در تبه "خرگوشان" بودند، حمله کرده و قتلگشتن آنها را مینمایند. براساسی که زحمتکشان مناطق جنگ زده دشمنان بقیه در صفحه ۱۴

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

# مبارزات طبقه کارگر در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی



سومین سالگرد روز جهانی کارگر است  
حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی فسار  
میرسد که طبقه کارگر ایران در این مدت کوتاه  
تجارب بسیاری را از سرگذرانده است. مبارزات  
طبقه کارگر در این مدت بر متن بحران اقتصادی-  
اجتماعی عمیق جامعه و اعتلا جنبش انقلابی  
توده ها، همراه با افت و خیزها و نوسانات بی  
پای بوده است که ارزیابی و تحلیل آن برای  
هر چه آگاهانه تر پیش بردن این مبارزات،  
ضرورت دارد. اما آنچه که مقدم بر همه لازم است،  
مشاهده دقیق روند جنبش طبقه کارگر در این مدت  
با تمامی نوساناتش میباشد.

ما در این نوشته میکوشیم تا سیر مبارزات  
طبقه کارگر را بشکل عینی و در شرایط با-  
یکدیگر بررسی کنیم تا کارگران مبارز و  
زحمتکش بتوانند بدوران زوال مغربیه های  
دستگاه های تبلیغاتی رژیم و نسل وارونه  
زندگیشان، چگونگی حرکت طبقه خویش را بعد از  
قیام مشاهده کرده، ضعفها و نقاط قوت آنرا  
دریابند. چرا که همانگونه که تجربه جنبش جهانی  
کارگری تاکنون نشان داده، بدون پی بردن  
کارگران به اشکالات مبارزاتشان و بدون  
اصلاح این اشکالات، سطح مبارزات کارگران  
رشد و ارتقا نیافته و تمامی تلاشهایشان برای  
خلاصی از قید و بندهای زجر و راجع سرمایه داری  
و بهبود شرایط زندگیشان، مانند آبی خواهد بود  
که در کویر تشنه فرو میرود.

بزرگترین ضعفی که جنبش طبقه کارگر از  
آن رنج برده و میبرد، محروم بودنش از ستاد  
رهبری کننده و اصلی ترین سلاح کاری در مبارزه  
طبقه ای است یعنی حزب طبقه کارگر میباشد.  
بزرگی این ضعف زمانی مشخص میشود که بدانیم  
بدون حزب، نه تنها امر انقلاب پرولتری پیش  
نخواهد رفت، بلکه حتی انجام انقلاب دمکراتیک  
و ضامن میریالیستی خلق نیز مشروط به اعمال  
رهبری طبقه کارگر از طریق ستاد درزمندگی است  
یعنی حزب کمونیست، میباشد.

ضعف جنبش کارگری ایران تنها به کمبود  
حزب طبقه کارگر، بهمانه ستاد درزمندگی پرولتاریا  
محدود نمیشود، بلکه بعلاوه عدم وجود شوراهای  
انتخابیها، سندیکاها و کارگری و دیگر تشکلهای  
ابتدائی طبقه کارگر از یکسو و نبود پیوندهای  
مستحکم بین کمونیستها و طبقه کارگر اینسرا،  
مبارزات کارگران ایران عمدتاً پراکنده و



تظاهرات عظیم ویرشکوه اول ماه مه در ۱۳۵۸

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!



اقتصادی میباید و از همین روست که میبیینیم مبارزات طبقه کارگر اگر چه از نظر تعداد، بیشترین حجم مبارزه را تشکیل میدهد، اما با خاطر همین پراکندگی و عدم یکپارچگی قدرت طبقه کارگر، مبارزات کارگران نمیتوانند تا شیب تعیین کننده ای در جوسیا سی و خواهستهای سیاسی - انقلابی و ضد امپریالیستی توده ها داشته باشد.

حال برای آنکه تا شیرات این کمبودهای جنبش کارگری را در عمل و در روند مبارزات دو ساله اخیر ببینیم، به بررسی این مبارزات می پردازیم. با توجه به آنکه یورشهای گسترده و عوامفریبیهای رژیم نظیر براه انداختن واقعه سفارت، موجب بروز تغییراتی (افت و خیزهایی) در سطح مبارزات طبقه کارگر گردیده لذا برای بررسی دقیقتر این مبارزات را به چند مرحله تقسیم کرده و مورد توجه قرار میدهم.

### ۱- بعد از قیام بهمن ماه تا مرداد ۵۸

در این دوره مبارزات کارگران در شرایطی شکل میگیرد که توم نسبت به حاکمیت جدید بسیار بالا است و اغلب توده ها و از جمله کارگران رژیم جمهوری اسلامی را حکومتی "خودی" می بینند و آنرا "گویا فقط دارای ضعفهایی است!" تبلیغات رژیم مزدورانش مبنی بر اینست که "حکومت جدید وارث سالها خرابی و کثافتکاری رژیم شاه است و تا پاک کردن آثار آن به زمان احتیاج دارد"، و دعوت خیانتکاری چگون با زرگان که در این دولت موقت قرار گرفته بود به اینست که میباید "مبارزات انقلابی" داشت، بر توم و خوشبختی کارگران و سایر توده ها را منبیزد اما فشار شدید اقتصادی که ناشی از بحران سیستم سرمایه داری وابسته (و نه صرفاً حاکمیت رژیم شاه) بود، بیش از همه برگزیده کارگران وارد می آمد. بخصوص که ماها اعتماد و دریا فست نکردن حقوق دروازه عمر رژیم شاه از طرفی، و بیکاری گسترده و خائمان براندازی که باعث فرار سرمایه ها و تعطیل کارخانه ها و... ایجاد شده بود، از طرف دیگر، کارگران را در آستانه فلاکت و فقر شدید قرار داده بود. رژیم ضد انقلابی حاکم نیز بنا بر ما هیتش اقدامی جز تشدید بیکاری و بحران انجام نداد.

بدین لحاظ کارگران اندکی بعد از استقرار رژیم جدید، در محله مبارزه (اینبار مستقیم و غیر مستقیم بر علیه رژیم جدید) ظاهر شدند. منتها به علت حاکمیت توم بر اذهانشان، این مبارزات غالباً اشکال دفاعی و آرامی نظیر تحصن و

اعتماد غذا داشته و از نظر محتوی عمدتاً اقتصادی بودند، بعنوان مثال با پیدا ز نمونه های زیر نام برد: تحصن ۱۲۰۰ تن از کارگران شهرک اکباتان در وزارت کار در روز ۱۵/۱۲/۵۷ برای دریافت حقوق و مزایا پیشان، تحصن ۷۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی سعدی در اداره کار شهر ری برای خواهستهای رفاهیشان در روز ۲۰ اسفند ۵۷ و با توجه به نقش برجسته ای که مبارزات کارگران بیکار در این دوره داشتند تا بدوارد زیر را ذکر نمود: تحصن و اعتصاب غذای حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران بیکار در تهران در وزارت کار که از ۲۷/۱۲/۵۷ آغاز شده و تا چند روز بعد از عید نیز ادامه میباید و انعکاس بسیاری در میان توده ها برجای میگذارد. همچنین تظاهرات ده



هزار نفری بیکاران امفهان در روز ۱۶/۱/۵۸ قابل توجه است که موجب وحشت بسیار رژیم گردیده و چهره ضد کارگری و خشن آنرا به نمایش میگذارد. در این تظاهرات مزدوران جمهوری اسلامی بصوف کارگران بیکار رشک کرده و اقدام به ترورنا جوانان و رفیق نامرتوفیقان می نمودند. نکته مهم در این حادثه روحیه و اقدامات مقابله جویانه و تهاجمی کارگران بود که به زد و خورد با مزدوران پرداخته و با تحصن خود در روز بعد، مبارزات خویش را از محدوده خواست های منفی خارج کرده و به آن جنبه سیاسی میدهند.

علاوه بر خواهستهای منفی که شکل غالب در مبارزات کارگران بود، یکسری مبارزات با خواست اعمال اراده کارگران بر تولید انجاء میگرفت که عمدتاً تحت رهبری تشکلات کارگری ایجاد شده در جریان قیام، صورت میگرفتند. نظیر تحصن و اعتصاب غذای چند روزه کارگران کارخانه متوساک در روز ۹/۲/۵۸ برای اداره کارخانه که موقتاً به پیروزی میرسد، و یا اعتصاب

سراسری کوره پزخانه های آمل در اردیبهشت ۵۸ برای یکسری خواهستهای رفاهی و منفی که منجر به کنترل ۱۱ کوره پزخانه توسط کارگران می شود. همچنین استقامت انقلابی کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز مبنی بر اخراج مدیر مزدورشان و به دست گرفتن اداره کارخانه در اوایل خرداد ماه ۱۰ ماه برجسته ترین جلوه مبارزات طبقه کارگر در این دوره مربوط میشود به برگزاری با شکوه روز جهانی کارگر که در سرتاسر ایران و بخصوص در تهران عظمت خاصی داشت. تظاهرات این ترازو که در تهران حدود نیم میلیون نفر را گردآورد بود، تحت رهبری کمونیستها و با شرکت چندین هزار کارگر برگزار گردید و تماشای قدرتی بود که لرزه بر اندام ارتجاع رژیم حاکم انداخت. این تنها گوشه ای از قدرت طبقه کارگر بود که در فریاددهای کارگران زحمتکش و تظاهرات کنندگان انعکاس یافت. این روز که نخستین تظاهرات واقعی و علنی کارگری بعد از سالهای بسیار حاکمیت دیکتاتور سیاه شاه بود، بدرستی نقطه درخشانی در جنبش طبقه کارگران ایران بحساب میآید. خواهستهای مطرح شده در این مراسم غالباً سیاسی بود.

با گذشت زمان، کارگران در کنار سایر توده ها مشاهده میکردند که چگونه رژیم از آوردن کوچکترین خواهسته هایشان عاجز است و چگونه برای پاسداری از سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب و کشتار و اعمالی شبیه آنچه که رژیم جنایتکار شاه انجام داده بود، متوسل میشود. در این شرایط اگر چه بخش آگاه جنبش طبقه کارگر "یعنی جنبش کمونیستی، خود را از آنخافات و درکهای راست روانه از رژیم بوه، ولی مجموعه افشاگرینها و تبلیغات کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در این دوره به روشنتر شدن ذهن کارگران در مورد ما هیت سرمایه داری را نه رژیم جدید، کمک نمود و بدین ترتیب کارگران کم کم پی میبردند که در جریان قیام چه فریب بزرگتی خورده اند! یعنی در شرایطی که حاکمیت جدید محصول سازش نا رهبران خلق با امپریالیسم بوده و از نظر ما هیت بورژواشی و ضد انقلابی آن هیچ تفاهتی با رژیم گذشته نداشت، توده ها بر این توم بودند که گویا رژیم جدید محصول مبارزات و قیام خودشان است.

بدین ترشیب توهانات کارگران شروع به فروریختن نمود و انعکاس آن در شدید تر شدن مبارزاتشان آشکار گردید. بعنوان نمونه از مبارزات قهرمانانه کارگران کارخانه میسوخرمدره در اوایل خرداد ماه یادنا مبرد، که بعد از تیراندازی وحشیانه پاسداران به اجتماع کارگران و دستگیری نمایندگانشان توسط مزدوران رژیم، کارگران مبارز با پرچم ختن پیروان خونین رفقا پیشان به تظاهرات پرداخته و جاده اصلی تهران - تبریز را ساعتها مسدود مینمایند. آنها همچنان متحد و یکپارچه و با





از راه استوار به مبارزات خویش ادامه میدهند تا سرانجام رژیم سرما به داری حاکم را وادار به عقب نشینی و آزادی رفقایشان میسازند. آری، این حرکت انقلابی کارگران که انعکاس وسیعی در میان طبقه کارگرا داشت، بیان روشنی از آشتی ناپذیری خواستهای کارگران و رژیم عوام فریب جمهوری اسلامی بود.

رشد و ارتقا مبارزات طبقه کارگر در کنار شدیدتر شدن مبارزات ناپرتوده ها بخصوص خلق - های قهرمان کرد و ترکمن و افزایش مبارزات توده های شهری برای کسب آزادیهای دموکراتیک و گسترش فعالیت انقلابی و افشاگرانه کمونیست ها و انقلابیون دیگر، رژیم را بر آن داشت که برای حفظ حاکمیت خویش به یک یورش همه جانبه نسبت به توده ها و نیروهای انقلابی دست بزند و بدین ترتیب مرحله دوم جنبش طبقه کارگر با قهرمانان جهاد آیت الله خمینی بر علیه خلق رزمنده کرد آغاز میشود.

### ۳- از یورش به کردستان تا واقعه سفارت

این حمله حساب شده و همه جا نهبه دستاورد های انقلابی توده ها، از مدتی قبل تدارک دیده شده بود. را دیوتلو بیژن و مطبوعات رژیم به لجن پراکنی بر علیه خلق دلاور کرد که برخلاف اغلب توده ها، اسیر خوشبختی و نسبت به رژیم جدید ننگشته و بعد از نوزده خونی ۵۸ به مبارزه مسلحانه انقلابی بر علیه رژیم دست زده بودند. پردها ختنند، آنها سعی داشتند با وجود آوردن "جو ضد کردی" زمینه کشتار خلق کرد را در میان سایر خلقها فراهم نمایند. علاوه بر این، حملات اوباشان و مزدوران رژیم بر علیه مطبوعات انقلابی و دموکراتیک و به آتش کشیدن دفاتر نیروهای کمونیستی و انقلابی در دنا، ننگا و بطور کلی ایجاد محیط رعب و وحشت کوشیدند تا خلقان سیاه خود را بر خلق قهرمان ما تحمیل کرده و انقلاب را خفه سازند.

این یورش که با استفاده از تمام نیروی رژیم و توهامی که توده ها نسبت به آیت الله خمینی داشتند، انجام گرفت، برای مدتی هر چند کوتاه افضی در مبارزات توده ها و طبقه کارگر بوجود آورد. خلقان در کارخانه ها حاکم شد و هر حرکت اعتراضی بشدت سرکوب میگردد. برای مثال کمیته شهر صنعتی البرز پیش از اعلامیه را در کارخانجات ممنوع میکند، یک

کارگر صنایع فولاد اواز بجرم پخش اعلامیه دستگیر و زندانی میشود، تظاهرات بخششی از کارگران ایران ناسیونال در مرداد ماه بنسب علیه آئین نامانضباطی، مورد حمله پاداران قرار میگردد و یک کارگر مجروح میشود، ۱۰ کارگر مبارز زین در بهر ماه توسط پاداران سرما به دستگیر میشوند... مبارزات کارگران بخصوص در ماه شهریور کاهش فراوانی می یابد. طرح ایجاد "نیروی ویژه در کارخانجات که همان اداره حفاظت و سواک رژیم گذشته بود و در مرداد ماه به تمویب "شورای انقلاب" رسیده بود، زمینه مناسبی برای عملی شدن مییابد. اما مدت زیادی نمیگذرد که بخصوص بعد از مقاومت حماسه آفرین خلق قهرمان کرد در مقابل یورش فاشیست و توپهای ارتش آمریکا و پاداران مزدور، مبارزات کارگران و سایر توده ها دوباره اوج میگردد. در واقع حمله رژیم برای خفه کردن انقلاب با شکست مفتضحانه ای بخصوص در کردستان مواجه میگردد.

تصحن دیروزه و چهارهزار نفره کارگران شرکت و جدیداً و آخر شهریور ما برای افزایش دستمزد، راهپیمایی و اجتماع ۴۰۰۰ نفر از کارگران مبارز صنایع فولاد اواز در سوم مهر ماه برای خواستهای ایجاد شورای مستقل، انحلال نیروی ویژه و تکیه بر ضرورت وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر، تصمن هزار نفر از بیکاران تبریز در استان آذربایجان که علیه رژیم یورش پاداران سرما به مقاومت قهرمانان است. کارگران مواجه میشود، در اوایل مهر ماه، اعتصاب کارگران تخلیه و با رگیری بندر خمینی برای خواستهای رفاهیشان در آذرماه، پیروزی مبارزات کارگران ننگ زین برای آزادی رفقایشان در اوایل آبان و بلاخره مبارزات کارگران بیکار تهرانی که به اشغال

انقلابی و مجدد "خانه کارگر" در روز ۵/۸/۵۸ توسط بیش از ۱۵۰۰ نفر منجر میگردد، همه و همه نمونه های ایاز و جگری مبارزات طبقه کارگر هستند در کنار او جگری مبارزات ناپرتوده های انقلابی و گسترش اختلافات درون رژیم، حزب جمهوری اسلامی دست به حرکتی عوام فریبانه میزند. بدین صورت که با اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام "دارودسته حزب جمهوری در رژیم قدرت بیشتری گرفته و با تظاهرات "ضد امپریالیست" بودن و ایجاد هیاهوی بسیار، برای مدتی برای موج روبه افزایش مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک توده ها سوار میشوند و بدین ترتیب مرحله جدیدی در مبارزات طبقه کارگر و توده ها بوجود میاید.

### ۳- از اشغال سفارت تا اردیبهشت ۵۹

رژیم با استفاده از توهامی که در ذهن طبقه کارگر بوجود آورده بود، از این پس هر حرکت اعتراضی و مبارزاتی کارگران را تحت عنوان "تحریک ضد انقلاب" و "توطئه آمریکا" سرکوب مینماید و هر خواست حق طلبانه آنها را به بهانه آتشکاز آمریکا قصد اخلال نظامی دارد و "مادر محاربه اقتصادی قرار دارد" و "نظایر آن، ساکت میگردد. رژیم که با یورش و سرکوب همه جا نهباش در تابستان نتوانسته بود انقلاب را خفه سازد، اینبار با دامن زدن بر توهام توده ها و رنگ آمیزی چهره ضد مردمی خویش، نتوانست برای مدتی اذهان توده ها را منحرف کرده و از سوی دیگر به پس گرفتن دستاوردهای مبارزاتی آنها بپردازد.

در این بطنه جنبش طبقه کارگر نمیتوان از اعمال ضد کارگری زیربم توان نمونه نام برد:



تظاهرات نیروهای کمونیست در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۵۹)

کارگران جهان متحد شوید!



تصویب ماده ۹ قوانین "جرایم خدا انقلاب" که برای کارگران مبارز و انقلابی ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین کرده بود، ممنوعیت هرگونه تظاهرات و تحصن و اقدام مبارزاتی کارگران، از سوی "شورای انقلاب" در او خرابانماه، استقرار "نیروی ویژه" در صنعت نفت در او خرابان به منظور سرکوب مبارزات کارگری و تعقیب و اخراج کارگران، تصرف خانه کارگر بوسیله پادشاهان مزدور رژیم در اوایل آذرماه و تصمیم شورای انقلاب در بهمن ماه مبنی بر اجرای ۴۸ ساعت کار در هفته برای کارگران و دهها نمونه دیگر از اقدامات سرکوبگرانه رژیم در این دوره است.

اما علیرغم اینها مبارزات کارگران متوقف نگردید، کارگران بیگانه که شدیداً در معرض فقر و فلاکت قرار داشتند، زودتر از سایر کارگران عکس العمل نشان دادند و در اغلب موارد تغییراتی در شعارهای مبارزاتی شان رخ داد که از جمله آنها اضافه شدن یکسری شعارها و خواستهای خدا مبریا لیستی بر شعارها و خواستهای قبلیشان بود. مثلاً کارگران بیگانه تهران در ۵۸/۸/۲۱ به اشغال انقلابی وزارت کار میپردازند و کارگران بیگانه قزوین در روز ۵۸/۸/۲۲ ضمن راهپیمایی با شکوهی ابتداء به مدت ۲ روز و سپس ۱۷ روز در ادره کار را این شهر متحصن میشوند و در روز ۵۸/۹/۳۰ حدود ۴۰۰۰ نفر از کارگران سندیکای پروژهای آبادان و حومه با انجام راهپیمایی سیاسی و پیرشکوهی خواها ن لغو قرار دادهای امپریالیستی و پرداخت بیمه بیگاری و ایجاد کار، شدند.

البته واقعه سفارت در منحرف نمودن مبارزات کارگران نیز نقش قابل توجهی ایفا کرد. بدین ترتیب که کارگران که مبارزاتشان به صورت عمومی، آنها را در مقابل رژیم قرار داده بود، اینک با تظاهرات خدا مبریا لیستی خود، بدنبال حزب جمهوری عوام فریب روان گشته و بنا بر دست با پشتیبانی از حرکت سفارت، سمت و سوی مبارزه شان بزرگترین رژیم خدا انقلابی حاکم میفرستد. انعکاس این انحراف در مبارزات کارخانهها نیز به صورت مبارزه برای دولتی کردن کارخانهها (با این توهم کگویا دولتی کردن همان ملی کردن است) و در حقیقت کشمکش بین دو جناح حزب ولیبرالها و... متبلور می گشت.

البته توهم کارگران اینبار هم دیگری نبود و بعد از گذشت چند ماه، جنبش کارگری مجدداً روبه‌وج نهاد. اما با تجارتی که

کارگران در این مدت کسب کرده بودند، شیوه های مبارزاتیشان تعریفی ترکشده و کارگران در مقابل سرمایه داران و حتی مزدوران اسلحه بدست رژیم ایستاد و از حقوق خویش دفاع می نمودند و در بسیاری از این مبارزاتشان رژیم را وادار به یکسری عقب نشینی ها نیز کردند. از جمله میتوان به اعتماد پیروز مندانه ۵۰۰ نفری کارکنان کارخانه چوکا در او خردی ماه اشاره کرد که به گروگانگیری سرپرست مزدورشان کشیده شد و موجب اخراج افراد مسلح از کارخانه و قدرت بابی شورای کارگران گردید. ویسا راهپیمایی کارگران مجتمع فولاد اهورا برای لغو قرار دادهای امپریالیستی و رسمی شدن کارگران بیمانی در او خردیماه، اعتماد کارگران شهرداری بندرعباس برای آزادی ۱۴



تن از نمایندگان نشان در ۵۸/۱۱/۹، راهپیمایی ۲۰۰۰ نفر از کارگران پروژه ای گساران در ۵۸/۱۱/۲۲ و پیروزی کارگران کارخانه نازخ قزوین در اوایل اسفند که با گروگانگیری مسئولان و راهپیمایی برای آزادی نمایندگان خودتوأم بود، نمونه های از حرکات انقلابی و تنها جمعی کارگران در شهرستانها بود یکی از خواستهای که در او خراسال ۵۸ محور مبارزات کارگران قرار گرفته بود، مسئله سود ویژه و تلاش رژیم برای حذف آن بود. اعتماد و میتینگ عظیم بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران ۲۴ کارخانه کیلان که در روز ۵۸/۱۲/۲۰ و بدعوت "اتحاد شورا های کیلان" انجام میگیرد، نمونه با شکوهی از وحدت و قدرت طبقه کارگر را بنمایش گذاشت که موبراندا سرمایه داران و رژیم حاکمان راست نمود. خواستهای کارگران در این اجتماع سیاسی و اقتصادی بوده و برای نمونه خواهان برسمیت شناخته شدن شوراها، پیش، قطع وابستگی به امپریالیسم، لغو قانون آریا مهری کار و تدوین قانون جدید توسط کارگران بودند.

در تهران مبارزات کارگران تحرک و جلوه خاصی داشت بطوریکه رژیم را عاصی و وحشتزده کرده بود. موازات با شکوه کارگران کارخانه مینو برای خواستهای چون سود ویژه در اسفند ماه که با انحلال شورای قلبی و گروگانگیری مقامات کارخانه آغاز شد و منجر به هجوم وحشیانه پادشاهان سرمایه داران گردید همچنین کارگران مبارز کارخانه ایرانا بعلت کاهش سود ویژه در روز ۵۸/۱۲/۱۷ دست به اعتماد و گروگانگیری زده و با کنترل کارخانه تجارب گرانمایی از همبستگی و فداکاری کارگران بر جای میگذارند. مزدوران مسلح رژیم با یورش خود به کارخانه و زندانی کردن ۲۵ نفر و اخراج ۶۵ کارگر مبارز، به سرکوب حرکت انقلابی کارگران میپردازند. همچنین است مبارزات قهرمانانه کارگران کارخانه در او پیش برای دریافت سود ویژه که به تحمیل کارگران میانجامد و با یورش ارتجاع در فروردین ۵۹ که منجر به زخمی شدن چند کارگر مبارز و اخراج چند نفر دیگر میشود، سرکوب میگردد. اگرچه در این مبارزات انحرافات آنرا کوسندیکالیستی نیز وجود داشت که خود لطماتی به مبارزات کارگران وارد کرد.

او خراساندهما کارگران بیگانه رنیز در او رود و اندیمشک به تظاهرات بر علیه رژیم میپردازند و مورد یورش وحشیانه ژان ۳ بدستان جمهوری اسلامی قرار میگیرند، که در او رود ۴ تن شهید و دهها تن زخمی می شوند و در اندیمشک نیز ۲۱ نفر زخمی و دستگیر شده و نفر که یکی از رفقای هوادار سازمان (بنام حاجت الله خوش کفا) نیز در میان آنها بود، شهید میشوند. این جنایات و وحشیانه که در فاصله کوتاهی از یکدیگر در مورد بیگاران انجام میگیرد، موج خشم و نفرت را در میان توده ها و بخصوص طبقه کارگر ایران دامن میزند. موج افشاگریهای کمونیستها و نیروهای انقلابی پیرامون این قتل عامها، در شکستن هر چه بیشتر توهم توده ها مؤثر میافزاید و راهپیماییهای متعددی از سوی بیگاران سا بر مناطق در محکوم کردن این جنایات، برگزار میشود.

رویه مرفته، او جگیری جنبش توده ای در این مقطع، که با کاهش چشمگیر توهم توده ها نسبت به رژیم و شدید تر شدن مبارزاتشان همراه است، بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار میدهد، بطوریکه برای نجات خویش تنها راه را تدارک یک یورش همه جا نبه دیگر برای خفه کردن انقلاب در سران ایران می بینند. از اینرو اینبار با تمام قوا به کردستان قهرمان یورش برده و از هوا و زمین به کشتار خلق بیدفاع گرد میپردازد. همزمان با حمله مجدد به کردستان، دانشگاه این سنگرزادیهای دمکراتیک و فعالیتهای انقلابیون و کمونیستها، مورد هجوم و با شان و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد. رژیم بدینوسیله





میکوشد تا با ردیگر با ایجاد محیط خفان، هر گونه صدای اعتراض آمیز و هر ندای افشاگرانه را در نقطه خفه کرده و با بی خبر گذاشتن توده ها از واقعیت امر، دروغ پردازی های خود را بخورد آنها داده و با خیال آسوده به سرکوب انقلابیون بپردازد. اما چه خیال خامی! خلق قهرمان کرد و دانشجویان انقلابی اگر چه خونهای بسیار نثار انقلاب تا تمام خلق کردند، اما به همراه سایر توده های انقلابی هرگز اجازه خفه شدن انقلاب را ندادند.

### ۲- از هجوم گسترده ارتجاع در اردیبهشت ۵۸ تا جنگ ایران و عراق

انگساز سرکوبگری رژیم در جنبش طبقه کارگر در اردیبهشت و غالباً بشکل از هم پاشاندن تشکلات کارگری نظیر کانون شوراهای شرق، اتحادیه شوراهای گسترش صنایع، اتحادیه شوراهای اراک، اتحادیه شوراهای گیلان و شوراهای واقعی کارخانجات و سرکوب و اخراج کارگران انقلابی و مبارز بود. بعنوان نمونه با پدایشادت یکی از کارگران شرکت نفت به دست پاسداران ارتجاع، حمله به شورای کارکنان تراکتورسازی تبریز، اخراج ۹ تن از کارکنان مبارز کارخانه تاج اصفهان، اخراج ۱۷ تن از کارگران مبارز کارخانه ایرانا و اخراج ۸ تن از کارگران مبارز کارخانه کارتن سازی قزوین که همگی در اردیبهشت ماه انجام گرفتند، نسام بود. همچنین اخراج عده ای از کارگران ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز در خرداد ماه، دستگیری نمایندگان کارگران کارخانه "ساکا" در خرداد، اخراج کارکنان شرکت نفت لاهیجان، دستگیری نمایندگان کارخانه دیسمان در مرداد ماه و... نمونه های دیگری از اقدامات سرکوبگرانه رژیم در اردیبهشت و خرداد.

مراسم روز جهانی کارگر اگرچه همچون سال ۵۸ ولی هم توسط تشکلات کارگری و هم توسط نیروهای کمونیست بصورت تظاهرات و راهپیمایی برگزار میشود. مهمترین مبارزه ای که طبقه کارگر در کشوقوس یورش سرکوبگرانه رژیم، بدان دست میزند، اعتصاب است که گسترده کارگران کوره پزخانه های تهران است که جمعا حدود ۱۵ هزار کارگر در رژیم اول اردیبهشت دست به اعتصاب میزنند. کارگران در مقابل یورش

پاسداران سرمایه که همواره در اینگونه موارد نقش درجه اول را در سرکوب کارگران به عهده داشته اند، دست به مقابله با تهنای زده و حتی در مواردی مزدوران را خلع سلاح میکنند. اما بعد از آن برای مدت کوتاهی رکودی در مبارزات کارگران بوجود میاید، که دوام چندانی نمیاید و زتیرما به بعد شاهد و جگری شدت یابی مجدد مبارزات کارگران هستیم. مثلاً در قاشمشهر کارگران مبارز روز ۱۵/۴/۵۹ به پشتیبانی از مبارزات سایر توده ها و دانش آموزان انقلابی دست به اعتصاب و تظاهرات سیاسی و خونینی میزنند و در مرداد ماه کارگران کارخانه کشف کارگیلان نماینده مجلس را از کارخانه خویش بیرون میکنند. همچنین کارگران کارخانه پارس متال تهران بعد از یکماه و نیم مبارزه که توان مبارزگان تکمیلی مقامات کارخانه بود، در شهریور ماه به پیروزی رسیده و موفق به بازگرداندن نمایندگان اخراجی خود میشوند. در مقابل رشد مبارزات کارگران و سایر توده ها که توهم آنها نسبت به رژیم مرتباً در حال کاهش یافتن است، رژیم به چاره جویی افتاده و یکسری مقررات ضد کارگری جدید وضع میکند. مانند قانون ۴۴ ساعت کار اجباری که توسط شورای انقلاب در شهریور ماه اعلام میشود. همچنین تعطیل پنجمین ماه لغو میگردد. تا اینکه جنگ ایران و عراق پیش می آید و در پی آمد خود این اقدامات زده ای پیدا کرده و شدت میاید.

### ۵- از شروع جنگ تا کنون

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی پایگاهش را در میان توده ها به نسبت قابل توجهی از دست داده بود و عوام مغربیه های دیگر موثر نبوده و روز بروز بیشتر در مقابل مبارزات توده ها در انزوا و انفراد قرار میگرفت، جنگ ایران و

عراق بدادش رسید. جنگی که هدفی جز تا مین منافع سرمایه داران دور رژیم ارتجاعی نداشته و توده ها بعنوان گوشت دم توپ سرمایه داران قریبانی منافع آنان میگرددند. اما رژیم با سوء استفاده از احساسات وطن پرستانه مردم و بیانه "دفاع از آب و خاک و میهن" فرصتی مییابد تا نه تنها جلوی رشد و گسترش مبارزات توده ها و طبقه کارگر را بگیرد، بلکه فشار بیشتری را بر کرده کارگران و زحمتکشان وارد سازد. بعنوان مثال شعار افزایش تولید که در کارخانجات توسط عوامل رژیم و رژیونیستهای خائن به طبقه کارگر، تبلیغ میشود، حاصلی جز افزایش شدت کار و استثمار کارگران در مقابل مزد نا بستاننده ندارد. علاوه بر این رژیم سرمایه داران هر روز به بیانه ای مقداری از حقوق و مزایای کارگران را از آنان میگیرد. مثلاً به اسم کمک به جنگزدگان و یکروز حقوق و یا پول نهار کارگران را قطع میکنند، در حالی که در بسیاری از موارد این کمکها و حتی کمکهای جنسی نیز بدست مردم جنگزده و آواره نمی رسد.

داد و فریادهای سران رژیم مبنی بر "خیرو برکت" جنگ نیز بیبهره نیست چرا که علاوه بر "خیرات" مذکور، جنگ این "برکات" را نیز برای سرمایه داران و رژیم آنها داشته است که هر فریاد اعتراض و حق طلبانه کارگران و زحمتکشان را به بیانه ای "ما اینک در حال جنگ هستیم و با هرگونه فشاری را بر خود تحمل کنیم!" سرکوب کرده و آنرا "توطئه ضد انقلاب"، آمریکا، عراق و بر قدرتها "جلوه دهند، بعبارت دیگر جنگ تا عادلانه دور رژیم ایران و عراق، درست ما شد جریانی سفارت در سال قبل از آن، جهت مبارزات توده ها را منحرف نمود، اما همانند واقعیت سفارت که مدت زیادی نتوانست توده ها



گوشه ای از شعارها و خواستهای حق طلبانه کارگران در راهپیمایی باشکوه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، مقابل خانه کارگر

# زننده باد سوسیالیسم!



را در توهم ننگهدارد، جنگ نیز مدت زیادی موجب رکود مبارزات کارگران و سالیان طولانی در اثر بخصوص که اینبار تشدید بحران اقتصادی در اثر جنگ، موجب گسترش بیسابقه بیکاری و گرانسی ما به محتاج مردم شده و فقر و فلاکت آنان را به سطح بیسابقه ای رسانده است. مبارزات کارکنان مناطق جنگزده صنعت نفت ابعاد فراوانی می یابد، برای نمونه در روز ۵۹/۸/۱۰ کارکنان پالایشگاه آبادان در اجتماع خود در مقابل شرکت نفت تهران فریاد اعتراضی خود را بگوش مردم میرسانند، همچنین روز ۵۹/۸/۱۷ حدود ۲۰۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت در ماهشهر دست به راهپیمایی میزنند. در تهران از روز ۵۹/۹/۲۹ تا اوایل دیماه بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران جنگزده خرمشهر دست به تظاهرات و راهپیمایی های متعدد میزنند. روز ۵۹/۱۰/۶ حدود ۵۰۰ تن از کارکنان جنگزدگان با خاستگاهها پیشان در دفتر مرکزی شرکت نفت متحصن میشوند و در شهرهای شیراز، اصفهان، ماهشهر، کارکنان جنگزده دانشگاهها اجتماعات متعدد برگزار کرده و ضمن طرح خواستههای برحق خویش به افعالی عملکردهای فدکارگری رژیم میپردازند. از جمله این اقدامات طرح بازنشستگی اجباری کارکنان، اخراج برخی از آنان، عدم پرداخت حقوق کامل کارکنان و سرانجام دستگیری ۳ تن از نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگزده میباشد که کماکان در زندانند و اقدامات اعتراضی و متعدد کارکنان مناطق مختلف جنگزده تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

همچنین در تهران روز ۵۹/۹/۱۰ اعتصاب کارگران کارخانه کانا در ای به زده و خسورد خونین با پاسداران سرمایه کشیده میشود. کارگران قهرمان علیرغم دادن یک شهید و چند زخمی، دلیرانه در مقابل مزدوران میایستند و ضمن تعرض بر علیه آنها چند مزدور را زخمی کرده و روحیه ای انقلابی از خود نشان میدهند. اداره کار کرج توسط بیکاران این شهر مجددا در روز ۵۹/۹/۱۵ به اشغال درمیآید. کارگران کارخانه سیمان سپاهان اصفهان در روز ۵۹/۹/۳۰ بخاطر قطع ایاب وذهاب دست به اعتصابی سه روزه میزنند که با یورش پاسداران و دستگیری ۱۵ کارگر مبارز مواجه میشود. کارگران دختلیات بخاطر کم شدن ۲۵٪ حقوقشان دست به اعتصاب زده و چندین روز جلوی خروج تولید را میگیرند، تا

بعدها زقیام افت و خیزهای متعددی را پشت سر گذاشته و اکنون در حال خیزش است. اما همانطور که در ابتدا گفتیم خود بخودی بودن این مبارزات وضعف، تشکل کارگران (چه تشکلات توده ای نظیر شوراهای واقعی کارگران و چه فقدان ستاد رزمنده اش یعنی حزب طبقه کارگر) موجب میشود که کارگران علیرغم تمام ازجانب گذشتگیها و قهرمانیهایشان نتوانند از مبارزات خود نتیجه لازم را بگیرند. بنا بر این آنچه که حتی از تجربه همین دو سال حاصل میشود، لزوم ایجاد هرچه سریعتر و پیگیرانه تر تشکلات کارگری در مراکز تولیدی از طرفی و مهمتر از آن افزایش آگاهی طبقه ای کارگران و ضرورت ایجاد حزب طبقه ای از طرف دیگر، میباشد. چرا که تنها بکمک حزب است که طبقه کارگر میتواند راه خود را بسوی سوسیالیسم هموار ساخته و نقشه انقلاب دمکراتیک خلق را به پیروزی برساند.

مستحکم باد همبستگی جهانی طبقه کارگر!  
مرگ بر امپریالیسم جهانی!  
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!  
زنده باد سوسیالیسم!

اینکه رژیم بوحشت افتاده و در مقابل آنسان تسلیم میشود. در او خرسال ۵۹ مبارزه برای دریافت سود ویژه که رسماً توسط رژیم قطع میشود در کارخانجات سراسر ایران اوج میگیرد. از جمله تحصن چند هزار نفره کارگران کارخانه کفش ملی است که با یورش وحشیانه پاسداران مواجه میشوند و طی آن چند تن کارگر مجروح میشوند همچنین مبارزات برای سود ویژه در کارخانجات فیلیپس، ایران الکتریک، سایپا، و... گسترده میشود.

کارکنان شرکت واحد نیز با اعتصاب و تحصن خود در روزهای ۳ تا ۵ اسفندماه، رژیم را تحت فشار قرار داده و او را اوارا ربه واکشش سریع و سرکوبگرانه میکند. این مبارزات و دهها نمونه دیگر که روز بروز گسترده تر میشوند، بنیانگسرا و جگگیری جنبش انقلابی طبقه کارگر است که بر متن اعتلای انقلابی جامعه نوید پیکار رهبری بزرگی را در آینه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمام می سرکوبگریها و عوامفریبیهایش امروزه ضعیفتر و عاجزتر از آنست که بتواند انقلاب توده ها را خفه سازد و این واقعیت را از حاشیای اختلافات درونی رژیم بخوبی میتوان تشخیص داد. از سوی دیگر مبارزات طبقه کارگر



### همچون همه رژیم های سرمایه داری...



بیکاری شتری است که در رژیم جمهوری اسلامی  
همچون همه رژیم های سرمایه داری بر در خانه  
هر کارگری میخوابد.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

روز جهانی کارگر  
۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

۱- قشر روشنفکر و پرولتاریا

پیدایش قشر روشنفکر به تقسیم کار اجتماعی به کار فکری ویدی به او خردورجا معا اشتراکی اولیه و اوائل دوره نظام برده داری برمیگردد. جا معه سرما به داری قشر روشنفکر را که در نتیجه این تقسیم کار بوجود آمده بود تنها بصورت یک قشر وسیع و منسجم درآورد و آنرا وابسته به خود نمود. اقشار مختلف روشنفکران که تماما با کار فکری سروکار داشتند بوجوه آمدنند که در خدمت دستگاها داری سیاسی، ایدئولوژیک، نظامی و اقتصادی بورژوازی قرار گرفتند. کارمندان ادارات، وکلای قضات، پزشکان، مهندسیین، مامورین نظامی، فیلسوفان، موزیکاران و دانشجویان و... تماما در نتیجه خصلت اجتماعی نیروهای مولده جا معه سرمایه داری از یک طرف و احتیاج بورژوازی به حفظ مالکیت خصوصی خود بر وساثل تولید از طرف دیگر بوجوه آمده و بصورت یک قشر وسیع و منسجم درآمدند.

با وجود اینکه روشنفکران به شکل وسیع و منسجم، خود را شریک سرمایه داری و احتیاج بورژوازی بوجود آمده و این وابستگی به آن مفهوم نیست که کماکان در خدمت بورژوازی باقی بمانند. از آنجا که روشنفکران در واقع آینه ستفادهای طبقاتی در جا معه است به دلیل اشتغال به کار فکری نمیتوانند این ستفادها را به حساب ترین وجهی منعکس نمایند. در نتیجه قشر روشنفکر نیز نمیتواند در جا معه سرما به داری تنها دارای یک ماهیت طبقاتی باشد و طبیعا سمت گیریهای مختلف طبقاتی در آن، این قشرا به بخشهای مختلف طبقاتی تقسیم مینماید. گروهی در خدمت بورژوازی باقی مینمانند و گروهی بسمت پرولتاریا کشیده میشوند (و بخصوص اگر جا معه سرما به داری عقب مانده و تولید خرد بورژوازی در آن غالب باشد) گروه بیشتری بمنوان روشنفکران خرد بورژوازی باقی مینمانند.

یک روشنفکر خرد بورژوازی البته میتواند با استفاده از سترسی خود به علم و آگاهی، مواضع خرد بورژوازی و بورژوازی خود را ترک گفته و در جریان مبارزه طبقاتی، با مجهز شدن به ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم لنینیسم، در جهت از بین بردن خصاثل طبقاتی خود اقدام نماید. این امر مستلزم آن است که روشنفکر نه تنها در مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی شرکت نماید و بدین طریق در تنفییر انقلابی جا معه قما لانه شریک شود، بلکه علاوه بر آن با بدیل به یله همراه با دست یافتن به ایدئولوژی پرولتاریا خصلتها ی گنبدیده بورژوازی و خرد بورژوازی را در درون خود محو و نابود سازد و بجای آن خصاثل پرولتاری ببنشاند. در همین رابطه، رفیق انور خوجه در مقاله "درباره روشنفکران" میگوید:

"زمانی کسیه یک کارگر کمونیست میشود، احساس میکند چیزی که از قبل تابحال

# روشنفکران و جنبش کمونیستی (قسمت اول)

کارپراکنده فردی است، روشنفکر نیز مجبور است که هویت خود را در حفظ این شرایط فردی و پرورش استعداد های خصوصی خود جستجو نماید. این شرایط فردی، مستلزم روحیه انفرادی منشی و آنرا ریشم روشنفکرانه مینماید که خود را و لیسن خصلت اساسی این قشرا تشکیل میدهد.

دراوینجا ن بوده است شکوفا شده، او فرهنگی را کشف میکند، که او را با آن چیزی که تا بحال به تاریکی میدیده است، روشن میکند. او در مارکسیسم اظها ر واضح خودش را می یابد و از چیزی که در ضمیرش بوده آگاه میشود. از این روزها نیکه یک کارگر کمونیست میشود خودش را با خسته و محکم میکند

● سرچشمه تمام خصائل روشنفکران معمولی از قبیل انضباط ناپذیری، خود محور بینی، عدم متانت، ناپیگیری، خیال پردازی، آکادمیسم، تزلزلات روحی و... را می توان در همین دو خصلت اساسی فوق، یعنی ذهنی گرائی و انفراد منشی خلاصه کرد.

دومین خصلت اساسی روشنفکر معمولی، همان ذهنی گرائی است و ناشی از این واقعیت میباشد که روشنفکران با واقعیت های عینی بیابلاوا بطنه سروکار ندارند بلکه با نشانه های این واقعیتها از طریق کار فکری سروکار دارند. در نتیجه همیشه بین احتمال وجود ایدئولوژی روشنفکر در خطر انحراف چشم بستن بر واقعیت عینی قرار گرفته و بنابه تمایلات ذهنی خود، نشانه های این واقعیتها را بجای خود این واقعیتها عوَضی بگیرد.

سرچشمه تمام خصاثل روشنفکران معمولی از قبیل انضباط ناپذیری، خود محور بینی، عدم متانت، ناپیگیری، خیال پردازی، آکادمیسم، تزلزلات روحی و... را میتوان در همین دو خصلت اساسی فوق، یعنی ذهنی گرائی و انفراد منشی خلاصه کرد. رفیق لنین خود در توصیف همین روشن فکران خرد بورژوازی و ستفادها با طبقه کارگر در کتاب "یک گام به پیش دو گام به پس" از قول کارگوشکی (که در آن زمان هنوز مارکسیست بود) چنین نقل قول میاورد:

"منظور من از روشنفکر فقط روشنفکر معمولی است که بجای معه سرما به داری متکی است و شما بنده شما خص طبقه روشنفکران است. این طبقه با پرولتاریا ستفا د معینی دارد.

این ستفا د معی با ستفا د بین کاروسرما به ستفا د است. روشنفکر - سرما به داری نیست. صحیح است که وضع زندگی وی یک وضع بورژوازی است و ما دامیکه به هرزه گرد تبدیل نشده است مجبور است این وضع را حفظ کند، ولی در عین حال او مجبور است محصول کار خود را غلب نیروی کار خود را نیز بفروشد و چه بسا محتمل است شما را از طرف سرما به داری روخت و خواری اجتماعی معینی نیز بشود. بدین طریق روشنفکر با پرولتاریا هیچگونه ستفا د اقتصادی ندارد، ولی وضعیت

زمانیکه یک روشنفکر کمونیست میشود، وقتا بسیع مانند قبیل بجلو نمیروند. در هر مرحله پیوسته آگاهی سوسیالیستی، روشنفکر مجبور میشود که چیزی از گذشته را خراب و ویران کند. بنا بر این او خراب میکند و میسازد، در اولین وهله او کفایت میکند که چیزی نوین در مقابل خودش نیا فریده بلکه در حال مبارزه با خودش و بر علیه خودش است. زمانیکه یک کارگر کمونیست میشود، او می داند که خواهد جنگید و او عصبان خواهد کرد و او در مبارزه با سرما به داری خواهد شد، و حتی ممکن است کشته شود اما با این وجود فقط یک دشمن دارد و آن دشمن یک دشمن خارج از اوست، این دشمن سرما به داری است. در حالیکه روشنفکر مینماید که این نبرد را در دو جبهه بجلو ببرد، یکم بر علیه خودش مبارزه کند و آن مبارزه است بر علیه خرد بورژوازی خمار دویم بر علیه دشمن خارجی یعنی سرما به داری.

دو خصلت مهم روشنفکران خرد بورژوازی و انفراد - گرائی و ذهنی گرائی مینماید. این دو خصلت دقیقا از شرایط کار زندگی این روشنفکران برخاسته و انعکاس روحی وضعیت آنهاست. روشن فکر خرد بورژوازی انفراد گرائی است، زیرا نسبت به قدرت فکری و دانش خود بمنوان یک مالکیت خصوصی تگریسته و آن همچون پیشه وریادگان دارای که به مالک کوچک خود چسبیده است، سر ستخاننه حفاظت مینماید. او آن دانش و مهارت فردی را که در اثر ستفا د از تعلیم و تربیت عمومی جا معه سرما به داری (از قبیل استعمار بورژوازی از کارگران و زمینگشان) بدست آورده است، همچون سرما به داری گرانها نزد خویش نگاه میدارد و میکوشد تا از محصولات کاراییسن سرما به فقط خود منتفع گردد. از آنجا که شرایط کار او نیز مانند پیشه وریادگان در آن شرایط

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

زندگی او شرایط کارش بیرونی را نمی‌تواند  
و از اینجاست که تضاد معینی از لحاظ روحیه و  
طرز تفکرنا می‌میرد.

بیرونی را - مادامیکه فرد می‌تواند و مجزائیت  
- هیچ است... او تمام نیروی خود، تمام  
استعداد خود را برای ترقی و پیشرفت و تمام  
امیدها و آرزوهای خود را از زمان و فعلیست  
مشترک و منظم با رفقای کسب می‌نماید. او  
وقتی خود را عظیم و نیرومند حس میکند که قسمتی  
از بیکر عظیم و نیرومندی را تشکیل میدهد. این  
بیکر برای وی در حکم همه چیز است ولی فسرده  
منفرد و مجزا نسبت به آن بسیار کوچک است.  
بیرونی را با بزرگترین جانفشانها و ما نمند  
جزئی از توده بی نام بدون منظورهای بسرای  
نفع شخصی و برای استعمار شخصی مبارزه می -  
کند و وظیفه خود را در هر شغلی و هر جا شیکه او را  
بگمارند انجام میدهد و او طلبانه مطیع انضباطی  
است که در تمام احساسات و تمام تفکرات او رخنه  
کرده است.

ولی وضع روشنفکر بکلی طور دیگری است.  
مبارزه او از طریق بکار بردن نیروی منحوی از  
انحاء نیست بلکه از راه استدلال است. او ملحقه و  
معلومات شخصی او، استعداد شخصی او و معتقدات  
شخصی او است. او فقط در سایه صفات شخصی خود  
میتواند اهمیت معینی پیدا کند. به اینجهت  
آزادی کامل ابراز شخصیت خود برای او نخستین  
شرط کار موفقیت آمیز را تشکیل میدهد. اگر او  
بدون یک جزئی که در خدمت کل است مطیع یک  
واحدک معینی میباید، بزمحت و بحکم ضرورت  
به این اطاعت تن در میدهد نه بر حساب انگیزه  
شخصی. او ضرورت انضباط را فقط برای تسویه  
قابل است نه برای برگزیدگان. خودش را هم  
بدیعی است جز برگزیدگان میباید...

**جنبش کمونیستی و روشنفکران**

بیرونی را علیرغم اینکه این رسالت تاریخی  
را بنا بر شرایط اقتصادی و اجتماعی کارش به  
عهده دارد که با بدست گرفتن قدرت سیاسی از  
دست بورژوازی، خود را بصورت طبقه حاکم متشکل  
بمیرد و برای ساختمان سوسیالیسم و استقرار  
کمونیسم شرایط را آماده نماید. ولی نمیتواند  
بخودی خود و بدون مساعدت روشنفکران بورژوا  
و خرده بورژوا که موضع طبقاتی خود را به نفع  
مواضع او ترک گفته اند، به این اقدامات تاریخی  
موفق شود. علت اینجاست که بیرونی را با دلیل  
نوع شرایط کار خود در نیست که در جا معینه  
سرمایه داری به تعلیم و تربیت خود پرداخته و مانند  
روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا از مواهب  
دانش عمومی بهره مند گردد. علیرغم اینکه  
ایدئولوژی طبقاتی او ناشی از محتوای زندگی  
و مبارزه طبقاتی او است، ولی برای تدوین  
این ایدئولوژی لازم بود تا نخست روشنفکرانی  
پیدا شوند که با تسلط برداشتن بشری، پایه های  
تشویق این ایدئولوژی را ریخته و آنرا بصورت  
یک علم یعنی مارکسیسم در آورند. بدیعی است  
که همین مسأله در مورد انتقال ایدئولوژی

سوسیالیسم علمی به درون جنبش خود بخودی هر  
کسور نیز صدق می نماید. لنین در مورد تجربه  
روسه در "چه باید کرد؟" میگوید:

"ما گفتم که آگاهان سوسیالیست در  
کارگران اصولاً نمیتوانست وجود داشته  
باشند. این آگاهان را فقط از خارج ممکن  
بود وارد کرد. تا ریح تمام کشورهای گواهی  
میدهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصر  
میتواند آگاهی تردیونیونیستی حاصل  
نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید  
تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان

کافی نیست که بگوئیم فلان نیروی آرای انحراف روشنفکرانه است، بدون اینکه روشن سازیم که  
این انحراف خود ناشی از عملکرد کدام سیستم فکری غیر رولتری می باشد. اشکال مختلف رولتریونیسیم،  
تروتسکیسم و دیگر انواع اپورتونیسیم، هم زمینه رشد خود را در تزلزلات روشنفکرانه میبایند.

مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی  
نماید که برای کارگران لازم است و غیره.  
ولی آموزش سوسیالیسم از آن تئوریهای  
فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشوونما یافته  
است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و  
روشنفکران نتوانند خود را رکن و  
انگلیس موجودین سوسیالیسم علمی معاصر  
نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمره  
روشنفکران بورژوازی بودند. بهمین گونه  
در روسیه نیز آموزش تئوریک سوسیالیست  
دمگراسی کا ملا مستعمل از تئود خود بخودی  
جنبش کارگری و بسنا به نتیجه طبیعی و  
ناگزیر تکامل فکری روشنفکران انقلابی  
سوسیالیست بوجود آمده است.

تا هنگامی که جنبش کمونیستی بدست  
یک گرایش ایدئولوژیک در یک طرف و جنبش  
خود بخودی طبقه کارگر بدستوان یک جنبش  
اتحادیه ای در طرف دیگر باقی بماند و ما بین  
کمونیستی و هم جنبش کارگری، مستعد پذیرش  
انحرافات غیر رولتری خواهد بود. از یکسو،  
جنبش کارگری بدون آگاهی رولتری و بدون  
رهبری حزب بیرونی را نمی‌تواند زیر بار و  
پرانندیشهای بورژوازی حاکم خواهد رفت و  
بصورت یک جنبش کارگری بورژوازی درخواهد  
آمد و از سوی دیگر اگر جنبش کمونیستی در سطح  
روشنفکران باقی مانده و از پیوند با در خود  
بمعنی طبقه کارگر محروم ماند، بدون شک بسد ام  
انواع و اقسام انحرافات خاص روشنفکران بورژوا  
خرده بورژوا خواهد افتاد و در نخواهد شد که به  
گرایش ایدئولوژیک خود به سمت بیرونی را  
مادیت بخشد و آنرا بصورت یک جریان اجتماعی  
در آورد.

معمولاً هنگامی که جنبش کمونیستی هنوز  
محدود به قشر روشنفکران بوده و نتوانسته است  
حتی در میان قشر پیشروتر کارگران نیز جای پای  
پیدا نماید، محیط مساعدی برای پرورش تمام  
خصائل منفی انفرادی را نداشته و ذهنی گرایانه  
است. در این محیط، گرایشهای مرتدانه، چون  
رولتریونیسیم و تروتسکیسم به سادگی رشد کرده و

میدان بر ای تاخت و تاز پیدا میباید. از آنجا  
که هنوز این روشنفکران علیرغم گرایش ایدئولوژی  
لویکشان به سمت بیرونی را قادر نشده اند که  
به این گرایش عینیت مادی بخشند، در نتیجه  
تزلزلات و نوسانات بورژوازی در آنها برآ حتی  
امکان بروز پیدا می نمایند.

در برخورد به این زمینه مساعد برای پرورش  
انحرافات در قشر روشنفکران کمونیست، بیک  
اشتباه رایج آن است که ما با سه نفی ضرورت  
روشنفکران کمونیست افتاده و برای فرار از  
تزلزلات روشنفکرانه به نفی عنصر آگاه میرسد.

این اشتباه خود زمینه ساز یک انحراف بورژوازی  
است که در نتیجه آن طبقه کارگر محروم ز رهبران  
فکری خود مانده و در زیر آماج حمله بورژوازی  
قرار میگیرد. شکل پوشیده تردیگر این انحراف  
که بصورت برخوردی خلعت گرایانه به رخ میدهد آن  
است که تصور کنیم بورژوا انحرافات روشنفکرانه  
جدا از گرایشهای ایدئولوژیک - طبقاتی  
حاملین آن است و در نتیجه برای مبارزه با این  
انحرافات روشنفکرانه فقط همین کافی است  
که با فردگرایی، ذهنی گرایشی، سکتاریسم و  
امثال آن جدا جدا برخورد شود. غافل از اینکه  
تمام این تبلورات روحیه روشنفکرانه، خود  
ناشی از عملکرد ایدئولوژی بورژوازی و نغوش اشکال  
مختلف آن در درون جنبش طبقه کارگر - چون رولتریونیسیم و تروتسکیسم و... میباید. بعبارت  
دیگر کافی نیست که بگوئیم فلان نیروی آرای انحراف  
روشنفکرانه است، بدون اینکه روشن سازیم که این  
انحراف خود ناشی از عملکرد کدام سیستم فکری غیر  
رولتری می باشد. اشکال مختلف رولتریونیسیم،  
تروتسکیسم و دیگر انواع اپورتونیسیم هم زمینه  
رشد خود را در تزلزلات روشنفکرانه میباید. به  
ویژه تروتسکیسم از آنجا که بدلیل شکل خاص  
دستگاه ایدئولوژیکش با منافع هیچ یک از اقشار  
بورژوازی جز روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا  
خوانائی ندارد، به راحتی درون این قشر نفوذ کرده  
و از آنها بصورت حاملین اجتماعی ایدئولوژی  
بورژوازی خود استفاده می نماید. واضح است که در  
این حالت، برای مبارزه با انحرافات روشنفکرانه باید  
کار را از مبارزه با تروتسکیسم چسبید، و گرنه راه بجای  
نخواهیم برد.

خلاصه کنیم مبارزه با انحرافات روشنفکرانه  
در جنبش کمونیستی، تنها در پرتوکل مبارزه  
طبقه ای بیرونی را و بخصوص با توجه به عمده ترین  
انحرافات ایدئولوژیک حاکم بر جنبش میسر است.  
در این مبارزه است که سوسیالیسم علمی از درون  
قشر محدود روشنفکران بیرون آمده و با پیوند  
یا فتن با جنبش کارگری و تانین استحکام  
ایدئولوژیک برای آن، از لحاظ عینی نیز زمینه  
برای عملکرد گرایشهای انفرادی منشا نشود و  
ذهنی گرایانه، تا مساعدر میگردد. ادا مده ارد.

# گرامی باد خاطر ه مبارزات قمر هانانہ دانشجویان انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹

اول اردیبهشت فرامیرسد و خاطره سرخ  
مقامت دانشجویان انقلابی در مقابل یسوش  
ارتجاع به سنگرزادی، از نوزنده میشود .  
سال گذشته در این روزها توطئه حـ سـ ز ب  
جمهوری اسلامی و با تا شید لیرا لها ، دا نشگا هـ  
های سراسر ایران مورد هجوم ساران و اوباشان  
و وابسته به حزب جمهوری قرار میگردد و دهها تن  
به شهادت میرسند .

پیچ و مهره های سرمایه داری و وابسته نیا زمیرم  
دا شتند ، توطئه یسوش به دا نشگا هها را نه بـ برای  
به تعطیل کشاندن آنجا ، بلکه برای سرکوب  
دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیست و بستن  
دفا ترسیاسی آنها ، ضروری میدانستند ، در حالی  
که خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی  
در عین نیاز به متخصصین برای بازسازی سیستم  
سرمایه داری و وابسته میخواستند دا نشگا هها را  
ببندند ، چرا که میدانستند ، نه شکنجه ، نه زندان و  
نه تیرباران ، هیچیک نمیتواند فیرا دهای آزادی  
خواهان و انقلابی دانشجویان را خاموش کند و  
تا دا نشگا هها باز نمانند ، سنگرزادی همچنان  
خروشان خواهد بود . بدین ترتیب لیرا لها ،  
حزب جمهوری ، آیت الله خمینی و ... که شاهرشد  
دانشجویان انقلابی و کمونیست و افشاگری

مسلسل بسته شده و به شهادت رسیدند و ا بـ  
دا نشگا ه بود که همواره بعنوان یک سنگر پیکا ربا  
امپریالیسم و ارتجاع ، احترام عمیق توده های  
انقلابی ایران را برمی انگیزت .

با سرنگونی رژیم شاه مزدور ، بهمت حما سه -  
آفرینی های توده های قهرمان ایران که  
دا نشگا هها نیز نقش ویژه ای را در این سرنگونی  
ایفا کردند ، رژیم جمهوری اسلامی با پایمال  
کردن خون و آرمایان هزاران شهید و با سازش  
با امپریالیسم ، بقدرت خزید و به حفظ و جراست  
منافع سرمایه داران و امپریالیستها و سرکوب  
انقلاب برداخت . دا نشگا ه که تمام تاریخ عمرش  
را به مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم مشغول  
بوده است نمیتوانست در مقابل این جنایات  
ساکت بماند .



و آکا هگری وسیع  
در دا نشگا ههای  
ایران بودند بـ  
سرکوب خونین  
انقلاب در  
دا نشگا هها به  
توافق رسیدند .  
این سرکوب  
خونین حلقه ای  
از زنجیر و کشتار  
و سرکوب گسترده  
در سراسر ایران  
بود ، رژیم جمهوری  
اسلامی پس از  
شکست اولیسن  
سرکوب عمومی اش

در تهران ، و اوباشان حزب جمهوری اسلامی و  
سپاه پاسداران با قهوجا قو و مسلسل به دهها  
هزار نفر دانشجوی انقلابی و توده های آگاه که  
به گردهما ترسیاسی دانشجویان کمونیست حلقه  
زده بودند ، تا از آزادی فعالیت سیاسی  
دانشجویان انقلابی دفاع کنند ، حمله کرده و  
دست کم ۴ نفر را به شهادت رساندند . در رشت ،  
تتها جم مسلحانه ارتجاع به سنگرزادی و راه -  
پیمائی حمایت از دانشجویان انقلابی ، ۱۴ شهید  
و دهها زخمی و دستگیر بجای گذاشت . در شیراز  
وزاهدان یک نفر به شهادت رسیدند . ا بـ سـ د  
جنایت در احوال بسیار وسیع بود و در تتها جم -  
گسترده پاسداران و اوباشان حزب جمهوری به  
سرگردگی غرضی استانداری و جنتی حاکم شـ مـ ع  
ا هواز ۱۳۰ نفر شهید و نزدیک به هزار نفر زخمی و  
دستگیر شدند . تا لاشه هاری را به زندان تبدیل  
کرده و هشتصد دانشجو را در آنجا به بند کشیدند  
بودند . هنگامی که ارتجاع با روحیه مقابله و مو  
سرو و خواتنی دانشجویان اسیر مواجه میشود آنها  
را به زنجیر و مسلسل می بندد و ۳۰ تن را به شهادت  
میرساند . ترور و زندان ادا مه میباید و جمله  
رفیق کمونیست پیکا رگر شهید مهنا زمعمدی در  
زندان ترور میشود . تتها جم به دا نشگا ه جندی -  
شا هبور بسیار وحشیانه بود ، بطوریکه به چندین  
دختر دانشجو تها وز میکنند و با دانشجویان را با  
قهوجا قوتکه تکه میکنند . پس از این جنایت  
رژیم رفقای کمونیست پیکا رگران شهید احمد -  
مواذن و مهدی علوی شوشتری را به اتفاق رفقای  
کمونیست مسعودان نیالی و دکتر نریمیا را در  
ا هواز رفیق فرامرز حمید را در رشت به جرم عشق  
به خلق و دفاع از سنگرزادی تیرباران میکند  
رژیم با این کشتار فوجیه مقدمات تعطیلی  
دا نشگا هها را پی ریزی کرد و پس از ۱۴ خرداد  
۵۹ ، دا نشگا هها را می بندد .

جنبش دانشجویان انقلابی پس از قیام مبهمن  
همچنان دا نشگا ه را به سنگرزادی بدل نمود و  
بدفاع از آزادی و انقلاب برداخت . دا نشگا ه  
همدستی ارتجاع حاکم را با امپریالیستها و  
سرکوب خونین انقلاب در کارخانه ها و مسازع ،  
گردستان و ترکمن صحرا ، دا نشگا ه و مدارس افشا  
میساخت و بدین ترتیب خاری بر چشم ارتجاع بود .  
همه جناحهای رژیم حاکم که مبارزات آگاه -  
گرایانند دانشجویان انقلابی را نمیتوانستند  
تحمل کنند ، همانند رژیم ناهانش و دیگر رژیم -  
های ارتجاعی ، در صدد سرکوب خونین دا نشگا هها  
برآمدند . لیرا لها که از عشق توده ها به دا نشگا ه  
اطلاع داشتند و میدانستند که تعطیلی دا نشگا هها  
برامواج نا رضایتی آنها خواهد افزود و علاوه بر  
آن به متخصصین دا نشگا هها برای سفت تر کردن

اما چرا رژیم جمهوری اسلامی دست به چنین  
کشتار و سرکوب وسیعی در دا نشگا ههای سراسر  
ایران زد و جنایاتی فجیع تر از ۱۶ آذر شاه  
خائن را مرتکب گردید ؟  
پاسخ به این سوال را با یستی در نقوش  
دا نشگا ههای ایران در آگاه کردن توده ها و  
دفاع از آزادی و انقلاب جستجو کرد . جنبش  
دانشجویی ایران به گواهی تاریخ خونینار  
مبارزاتی اش ، یکدم از پیکا رعلیه امپریالیسم  
و ارتجاع بازنمانده است . زندانهای نا هانش  
همیشه پرازدانشجویان کمونیست و انقلابی بود  
و چند صد دانشجوی کمونیست و انقلابی در میدانهای  
تیر و خیا با نهایی شهرهای ایران به رگبار

در مرداد و شهریور و مهر ۵۹ به تجدید قوا پرداخته و با یک  
دوران فریب توده ها ، دوباره آماده سرکوب گردید . بـ  
مبنای این طرح خائنانه ، بنی صدر آیت الله خمینی  
سال ۵۹ ، را سال امنیت نامیدند و سرکوب گسترده  
انقلاب را از گردستان تا دا نشگا ه اعلام کردند .  
بلافاصله پس از این "خط و نشانها" ارتجاع  
متحد با گردستان و سپس به دا نشگا هها حمله ور  
شد . تا این دوستگرمستحکم پیکا ردمکراتیک و  
ضدامپریالیستی را در هم کوبد چنین بود که  
فردای کشتار خونین اول اردیبهشت ، بنی صدر  
در سخنرانی دانشگاه تهران خود روز اول اردیبهشت  
روز کشتار خونین دانشجویان انقلابی  
را اولین روز استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی  
نامید .

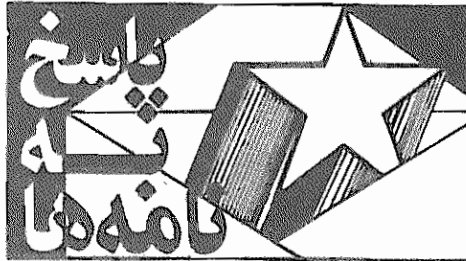
درباره معیارهای وحدت و عضویت

رفیق ض - در مورد یکی بودن معیارهای عضویت و وحدت با سازمان که در قطعنامه پیکار شوریک ۲ آمده است انتقاد نموده است و سوال کرده است آیا طرح چنین مسئله ای نشانده سکتاریسم نیست؟ چرا که بدین ترتیب سازمان درک خویشتن را از کلیه وحدت ها تا سرحد "ادغام" با ثن آ آورده و در حقیقت وحدت را تنها به صورت جذب سایر نیروها در سازمان بر طبق معیارهای سازمان درک میکند.

در پاسخ به سوال و انتقاد رفیق باید بگوییم این مسئله که معیار روحدت و عضویت در سازمان یکی است نه بمعنای آن است که کلیه وحدت ها با بد ضرورتاً بصورت "ادغام" در سازمان باشند و یا آنکه تنها مبانی و موافق سازمان است که میبایست تحت هر شرایطی معیار روحدت قرار گیرد. پرواضح است که ممکن است در یک وحدت با کم کیفیت متما بزی از آنچه تا کنون صورت گرفته است، حتی فلان نقطه نظر سازمان نیز در جریان مبارزه ایدئولوژیک بخاطر وحدت تغییر داده شود و فی المثل بایک گروه و یا سازمان بر اساس موضع جدیدی در مورد یک مسئله خاص وحدت صورت پذیرد (چه بسا این امر با برپا شدن کنگره همراه باشد) بدین ترتیب ما امکان تغییر نظر و موضع سازمانی را در باره این یا آن مسئله (در صورت تا میسن اکثریت بر سر موضع جدید در کنگره و یا توسط رهبری) مطلقاً نمیکنیم، اما پرواضح است در صورت چنین تغییری بلافاصله مبانی عضویت نیز شامل حال موضع جدید خواهد شد. بدین ترتیب آنچه در مورد یکی بودن معیار عضویت و وحدت مورد نظر بوده است، بیگانگی آن است، چنانچه اگر فردی به عضویت سازمان درآید یا جریانی با سازمان وحدت نماید، نمیتوانند مبانی سیاسی، ایدئولوژیک آن متفاوت باشد. مثلاً سوسیال امپریالیسم معیار روحدت باشد یا معیار عضویت نباشد و بالعکس. لذا این امر نه نشانده "سکتاریسم" و نه برخوردی غیر اصولی است، بلکه بالعکس جدا بودن و متمایز بودن معیارهای وحدت و عضویت تنها میتواند نشانده مبانی اصولگیری به مواضع ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی مورد پذیرش سازمان باشد.

یکی از رفقا پرسیده است آیا ممکن است بدون اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک و صرفاً بر سر مسئله تشکیلاتی اختلاف نظراتی پدید آید و به چنان حدتی برسد که موجب انشعاب گردد؟

در پاسخ به این رفیق باید بگوییم که اختلاف بر سر مسایل تشکیلاتی، خودمضمونی ایدئولوژیک دارد. گرایشات ایدئولوژیک خود را در عرصه های گوناگون ایدئولوژی، سیاسی و تشکیلاتی منعکس میکنند و از اینرو همواره این امکان وجود دارد که انحراف ایدئولوژیک فی المثل در عرصه تشکیلات عمده شود و مسبب رزه

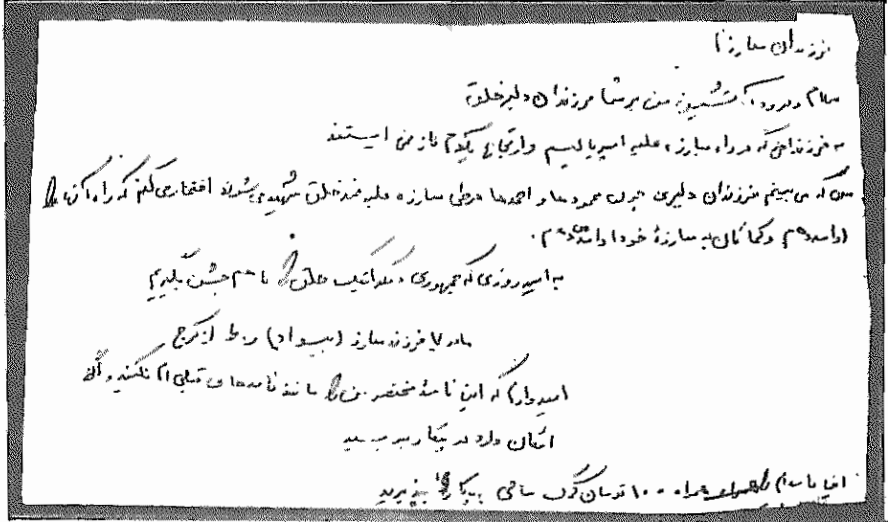


ایدئولوژیک بر سر آن به دو خط مشی بیانجامد فی المثل سا نترالیسم دمکراتیک که ساسترین و در عین حال ابتدائی ترین اصل تشکیلاتی یک شکل م - ل است، اگر در بر خورد به این مقوله دو نگرش بورکراتیک و لیبرالی (نظیر سکتوری وجود و دو خط مشی در حزب) در مقابل درک اصولی از این مقوله قرار گیرد، در صورت عدم اصلاح حتماً به انشعاب و یا اخراج و تصفیه منجر خواهد گشت. بدین ترتیب حتی اگر در شرایطی اختلاف نظر بر سر مسائل برنامه ای و خط مشی بروز نشود، بدو صرفاً در عرصه درک اصول تشکیلات دو خط مشی پدید آید، انشعاب قطعی است. جلوه های نقطه نظراتی که در عرصه تشکیلات میتوانند به چنین نتایجی منجر شود عبارت است از: انحلال طلبی، بورکراتیسم، نفی سا نترالیسم - دمکراتیک، فراکسیونیسیم و ...

در اینجا بدرجائیکه ما در مسئله انشعاب میردا زیم و بر خود میبایستیم که چنین ما در انسی صفوف مبارزه را هر چه بیشتر مستحکمتر میسازند

درباره تهیه و توزیع آثار سازمان

عده ای از رفقا در مورد ضرورت تکثیر مجدد برخی مقالات پیکار و تهیه و تکثیر نوارهای آموزشی، هنری و ... توضیحاتی داده اند و در این رابطه به سازمان انتقاداتی وارد دانسته اند. رفقا! در یک تشکیلات، توده ای به اتکالی امکانات متنوع و وسیعی که در دعوای ما پیدا کارهای نظیر با تکثیر و ... را انتشارات مرکزی انجام دهد، بلکه ما سا این وظیفه رفقای هوادار و ارگانهای ناحیه و منطقه است که به این کار مبارک درت و رزند. ظرفیت انتشارات مرکزی سازمان محدود است و نمیتواند تکثیر و تجدید چاپ بسیاری از کتب و نشریات و امثالهم را خود بر عهده گیرد. پس بعهد رفقای هوادار و کمیته های ناحیه است که بتنا سب نیرو و توانیا خودیسه تکثیر برخی مقالات پیکار، برخی ترجمه ها و یا کتب نظیر شوریک و امثالهم دست بزنند. فی المثل مقاله افزایش دستمزدها در پیکار منتشر شده بود مقاله بسیار ساده و قابل استفا ده ای بود که رفقای کارگری در نواحی مختلف میتوانند آنرا بصورت کتاب و یا جزوه تکثیر و توزیع نمایند. در مورد نوارهای آموزشی و هنری سازمان نیز به همین ترتیب میبایست توسط رفقا تکثیر و پخش گردد. این دیگر میزان خلاقیت رفقای هوادار است که به اتکالی تلاش پیکار نه شان میتوانند آنها را به دست زدن به اتکارات گوناگون و توده ای برای بخش و گسترش فعالیتها و آثار سازمان بکشند.



غرب، د - ش جنگزده، هما مسجد سلیمان م - س دانش آموزاری، جمع خصوصی ک - ک، م از تدا رکات معصومه، سلیم از شیراز، نیتنا انزلی، م فرنا زاز د - دج، مهدی - م افغان، کمیته ناحیه آبادان ۲ - قم، بخش جنوب شهر - دانش آموزاری داراب علی - س - ج، هما فرهادار، رضا شهری، الف - د محمد کمیته کارمندی، د - ۲۴ شیراز، تشکیلات کرمان، س - ح قم، ن هستا گرم صا دقپور، جی از پتک، فرزانة تهران، د - آ - ج ای، صرا دلاهیجان

سایر رقبایی که نامه ارسال کرده اند

بخش و توزیع غرب، حمید ز کمیته ترجمه نا "ک" زک - ه - د - د، مسئول دانشجوشی "ش"، ب فرزانة زقزوین (۲۴ ماه)، ش و ن از پیتنا هنگ م - م، بهزا د جنگزده خوزستانی، "م" از بروجرد، حفترج مهرآباد، کمیته ناحیه آبادان د - د غرب، نیسی - د ز قول، مهدی - تهران، خسرو - ۲ کرمانشا، م - ن کرمانشا، جیب - جاب ع - ۲۴ تهران، ب - کازرون، م - مشی - راز م از تدا رکات، محلات - بخش و توزیع غرب، د - د



# سازمانهای سیاسی و حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹

مورد قبول بورژوازی است حتی المقدور اجتناب میکردند. بدین ترتیب توجیهات آنجمن دانشجویان مسلمان در این روزها میگفتند ما دفاع خود را به او با شان حزب جمهوری تحویل نمی دهیم، ما به هیات رئیسه (عمدتا لیبرال) دانشگاه که مقامی قانونی است تحویل میدهیم در واقع بیان قانونگیری لیبرالی بود. بدین ترتیب توهم داشتن نسبت به لیبرالها از یکطرف و کوشش در باقی ماندن در چهره چوب قوانین بورژوازی از طرف دیگر، مجاهدین را به ترک مقاومت و مبارزه انقلابی و تحویل آسان و تسلیم طلبانه سنگرزادی به دشمن رسانید. طبیعی است جنبش دانشجویان انقلابی عدم شرکت مجاهدین خلق را در حماسه مقاومت اول اردیبهشت و فراز این مبارزه را هرگز نخواهد بخشید.

## ۳- سازمان چریکهای فدائی خلق و بازگشت از نیمه راه

اگر مجاهدین خلق از شرکت در جنبش مقاومت سر باز زدند، دانشجویان پیشگام (تشکیلات وابسته به فدائیان) تا نیمه راه آمدند ولی بخاطر تزلزلاتشان از نیمه راه بازگشتند. آنها تا اوایل روز اول اردیبهشت دوام آوردند. اما هنگامیکه تنها جم شدت گرفت بتدریج به تسلیم طلبی و فرار از مقاومت کشیده شدند آنها از یکطرف جنبش توده ای شده دفاع از دانشگاه را نا چیز تصور کرده و از طرف دیگر اهمیت را که دانشگاه برای توده ها داشته، درک نکرده و نمی فهمیدند که با آماجگی جنبش توده ای و دانشجویان انقلابی، میشد در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم ایستاد. سیاست درست در آن زمان مقاومت در مقابل او با شان حزب جمهوری و سپاه ساداران و عدم مقاومت در مقابل توده های بودکسه شنبه (دوم اردیبهشت) بنا بود به دانشگاه بیایند. آنها در این هنگام برای شوربیزه کردن انحرافات رویزیونیستی شان به تز رویزیونیستی عدم تشنج پناه برده و عدم شرکت انقلابی در مبارزه طبقاتی را نادانانند. علاوه بر این، آنها با زیر پا گذاشتن کلیه اصول کمونیستی و انقلابی، در شرایطی که در کمیته دفاع از فدائیان سیاسی مشکل از دانشجویان هوادار رپیکسار - مبارز (هواداران طیف موسوم به خط ۳) هواداران

در اول اردیبهشت میتوانستند حاوی درسها و تجربیات ارزنده ای باشد. بخصوص اینکه دیدیم چگونه ادا همان تزلزلات و سیاستهای انحرافی فدائیان که در اول اردیبهشت شا هدیشی از آن بودیم، چگونه بخش وسیعی از آنها به منجلا ب رویزیونیسم در غلط اند.

## ۱- رویزیونیست های توده ای

### و مداحی جلادان دانشجویان انقلابی

این خائنین پس از یورش ارتجاع بلافاصله دفاع خود را تخلیه کرده و فوراً بدفاع از رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. آنها به مداحی جلادان اول اردیبهشت پرداخته و تقصیر کشتار را به گردن کشتارشدگان انداختند. آنها با لجن برآکنی علیه نیروهای کمونیست و بخصوص سازمان ما که جنبش مقاومت دانشجویان را سازمان داده بودند، ارتجاع را در کشتار اول اردیبهشت محق اعلام کرده، سازمانهای کمونیست را مقصر قلمداد کردند. هم آوازی خائنین توده ای با رژیم جمهوری اسلامی در کشتار دانشگاهها گریه بار دیگر ما هیت خائنه آنها را برملا ساخت اما بحالت تعداد کم هواداران نشان در دانشگاهها عملاً نتوانستند، کوچکترین مانعی در جنبش مقاومت دانشجویان ایجاد کنند.

## ۲- مجاهدین خلق و خودداری از شرکت در مقاومت

دانشجویان هوادار مجاهدین، پس از آغاز توطئه اشغال دانشگاهها، از شرکت در حماسه مقاومت خودداری نمودند و حاضر شدند تا تمام دفاع خود را در اختیار "مقامات قانونی" قرار دهند. اتخاذ این سیاست لیبرالی و دوری گزیدن از مبارزه انقلابی ریشه در دو انحسراف اساسی مجاهدین دارد. اولاً مجاهدین نسبت به لیبرالها شدیداً متوهم بوده و از هنگام مروی کار آمدن بنی صدر به پشتیبانی از وی در مقابل جناح دیگر - حاکمیت (حزب جمهوری و متحدینش، آیت الله خمینی و...) پرداختند. ثانیاً مجاهدین در طی این دوران (و بعداً نیز البته با شدتی کمتر) میکوشیدند اقدامات خود را در چهره چوب قوانین بورژوازی حاکم انجام دهند و از عملی که در تضاد با قوانین

رژیمهای ارتجاعی عملاً در سرکوب انقلاب از دوشویه سود می جویند، سرکوب و فریب و یا چماق به تنهایی یا چماق و نان شیرینی، در هر چرخش تاریخی بسوی یکی از این سیاستها، تشخیص تا کتیک صحیح پرولتری حاضر اهمیت فراوان است. رژیم جمهوری اسلامی پس از شکست در جنبش مقاومت اول کردستان و واچگیری جنبش توده ای به موازات اشغال سفارت به عقب نشینی دست زد. این زیگزاگ ضد انقلاب، موجب تشدید انحرافات فراوان در درون جنبش کمونیستی گردید. از او خرسال ۵۸ پیدا بود که رژیم از این دوران برای تجدید قوا به منظور سرکوب انقلاب مددخواهد جست. سرکوب خونین خلق ترکمن. در او خربهن ۵۸ بخوبی این حقیقت را نشان میداد. ارتجاع که از این سرکوب بمنظور محکی برای میزان آماجگی نیروهای انقلابی نیز استفاده میکرد، با سیاست تسلیم طلبانه و انفعالی فدائیان در ترکمن صحرا در یافت که میتوانستند با شدت بیشتری به سرکوب بپردازد. چرا که عدم مقاومت در مقابل اولین عملکردهای سرکوب، سرکوبهای وحشیانه تری را بدنبال خواهد داشت. اگر در دوران افت و رکود، عقب نشینی های منظم با ایستی در مقابل سرکوب بکار گرفته شود، در دورانی که جنبش بسوی اوج حرکت میکند و جامعه در حالت اعتلا بسر میرسد، تا کتیک اصولی، عموماً مقاومت در برابر آنها جم رژیم است. ارتجاع با ایستی با زحمت فراوان بتواند یک سنگر ما را فتح کند. این درس اساسی مبارزه طبقاتی با رژیم تجربه شد.

بدین ترتیب ارتجاع که تسلیم طلبی بخش وسیعی از جنبش کمونیستی را در جریان ترکمن صحرا دیده بود و اگر لیبرالی بخش وسیعی دیگری از جنبش دموکراتیک یعنی سازمانها مجاهدین را نیز مشاهده بود، برای آنها جم گسترده به انقلاب آماده شد. در این میان حزب جمهوری و همینطور آیت الله خمینی خواهان سرکوب همه نیروهای دموکرات و کمونیست بودند. در حالیکه لیبرالها میکوشیدند با جذب دموکراتهای ناپیگیر (مجاهدین) با نان شیرینی های حقیر و بیطرف کردن کمونیستهای ناپیگیر (چریکهای فدائیان)، جنبش توده ای و انقلاب را سرکوب کنند. بهر صورت دو جناح حاکمیت متحد خود را آماده سرکوب نیروهای انقلابی کردند و آیت الله خمینی و بنی صدر سال ۵۹ را سال امنیست خواندند و سرکوب کردستان و دانشگاه هونیز کلیه آزادیهای دموکراتیک را در دستور کار خود گذاشتند. نطق نوروزی جناحین حکومت آشکارا اعلان جنگی به انقلاب و طلب سرکوب بود. سرکوب و کشتار از او آخر فروردین در کردستان آغاز گردید و تهاجم به دانشگاه تدارک دیده شد و در اول اردیبهشت ۱۶ آذر شاه دوباره تکرار شد. در این میان نگاه به سیاستهای نیروهای سیاسی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



راهکار گروپیشگام عضویت داشتند و با یک تعهد انقلابی با یستی کوششهای خود را در زمینه مساثل مربوط به دفاع یا عدم دفاع از دفاعی سیاسی در آنجا طرح میکردند، بدون اطلاع این کمیته و زوا و بیه ای تسلیم طلبانه زلفه روز دوشنبه اول اردیبهشت (یعنی زمانی که تازه آنها جمشید را تجاع آغا زنده بود)، به توافق با بنی مدر رسیده و بیه قول ترک مقاومت را دادند. فدا ثیان در روز دوم سوم اردیبهشت نیز موضعی شدیداً تسلیم طلبانه گرفته و در پی همان تزلزلات رویز یونستی شان با هرگونه تظاهرات افشاگرانه بر علیه کشتار اول اردیبهشت به مخالفت برخاستند، حتی بطوریکه بجای مبارزه در جهت افشای ارتجاع، نیروهای خود را برای ضدیت با تظاهرات دانشجویان هوا در آن زمان بسیج کرده و توده را به عدم شرکت در این تظاهرات دعوت میکردند (هرچند که در تظاهرات پرشکوه سوم اردیبهشت علیه غم کوششهای آنها، حدود ۱۵ هزار نفر شرکت کردند).

طبعی است شرکت فعال مجاهدین در این مقاومت و عدم گریز فدا ثیان از زنیمره امی - توانست ابتدا مقاومت اول اردیبهشت را دست بخشد، ارتجاع را هر چه بیشتر در نزد توده ها افشا سازد.

۴- راهکار گروسیاست میان دوصندلی

راهکار گرنیز که خود از تزلزلات رویزیو - نیستی بی نصیب نبود (هر چند شدت آن در آن زمان از فدا ثیان به مراتب کمتر بود) در جریان مقاومت اول اردیبهشت سیاست میان دوصندلی را اتخاذ کرده و میان سیاست پیگیر (سیاست ما) و سیاست ناپیگیر (سیاست فدا ثیان) در حال نوسان بود. ابتدا با مساکمیت دفاع از آزادی در دانشگاه پیوست و سپس در جریان اختلافات ما و فدا ثیان، عمدتاً با منقعل بود و با به جانب فدا ثیان گرایش می یافت و سرانجام با ما قطعاً هم مشترکی را که حاوی سیاستی پیگیر بود امضا کرد، بهر صورت این حالت سیاست میان دوصندلی به راهکار گرو صورتی متزلزل که نمی توانست قاطعانه یک سیاست را پیش بگیرد میبخشید. بطوریکه در نهایت از شرکت در تظاهرات سوم اردیبهشت ما و دانشجویان مبارز به تبعیت از فدا ثیان سرباز زدند.

بقیه از صفحه ۲۳ گرامی یان ۰۰۰

بدین ترتیب علت اساسی آنها چه به دانشگاه ها را در اول اردیبهشت، با یستی در نقشی آگاهانه نیروهای انقلابی و کمونیست جستجو کرد. این مسئله را آیت الله خمینی در نطق چند ماه پیش خود بخوبی بیان داشت و گفت تسادر دانشگاه ها مکان فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست وجود دارد، بنابراین با زشود، اما تحت فشارهای ناشی از کمبود متخصصان دانشگاهی که از نیازهای ضروری سیستم سرمایه داری وابسته است و همچنین تحت فشار توده های وسیع مردم و کارگران و افشاگرانه کمونیستها در زمینه تعطیل دانشگاه، انقلاب فرهنگی" و سرکوب نیروهای کمونیست و انقلابی و با لاف زده فشا رلیبرالها و شکست برنامها به اصلاح انقلاب فرهنگی، آیت الله خمینی و حزب نیسز ناچار از عقب نشینی شده و آیت الله خمینی چه

دانشگاهی برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، از همان ابتدا تا بحال، همواره از با ز - گشائی دانشگاه سخن میگویند، دانشگاهی بدون حضور نیروهای کمونیست و انقلابی.

توده های انقلابی میهن امروز بیش از پیش خواهان بازگشائی دانشگاهها هستند. آنها می خواهند دانشگاهها گشایش یا بندت با ردیگر دانشجویان انقلابی به دفاع از آزادی و انقلاب پرداخته، حزبها و لیبرالها را رسوا سازند. اینک با یستی با افشای جنایات ارتجاع در اول اردیبهشت ۵۹، فریاد خود را برای بازگشائی دانشگاهها این سنگرزادی بلندتر کنیم. دانشگاهها باید گشایش یا بندت دانشجویان انقلابی با تعیین شورا های واقعی خود و فعالیت سیاسی انقلابی، هر چه بیشتر دانشگاهها را به سنگرزادی بدل نمایند.



دوشهید گمنام اول اردیبهشت ۱۳۵۹ که عکسشان برای اولین بار چاپ میشود.

درود بر شهیدای بخون خفته اول اردیبهشت! دانشگاه این سنگرزادی به همت توده ها گشوده باید گردد! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۶۰ / ۱ / ۲۷

در پیمان نوروزی خود و چه در دیدار اعضای ستاد "انقلاب فرهنگی" تا کید بر بازگشائی تدریجی دانشگاه نمود، هر چند که مثل گذشته روی تصفیه نیروهای انقلابی از دانشگاه تا کید داشت. لیبرالها نیز همانطور که اشاره کردیم از ابتدا تا کنون برای فریب توده ها و جلوگیری از نارضائیشان و درک ضرورت متخمسین

این شکنجه نیست!

بشارتی ساواکی عضو "هیات بررسی" شایعه "شکنجه" و بسیاری از دست اندرکاران رژیم و بالاخره آیت الله خمینی گفتند که "شکنجه در زندانها وجود ندارد" ما از صدها نمونه میگذریم فقط یک شکنجه را که مشت است نمونه خروار در زیر می آوریم: یک دختر انقلابی را جهت ترساندن و به حرف

در آوردن او شبانه به تپه های اوین برده اند، چشم او را بسته تا با صلاح مراسم اعدام را در باره اش اجرا کنند. درحالیکه چشمهایش بسته بوده به او میگویند جدولی پیش پای تو است، از آن پیر و اومی بردولی در گودالی به عمق ۲-۳ متر می افتد و دچار خونریزی داخلی میشود. از نظر آیت الله خمینی رژیم جمهوری اسلامی، این شکنجه نیست. شما چه میگویند؟



### گسترش مبارزه طبقاتی در کشورهای امپریالیستی غرب

بحران اقتصادی گسترده‌ای جهان امپریا-  
لیستی غرب را فرا گرفته است. افزایش بیسابقه  
بیکاری، تورم و گران‌ی و فقر و فلاکت توده‌ها و در  
بسترن در روزافزون مبارزات کارگری یکی  
از مشخصات برجسته و واضح کنونی حاکم بر جهان  
است. در حال حاضر بیش از ده و نیم میلیون نفر  
در آمریکا بیکار میباشند، در اروپا نزدیک به  
بیست میلیون نفر در جستجوی کار میباشند و در  
شرایط کنونی ارتش ذخیره کار بیش از پیش  
گسترده می‌شود.

احضارات امپریالیستی و بورژوازی انگل  
کشورهای سرمایه‌داری برای مقابله با بحران  
و کم شدن سود، بیش از پیش کارگران و زحمتکشان  
و تحت فشارهای اقتصادی قرار داده و در کنار  
آن ستم و سرکوب طبقاتی را بنحویر جسته  
مکمل سیاست روزمره خود نموده‌اند. اما علیرغم  
این سیاستهای ارتجاعی مبارزات کارگران و  
سایر توده‌های زحمتکش زنده‌تری میباشند و  
زخمهای جهان سرمایه‌داری عمیقتر مینمایند. در  
هفته‌گذشته بود که سندیکی معدنیان ذغال سنگ  
آمریکا با اکثریت قاطع رای به ادا ماه اعتصاب  
داد. این اعتصاب که ۱۶۰ هزار کارگر در آن شرکت  
دارند موجب ضربات مهمی به صنایع گردیده  
است چرا که صنایع بسیاری وجود دارند که ذغال  
سنگ منبع انرژی آنهاست. بعلاوه این اعتصاب  
خسارات مالی و اقتصادی بسیاری به امپریالیسم  
و اردما خت است. خسارات این اعتصاب بسیاری  
امپریالیستهای پیش از خسارات اعتصاب ۱۹۱۱ روزه  
سالهای ۱۹۷۷-۷۸ میلادی شد. در انگلستان در حالیکه  
اعتصاب سراسری کارگران وارد چهارمین هفته  
خود شده است و در حالیکه هفته گذشته ۵۴۰ هزار  
کارمند دولتی به اعتصاب دست زده‌اند. تظاهرات  
گسترده‌ای توسط سیاه‌پوستان مقيم لندن علیه  
رژیم پولیس فاشیست و نژادپرستان انگلیس صورت  
گرفت. این تظاهرات به زد و خورد شدید میان  
سیاه‌پوستان و پولیس چنانیتکار منجر شد. طی این  
مبارزه قهرآمیز که سیاهان ۴۰ ماهین پلیس و  
براکز متعلق به نژاد پرستان را به آتش کشیدند  
۲۵۰ نفر از سیاهان رخی و بیش از ۲۰۰ نفر نیز  
دستگیر شدند و در ضمن صد نفر از مزدوران پلیس  
زخمی شدند. این تظاهرات خونین که در اعتراض  
علیه لایحه قوانین جدیدی جهت اخراج سیاهان  
بود بسیار نگرند و سیکاری در میان سیاهان مقيم  
انگلستان و تشدید ستمگریهای امپریالیستی و  
نژادپرستانه علیه زحمتکشان آفریقای مقيم  
این کشور میباشند. در فرانسه نیز هزاران کارگر  
تعمیرکار کشتی دست به اعتصاب زده و خواستار  
افزایش دستمزدها و تجدیدنظر در سیستم ارتقاء



میباشند. در حمایت از این کارگران هزاران نفر  
را هیما می کرده و ۲۵۰۰ نفر دیگر از کارگران  
تعمیرکار تهدید به اعتصاب نموده‌اند. بعلاوه  
بیش از ۳ هزار نفر از کارگران مهاجر مراکش،  
الجزایری، تونس، ترکیه‌ای و سنگالی هفته  
گذشته در پاریس بر علیه قوانین نژادپرستانه  
و بیکاری و گران‌ی به تظاهرات پرداختند. در  
آلمان غربی ۲۵ هزار نفر در اعتراض به استیوار  
بیمب نوترونی توسط آمریکا به راهپیمایی دست  
زدند. در اسپانیا ۵ هزار نفر از مردم با رسلتون  
در مخالفت با شرکت اسپانیا در پیمان امپریالیستی  
ناتو به تظاهرات پرداخته و خواستار بسته شدن  
پابیکهای آمریکایی در این کشور شدند.

بدین ترتیب متوجه می‌شویم که ما با سیر شد  
یا بندهای امپریالیستی غرب مواجه می‌شویم. این مبارزات  
با توجه به تعمیق بحران سرمایه‌داری رشتند  
به سمت پیشرفت، لیکن در حال حاضر کامیست  
و فرمیسم و رژیونالیسم بر بخشهای وسیعی از کارگر-  
ان مابغ سمگیری این مبارزات علیه فاشیست  
سیاسی بورژوازی است و این حقیقتی است که  
سرگونی بورژوازی بدون نابودی فرمیسم و  
رژیم بونسم مگسار، نخواهند داشت.

### لبنان: شش سال مقاومت توده‌های مسلح

از ۱۳ آوریل ۷۵ که آتش جنگ در لبنان  
خونین و ویرانگر داخلی، بدست فاشیستها در  
لبنان برافروخته شد، شش سال تمام میگذرد.  
تفادهای طبقاتی و ملی دزون جامعه لبنان که  
بشدت تحت تاثیر سیاستهای کشورهای عربی و  
سیاستهای بین‌المللی قرار دارند و توارزنی که  
درمقابل آراشی نیروهای درگیر وجود دارند و فقدان  
عامل تعیین کننده‌ای که جنگ را بنفع زحمتکشان  
لبنانی (و فلسطینی و...) به سرانجام رساند،  
این جنگ را بصورت کلاف سردرگمی درآورده است  
که بصورت چشم اندازی برای آن در آینده نزدیک  
امکانپذیر نیست.  
فاشیستهای با پشتیبانی امپریالیسم  
آمریکایی و اسرائیلی تاکنون تمام تلاش خود را بکار

برده‌اند که:  
۱- در لبنان تمام قدرت را قبضه کنند و با استقرار  
کامل سرمایه‌داری وابسته، این منطقه  
استراتژیک را بصورت یک پایگاه ثابت امپریا-  
لیستی علیه زحمتکشان لبنانی و عرب درآوردند.  
۲- با سرکوب انقلاب فلسطین در آخرین پایگاه  
که برایش مانده (یعنی لبنان و بویژه جنوب آن)  
اسرائیل و ارتجاع عرب را از خطر تحریک نیروهای  
انقلابی مصون دارند.

۳- با ایجاد جنبش لبنانی، یک "اسرائیل" دیگر  
بوجود آورند تا قاطعانه ترو حشیانه ترازی پیش  
خلیجهای منطقه را تحت سلطه امپریالیستهای  
آمریکایی و اروپایی نگاهدارند.  
طی این شش سال، سرمایه‌داری غربی و نیروهای  
درگیر تفرقه‌بندی کرده و نیروهای بهیکی از دو سو  
پیوسته یا جدا شده‌اند. کشورها و قدرتهای منطقه  
- ای و بین‌المللی، هر یک از دیدگاه منافع  
خویش کوشیده‌اند تا دست یا دندان این گره‌ها  
بگشایند و ملی این کلاف چنان پیچیده است که حل  
مسئله لبنان و بهیچوجه بخطر نمی‌رسد بدون حل  
مسئله فلسطین و استیوار رژیمهای دمکراتیک،  
حداقل در چند کشور عربی همچو ارکانی دریا شد.  
انچه در این توفان آتش و خون چشمگیر است  
مقاومت سرسختانه توده‌های زحمتکش لبنان و  
فلسطین است که با استفاده از آگاهی نسبی و  
مسلح بودن خود به انواع سلاحهای جنگی،  
در برابر توطئه‌نا بودی انقلاب فلسطین و جنبش  
ملی لبنان تاکنون از خود نشان داده‌اند.  
توطئه خلع سلاح توده‌ها در سالهای قبل از شروع  
جنگ، غم‌انگیزانه با رها از سوی دولت‌های  
ارتجاعی، وقت مطرح شد، هرگز موفق نگردید.

این آمادگی رزمی توده‌ها که حاصل شرایط  
ویژه مادی و اجتماعی جامعه لبنان است اگر با  
نقائص وضعی فراوانی که در صفوف نیروهای  
مبارز وجود دارد (که عدم وجود رهبری طبقه کارگر  
یکی از آنهاست) همراه نبود، بدون شک جنگ را  
بسی سوانجای اطمینان بخش و بنفع زحمتکشان  
رهگشا میشد، ولی ضعفها، نواقص و نارسائیها  
و نقائص زیادی که در رهبری و سازماندهی  
تظاهرات توده‌ها وجود دارد (و در اینجا مجال بحث  
و تذکر آنها نیست) تاکنون مانع از درهم شکستن  
تفادهای دشمن شده و برعکس دشمن در جبهه وسیع و  
جهانی خود توانسته است ضربات دردناکی بر  
پیکر جنبش ملی لبنان و انقلاب فلسطین وارد  
آورد.

ما سابقا مقالات متعددی در باره مبارزات  
کارگران و زحمتکشان لبنان، نقش خائنه  
نیروهای ارتجاعی داخلی و سیاستهای فذخلقی  
رژیمهای غربی و دخالتهای بین‌المللی و  
خملات نهاد و "اسرائیل" به جنوب لبنان در بیکار  
آورده ایم. در اینجا فقط اشاره میکنیم که  
فاشیستهای که از حقیقت "اسرائیل" و نظام میسان  
دست راستی بسرکردگی "سعد حداد" برخوردار شدند  
و از سوی دیگر آمریکا، فرانسه و دیگر امپریالیستهای

## کیانوری مرتد و خیانت جدیدش

نظرا سلام هم همین است؟ ما رکیسم معتقد است دمکراسی پرولتری و سوسیالیستی عالیترین شکل دمکراسی است، آیا نظرا سلام هم همین است؟ ما رکیسم معتقد است از نقطه نظرا جماعتی به لحاظ تاریخی و در دوران سرما یسدها ری پرولتاریا انقلابی ترین و پیگیرترین طبقه اجتماعی است، آیا نظرا سلام هم همین است؟ ما رکیسم بر آن است که حاکمیت طبقه توری بورژوازی را باید بطور قهرآمیز سرنگون ساخت و رفاه زحمتکشان فقط تحت حاکمیت طبقه توری کارگران میسر است، آیا نظرا سلام هم همین است؟ ... کسی که با الفبای ما رکیسم لینینینیم آشنا شد، با مشاهده می تواند ندریعا بفهمد که در تمام موارد فوق و صدها مورد دیگر دیدگاه های سوسیالیسم علمی و اسلام در تضاد آشکار قرار دارند کسی که ما نندکیا نوری خا شن نخواهد "بیطرفانه" قضاوت کند و بلکه با جانبداری و طرفداری از طبقه کارگر سخن بگوید، خواه هادگفت که ما رکیسم - لینینینیم ایدئولوژی پرولتاریا بوده و سوسیالیسم علمی راه نجات توده های زحمتکش بشما رمیا یدوا زانجا که این ایدئولوژی متکی به منافع طبقه کارگر است و هرگز و هرگز نمیتواند به دیدگاه های اسلام حتی یک سرسوزن نزدیکی داشته باشد، سیاست طبقه کارگر در عرصه های اجتماعی و سیاسی جدا از دیدگاه های ایدئولوژیک مارکسیستی لینینینستی نمیتواند باشد و این سیاست در تمام عرصه ها نشان طبقه توری پرولتری را حمل میکند. فقط خا شنین به سوسیالیسم ما نندکیا نوری میتوانند ایدئولوژی پرولتاریا را از سیاست پرولتاریا جدا جلوه دهند و سوسیالیسم را به حراج بگذارند.

چرا کبا نوری این مزدور سوسیالیست امیرالایم شوری ما رکیسم را همطرا از اسلام قرار میدهد؟ این امر از یکسویه این خاطر است که کبا نوری مرتد است یعنی به ما رکیسم لینینینیم اعتقاد ندارد و در آن تجدید نظر کرده است. کبا نوری اگرچه ما نندده روشنفکران فریبکار بورژوازی میگوید "بیطرف" است اما موضع مشخصی ندارد و وقتی صحبت از گرایش خود به "اسلام" میکند در حقیقت گرایش خود به بورژوازی حاکم را به نمایش میگذارد. بمعنای دیگر او طرفدار بورژوازی بوده و در مکتب رویزیونینیم پیروش پیدا کرده است و به همین خاطر حقیقت ما رکیسم را وارونه جلوه میدهد. از سوی دیگر کبا نوری ما رکیسم را به این خاطر نزدیک به "اسلام" نشان میدهد تا دل بورژوازی حاکم را بچنگ آورد. او بدین طریق با بورژوازی معامله میکند، او ما رکیسم را به حراج میگذارد تا رژیم سرما به - داری جمهوری اسلامی امتیازات حقیقید دیگری به این دارودسته خا شن اعطای کند. برآستی که رویزیونینستها، نوکران سرمایه داران و دشمن طبقه کارگر و سوسیالیسم میباشد، ننگ و نفرت بر آنان باد. \*

رویزیونینستها هرگز به سوسیالیسم علمی اعتقاد ندارند. آنها درحالی که خود را "مارکسیست" قلمداد میکنند سوسیالیسم علمی را در برابر بورژوازی به حراج میگذارند. اگر کمونیستها سوسیالیسم علمی و ما رکیسم لینینینیم را چراغ راهنمای خود و سلاح شکستناپذیری خود در مبارزه طبقه توری بشما رمیا ورنند، رویزیونینستها سوسیالیسم را به کالائی تبدیل کرده اند و در معامله با بورژوازی حاکم میگویند به قیمت مناسبتی آنرا بفروش رسانند. در کشور ما حزب توده مرتد در این معامله گری با بورژوازی و خیانت به ما رکیسم لینینینیم مهارت بسیار یافته دارد. در زمان شاه خا شن حزب توده از ما رکیسم حرف میزد اما در اساسی تئوریها و کردار خود جز خیانت به طبقه کارگر و دیگری انجام نمیداد.

در زمان جمهوری اسلامی نیز حزب توده همان خط را با قدرت تمام تعقیب میکند چگونه؟ در کردارها تا شیدرژیم سرما به داری حاکم، با جاسوسی کردن علیه نیروهای کمونیست و انقلابی، با تا شیدرکوب جنبش توسط جنایتکاران حاکم و... و در تئوری با تا کید بر حمایت از بورژوازی، با نفی انقلاب و دریک کلام با نفی مارکسیسم لینینینیم این خیانتکده مشخص میشود.

یکی از موارد بارز این خیانت همطرا ز قرا دادن سوسیالیسم علمی با اسلام و نفی ما هیئت طبقه توری پرولتری سوسیالیسم بشما رمیا ید. نورالدین - کبا نوری رئیس کل خیانتکاران توده ای اخیرا در مصاحبه با مجله " جوانان امروز " در این مورد میگوید: " شما یک مطلبی گفتید که من آنرا تا شید میکنم و آن این است که ما شما را ید به سوسیالیسم علمی گرایش پیدا میکنید ما به اسلام واقفیت این است که این همان مطلبی است که ما از اول این دوران جدید و خیلی قبل از آن مطرح کردیم که بین دیدگاه های اجتماعی سیاسی سوسیالیسم علمی و اسلام انقلابی، اسلامی که ما مخینین مظهر تعبیرش هست، در مسائل مربوط به اجتماع، به زندگی توده، خیلی نکات نزدیک به هم وجود دارد. این واقعیتی است. این اصلا اساسی است ما است. به این ترتیب تعجب نکنیم، اگر در بعضی از مسائل وقتسوی واقعا بخوا هیمن بیطرفانه و انسان دوستانه پیش برویم، می بینیم که خیلی از مسائلی که طرفداران امیل سوسیالیسم علمی مطرح میکنند، عین همان مسائلی است که انقلابیون مسلمان از دیدگاه اسلامی مطرح میکنند". (مردم ۲۶ فروردین - تاکید از ما است.)

آیا همانطور که کبا نوری مرتجع میگوید دیدگاه های اجتماعی و سیاسی سوسیالیسم علمی و اسلام به یکدیگر نزدیک است؟ نظرا ما رکیسم بر آن است که در عرصه سیاسی بنا به حکمتا ریخ قدرت سیاسی پرولتاریا و یا بمعنای دیگر دیکتاتوری پرولتاریا باید برقرار شود. آیا

بقیه از صفحه ۲ ضرورت ...

اتحاد عمل نیروهای کمونیست و انقلابی در رابطه با تحقق اهداف ذکر شده، یک ضرورت مبرم و حیاتی است. هرگز ای که بگویند به این ضرورت پاسخ منفی دهد و یا عبارت برداری انقلابی و خودداری از هرگونه نرمش و انعطاف، به نفسی عملی این ضرورت بپردازد، بی شک در نهایت بسود بورژوازی تمام خواهد شد و شما یلات گروه - گرا با نه وسکتا ریستی بضرر منافع جنبش انقلابی خلق و ایضا جنبش کمونیستی عمل خواهد نمود. با اعتقاد به چنین ضرورتی است که ما تلاش برای تامین اتحاد عمل بین نیروهای کمونیست و انقلابی را در برپا شدن جشن اول ماه مه بحول یک پلاتفرم انقلابی و با تکیه بر جنبه های مشترک مواضع انقلابی آنها، امری اصولی و مبرم میدانیم و انتظار منطقی ما نیز اینست که این نیروها با درک اهمیت این اتحاد عمل در شرایط کنونی، بدان پاسخ مثبت داده و یکبار دیگر متحد و انقلابی خود را در برابر -

۱ - امیرالایم، ۲ - فدا انقلاب حاکم و ۳ - نیروهای رویزیونینست و فدا انقلابی نظیر حزب توده و اکثریت ...، تحکیم نمایند.

زننده با اول ماه مه!  
زننده با دکمونیسم!  
برقرار با دجمهوری دمکراتیک خلق!

غربی و نیز ارتجاع عرب (مصر و سعودی) پشتیبانی میشوند اما کتون خود را برای "تقسیم رسمی" لبنان آماده میکنند. آنها این هدف خا شنانه خود را که قدمی بسوی ایجاد یک "اسرائیل دوم" در لبنان است از ابتدا تعقیب کرده اند. مقاومت دلیرانه توده ها و نیروهای مترقی تا کتون، مانع از تحقق این هدف ارتجاعی است و بخاطر همین مقاومت است که فالانژینستها اخیرا و بطور رسمی به آخرین وسیله نجات خود متوسل شده اند و طی بیانیه ای که پس از بازگشت یک هیئت که از طرف آنها به آمریکا رفته بود اخیرا صادر شده، اعلام کرده اند که آمریکا با ید "در محصله لبنان حضور رسمی داشته باشد" و در واقع اینان همچون وان نیو و کاتوکی در ویتنام، ربا بان آمریکا شی خود را به دخالت مستقیم دعوت کرده اند.

به یقین میتوان گفت که آمریکا اگر هم بخوا هد برای جلوگیری از رشد و سرایت انقلاب دمکراتیک - فدا مبریا لیستی خلقهای منطقه به چنین دخالتها شی دست بزند، نا بودی تاریخی خود را تسریع کرده است.

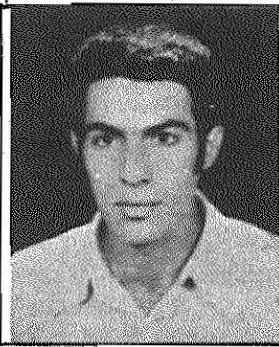
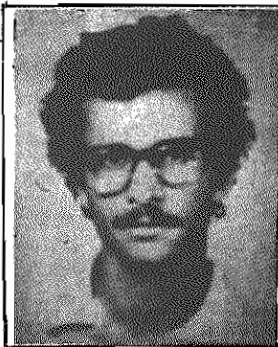
ما یکبار دیگر صحت محکوم کردن توطئه های امیرالایستی و ارتجاعی که علیه خلقهای قهرمان لبنان و فلسطین صورت میگیرد از مبارزات آنان علیه امیرالایسم و صهیونینسم و ارتجاع داخلی حمایت کرده خود را همسنگران در راه تسد و ام انقلاب دمکراتیک - فدا مبریا لیستی و در جهت تحقق سوسیالیسم میدانیم.

پیروزی دهمیستی بین خلقهای ایران، لبنان و فلسطین!

## جاودان باد خاطره بیش از ۳۰ شهید کمونیست و انقلابی جنبش مقاومت دانشجویان در اردیبهشت ۱۳۵۹

دربورش وحشیانه پاسداران و اوباشان رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاهها در اردیبهشت ۵۹ و اجرای سناریوی ارتجاعی ضد انقلاب "فرهنگی" به کارگردانی حزب جمهوری اسلامی و تأیید بنی صدر خائن، دهماد انشجود تهران و دیگر شهرها به شهادت رسید. گروهی دستگیر و سپس تیرباران شدند و نیز صد ها دانشجوی انقلابی بشدت زخمی و صد ها نفر زندانی شدند.

یاد شهیدان دانشگاهها را گرامی میداریم!



کومنیست پیکا رگر رفیق  
مهدی علوی شوشتری  
شهادت ۵۹/۴/۶ -  
تیرباران در اهواز



کومنیست شهید رفیق  
فرا مرزحمید  
شهادت تابستان ۵۹ -  
تیرباران در رشت



کومنیست شهید رفیق  
محسن رفعتی  
شهادت ۵۹/۲/۱  
هجوم پاسداران به  
دانشگاه تهران



وگروهی دیگر از جوانان  
کومنیست و انقلابی که  
در تهران، رشت،  
اهواز شهادت رسیدند

کومنیست پیکا رگر رفیق  
احمد موذن  
شهادت ۵۹/۲/۱۲ -  
تیرباران در اهواز



کومنیست شهید رفیق  
دکتر اسمعیل نریمسیا  
شهادت ۵۹/۴/۶ -  
تیرباران در اهواز



کومنیست شهید رفیق  
احسان اللافشانی  
شهادت در ۵۹/۲/۲  
اهواز



مجاهد شهید نسرین رستمی  
مجروح در ۵۹/۲/۱  
دانشگاه شیراز  
شهادت در ریمباستان  
شیراز

کومنیست پیکا رگر رفیق  
مهناز معتمدی  
شهادت ۵۹/۲/۴ -  
تیرباران در زندان اهواز



کومنیست شهید رفیق  
محمود دانیالی  
شهادت ۵۹/۲/۱۲ -  
تیرباران در اهواز



کومنیست شهید رفیق  
صادق نظیری  
شهادت ۵۹/۲/۲  
در دانشگاه زاهدان



کومنیست شهید رفیق  
فریدون آشوری  
شهادت در ۵۹/۲/۱  
هجوم پاسداران به  
دانشگاه تهران



د شهید گمنام جنبش مقاومت دانشجویان انقلابی که جنازه شان توسط پاسداران سرزاید شده بود (عکس در صفحه ۲۳).

یاد سرخشان گرامی باد!

## کمکهای مالی دریافت شده

۶۲۰۰	ع-ب	۱۰۰۰۰	ما شهر:	۲۱۱۰	تبریز:
۵۴۰۰	م-ن	۱۰۰۰۰	ما شهر:	۲۰۰۰	ب
۴۰۰۰	پرویز	۲۵۰۰	ع-ن	۱۰۰۰	م
	تذوق:	۲۱۱۰۰	د	۱۰۰۰	ک
۲۰۰۰	الف	۲۱۲۰۰	ر	۱۰۰۰	ش
۵۵۰۰	ک	۱۲۰۰۰	م	۱۰۰۰	س
۴۸۱۰	م	۲۵۰۰	ن	۱۴۰۰	ر
۱۲۰۰۰	ن	۱۸۰۰۰	الف-ق	۱۵۰۰	س
۷۰۰۰	ک	۲۲۰۰	رفیق	۱۵۰۰	ع
۱۲۰۰۰	ق	۸۱۰۰	شهید:	۶۲۲۷	م
۱۲۰۰۰	م	۱۲۰۰	الف	۸۱۰۰	م
۲۴۰۰	رامهرمز:	۶۲۰۰	عقیده:	۲۷۲۰۰	م
۲۱۸۰	ب	۲۵۲۰۰	د	۱۲۰۰۰	ب
۲۵۲۰	د	۱۲۰۰۰	ز	۱۲۰۰۰	ب
۱۶۱۰۰	س	۲۸۵۰۰	ن	۱۲۰۰۰	ج
۱۲۰۰۰	م				
۲۹۰۰					

بقیه از صفحه ۱  
گرفته و بیش از ۶۰۰ خانه را بران کرده و بیش از ۱۳ نفر از زحمتکشان را دستگیر نمودند. فردی آترو زحمتکشان به را هیماشی پرداخته و در جاده قدیم تهران - کرج به متوقف ساختن اتوبوسها و افشای رژیم خائن جمهوری اسلامی دست زدند. پاسداران با شتر، ماشین به محل آمده اما موفق نمیشوند آنان را برکنده کنند. بدنبال آن چند یوزی ارتشی نیز به کمک پاسداران جهل و سوما به میا بند. آری رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر شایسته گردید دشمن زحمتکشان ما است.  
گزارش تفصیلی در شماره آینده

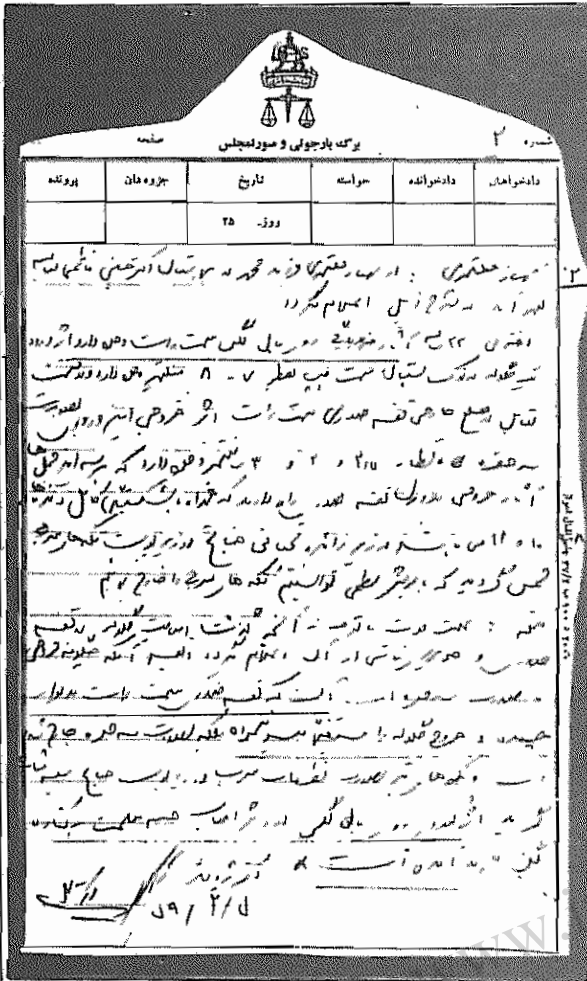
# اولین سالگرد شهادت سرخ دو کمونیست قهرمان



رفیق مهناز معتمدی  
در زندان جمهوری اسلامی - اهواز  
۵۹/۲/۳

کمال از شهادت سرخ رفیق بیگار گمر - کمونیست مهناز معتمدی میگذرد. رفیق مهناز از رهروان راستین راه‌های زحمتکشان بود که در حرمان بی‌ورش ارتجاع به دانشگاه‌ها به شهادت رسید. رفیق مهناز زماشین نويس شرکت ملی نفت در اهواز بود. رفیق که از سازمان وفادار و مبارزه‌جوی تشکیلات دانشجویان و دانش - آموزان بیگار نبود و همواره در فعالیتهای آگاهانه و افکارانه و افشاگریهای سیاسی سازمان و هواداران بطور خلاق شرکت میکرد. مهناز زدر جریان تحصن طولانی و بی‌روزمندها در اهواز در سال ۱۳۵۸ نقش موثر و فعالی بی‌پایه داشت. او که به رنج و استقامت زحمتکشان آگاه بود، در مبارزه برای نابودی سرمایه‌داری و وابسته‌هایش به انقلاب و سوسیالیسم علاوه بر شرکت در فعالیتهای مبارزاتی محیط کار خویش، در بیگار دانشجویان کمونیست و در بیوندا جنبش زحمتکشان فعالانه شرکت مینمود. رفیق مهناز در جریان بورس ارتجاع به دانشگاه اهواز دستگیر و همراه با گروهی از دختران کمونیست و انقلابی به کانون کارآموزی رزگان (در جاده مسجد سلیمان) منتقل گردید. در زندان با سداران ارتجاع شروع به کنج و آزار و اذیت - زدن این دختران قهرمان نمیکند. آنها زدر سالنی جمع کرده و در کنه ردیوار قرار میدهند و به اطرافشان تیراندازی میکنند. رفیق مهناز به این عمل وحشیانه سداران اعتراض میکند سداران سرمایه‌مواهای رفیق را گرفته و سه

و حساسه‌ترین وجهی رفیق رازی بر ضربات وحشیانه خود قرار میدهند و سپس او را به گوسفندیوار پیرت کرده و با سلبک مسلسل رقیب بیگار کار مارا به شهادت می‌رسانند. ارتجاع، مورثانه شهادت رفیق را در استانبول و غیر عمدی اعلام نمود اما گواهی پزشکی فاشوسی روسن مینماید که رفیق قبلاً مورد شکنجه قرار گرفته و ملامت ضرب - دیدگی در کنار لگن بیدیه آمده است و نیز رفیق مهناز هنگام اصابت گلوله از ناحیه قفسه صدری سمت راست بدیوار رسیده بود. تنگ بر جلادان و مزدوران ارتجاع و بدینگونه رفیق مهناز معتمدی کمونیست قهرمانی بود که در جریان فداانقلاب فرهنگی که به سردمداری بنی‌مرد و حوزب جمهوری اسلامی صورت گرفت، حماسه سرخ مقاومت داد. سجویان کمونیست و انقلابی را خون خود سرخ تر کرد. اگر چه هنوز دانشگاه ها اسیر سنجه‌های خوب - سنان ارتجاع است ولی مبارزه قهرمانانه توده‌ها که با خون سرخ مهنازها عجین گشته است، این سنگرهای آزادی و مقاومت را خواهد گوند. با رفیق مهناز معتمدی، بیگار گمر کمونیست جا و بی‌دستاد!



از متن سند پزشکی قاضی اهواز:

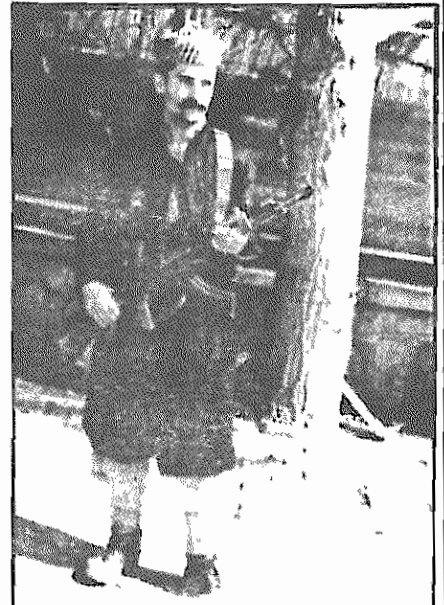
"تا ضربیدگی روی بال لکن سمت راست وجود دارد."

علت فوت: "اصابت گلوله در قفسه صدری و خونریزی ناشی از آن اعلام میگردد و بعد آنکه چگونگی خروجی بصورت سه حفره است، آنست که قفسه صدری سمت راست بدیوار رسیده و خروج گلوله را مستقیماً میسر نموده".  
"اندر کوی روی بال لکن در اثر اصابت جسم سخت به کنار لگن پدید آمده است."

## رفیق پیشمرگه عبدالکریم شریقی در ریورس جمهوری اسلامی به کردستان

۵۹/۲/۶

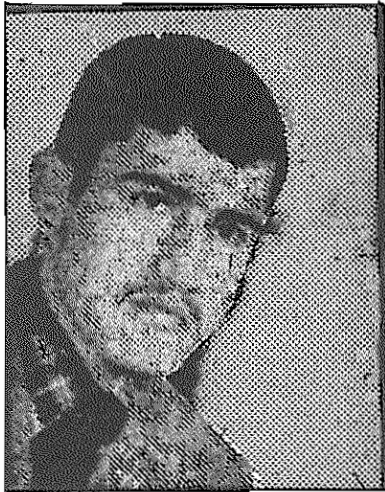
رفیق عبدالکریم شریقی در سال ۱۳۳۴ در بانه متولد شد و پس از تکمیل در بانه و شهران به استخدام شرکت کربلا در آمد. کارگ عبدالکریم در دوره تحصیل کار میکرد و بدین طریق با درد و رنج زحمتکشان آشنا میشد. او با آگاهی از وضع زندگی زحمتکشان به مسارات سیاسی کشیده و پس از مدتی همکاری با "حزب دمکرات" با پذیرش منی‌گری به مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه ادامه داد و در جریان قسام نکوهی - سیم ۵۷، در کنار مردم قهرمان تهران در تصرف ساواک، با دکان عرب‌آباد و کلاستر ۶ شرکت نمود. رفیق عبدالکریم پس از هجوم و حیا - سیم رژیم جمهوری اسلامی به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۵۸، به سنج رقب و در کنار حلقه قهرمانان کردیه مبارزه و مقاومت علیه سهاجم حساسه ارتجاع ادامه داد.



رفیق شریقی در نتیجه آشنائی بیشتر با مبارزات کارگران و زحمتکشان و در آشنائی با نظرات سازمان مادر تابستان ۵۸، به انتقاد کمونیستی از منشی خرده‌بورژوازی چریکی پرداخته و در بانه ۵۸، به حوزه سنج سازمان بیگار در ارتجاع گرفت. مدت انقلابی کارآئی و ایمان او به آرمان و الای کارگران سبب شد که رفیق سرعت ارتجاع هوادار به کاندید عضو ارتجاع، یا بد، در فروردین ۵۹، هنگامیکه مردم قهرمان سنج برای پیگیری از حرکت ارتش مزدور در راه شهرا اجتماع کرده بودند کارگ کریم ضمن صحبت برای زحمتکشان قهرمان کرد گفت: "مانا آخرین قطره خونمان خواهیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع خواهیم نمود." او به گفته خود ما دارا ماند.

رفیق پیشمرگه عبدالکریم شریقی در ششم اردیبهشت ۱۳۵۹ در ساکازی ساختمان استانداری به در صفحه ۴

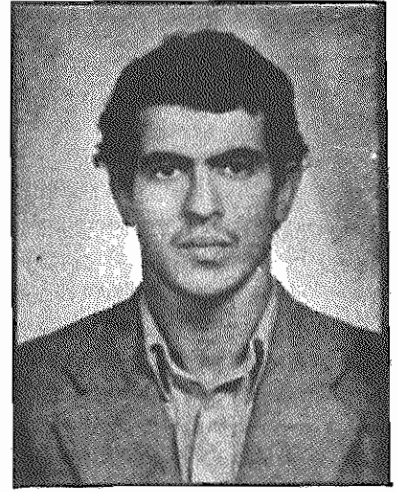
# یاد پرشور فقای کمونیست شهید گرامی باد!



مهدی موسوی قمی



فاطمه (طاهره) میرزا جعفر علاف



جمال شریفزاده شیرازی

متولد زنجان - از دانشجویان انقلابی دانشگاه صنعتی  
ما رکیست لنینیست - عضو فعال بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران  
شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه

آشنائی با زندگی زحمتکشان در زندگی روزمره خود  
از زنان انقلابی عضو مجاهدین خلق - پذیرش ما رکیسم لنینیسم در جریان تحولات درونی سازمان  
عضو فعال بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه

دانشجوی انقلابی دانشگاه صنعتی - پیوستن به زندگی مخفی در سال ۵۲ - پذیرش ما رکیسم لنینیسم  
عضویت در بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق - از رفقای فعال در زمینه تئوریک - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه

آرمان سرخشان جاوید باد!

## یاد کمونیست شهید، رفیق پیکارگر برزو امینی

اطلاع یافتیم که رفیق برزو امینی، از جوانان کمونیست روستای "نوگرون" اصفهان، در اثر تصادفات اتوبوس در جاده مسجد سلیمان - اصفهان به شهادت رسیده است.

رفیق برزو از هواداران صدیق سازمان ما و کمونیستی بود که در طول ۲ سال حاکمیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، لحظه‌ای از پیکار بر علیه آن نایستاد.

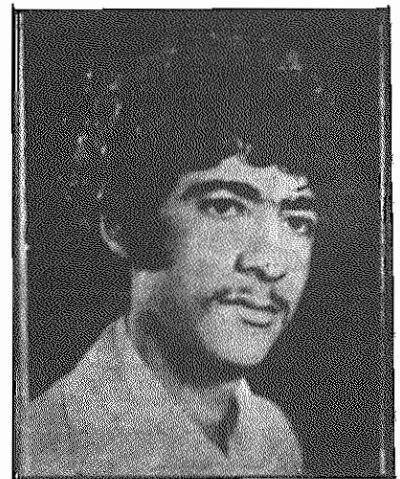
رفیق برزو با اینکه "منقذی خدمت ۵۶" بود ولی با اعتقاد به ارتجاعی بودن جنگ کنونی، فلاکت‌های ناشی از آن را برای زحمتکشان افشا می‌کرد. در مراسم سوگواری رفیق، مرتجعین و کارگزاران رژیم عوامفریبانه کوشیدند رفیق را از "خود" معرفی کنند و ادعا کردند که وی در "حین رفتن" داوطلبانه به جبهه جنگ بر اثر تصادفات در گذشته است. اما تبلیغات دوغین رژیم جمهوری اسلامی برای پامال کردن آرمان سرخ رفیق شهید ما در زحمتکشان ما با شیری ندارد، آنها شیکه برزورامی شناختند، میدانند که رفیق ما، کمونیست پیکارگری بود که قلبش در راه آزادی طبقه کارگری - طبعی و تمام توان خود را در خدمت انقلاب و پیروزی سوسیالیسم قرار داده بود. یاد رفیق برزو امینی را گرامی داشته و با اعتقاد راسخ به آرمان سرخ او، راهش را ادامه خواهیم داد.

درد بر خاطر ره رفیق کمونیست، برزو امینی!

عشق و علاقه‌ای که به زندگی

مبارزات زحمتکشان داشت، با آرمان‌رهای - بخش طبقه کارگر آشنا گشته و آنرا پذیرفت، او در سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و سال گذشته به ایران بازگشت، رفیق در مدت کوتاهی که از بازگشتش میگذشت در ارتباط با رفقای هواداران سازمان در شهر قم به فعالیت می‌رزاتی پرداخت. خصلت‌های توده‌ای و کمونیستی او از رفیق یک کمونیست صدیق و فعال ساخته بود و با طریقه‌های مخصوصیات انقلابی و توده‌ای مورد علاقه و احترام توده‌ها بود. در ریخ که بیماری زندگی مبارزاتی او را در صفوف سازمان ماکوتاه کرد. یادش را گرامی میداریم!

## درگذشت یک رفیق کمونیست



رفیق مجید اولیائی از هواداران سازمان ما بود که در اثر بیماری در روز ۱۲ اسفند ۱۳۵۹، در بیمارستان فاطمی قم درگذشت. رفیق مجید در ۱۹ خرداد ۳۲ در قم بدنیا آمد و در همان‌جا به مدرسه رفت. رفیق در سال ۱۳۵۵ با

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

### بیرامون جنب و جوش های رژیم برای بازگشایی دانشگاهها

از اوایل سال جدید، ویکسال پس از اقدام ارتجاعی تعطیلی دانشگاهها توسط رژیم، جنب و جوشهایی در جهت بازگشایی دانشگاهها از جانب رژیم جمهوری اسلامی آغاز گردید. خمینی در پیام نوروزی خود، یکی از بندهای "هنمودهایش را به ضرورت بازگشایی دانشگاهها اختصاص داد. در ادامه این جنب و جوشها، آیت الله خمینی در یکی از سخنرانیهای اخیر خود مجدداً برای این امر تکیه نمود و گفت: "من امیدوارم که امسال دانشگاهها آن مقداری که ممکن است باز بشود." (انقلاب اسلامی سه شنبه ۲۵ فروردین) و سرانجام سه روز پس از ملاقات اعضای ستاد با صلاح انقلاب فرهنگی، یکی از اعضای آن اعلام داشت که دانشکده فنی و پزشکی و کشاورزی دانشگاه تهران باز خواهد شد. چرا رژیم بفریبکاری کردن دانشگاهها افتاده است؟ آیا رژیم به "اشتباهات" خود در جریان تعطیلی دانشگاهها پی برده که به چنین اقدامی مبادرت میبورد؟ هم آری و هم نه!

علت اقدام جدید رژیم را باید در اهداف و انگیزه های رژیم از تعطیلی دانشگاهها در سال گذشته جستجو نمود. واقعیت این است که در آن زمان دودلیل اساسی، باعث چنین حرکتی از سوی رژیم گردید. اول، تبدیل دانشگاهها به کانون فعال روشنگری و فعالیت دانشجویان انقلابی و بویژه کمونیست و دوم، تویی ارتجاعی رهبران خرده بورژوازی مرفه سستی مبنی بر بازگشت به قرون وسطی و پیوند دادن آن با حوزه های علمیه و بطور کلی تحمیل یک فرهنگ و روابط عقب مانده و ارتجاعی و با زمانه زقرون تاریک گذشته و روابطی که یک جامعه سرمایه داری و

## یادداشت های سیاسی هفته

دانشگاهها همشا به یکی از بندهای کنونی آن، این دو انگیزه رژیم را به حرکتی کثافتکارانه که در آن کشتاردهها دانشجویان انقلابی و کمونیست و تعطیل شدن دانشگاهها این مرکز گاهای روشنگری بود، اگر انگیزه اول دو جناح رژیم، لیبرالها و جناح حزب و خمینی را به وحدت با یکدیگر بر سر تعطیلی دانشگاهها کشانید، انگیزه دوم، درست نقطه اختلاف و جدایی آنها بود. لیبرالها، بوسر سرکوب نیروهای انقلابی در دانشگاهها و "پاکسازی" آن از وجود دانشجویان مبارز و آگاه با حزب جمهوری اسلامی وحدت کامل داشت. و درست به همین دلیل بود که بنی صدر، پس از پایان مقاومت قهرمانان دانشجویان در برابر این اقدام ارتجاعی و تسلط، ابردا دانشگاه، در سخنرانی خود در آن روز بیادماندنی حمله و مقاومت خود را در آن سخنرانی، علامت کرد که "مروز روز استقرار حاکمیت دولت است." (نقل به معنی از سخنرانی بنی صدر در دانشگاه در سال گذشته)، اما لیبرالها خواهان آن بودند که پس از این "پاکسازی" و سرکوب، دانشگاهها به محلی برای پرورش کادرها و نیا زهای انسانی و تخصصی رژیم سرمایه داری وابسته تبدیل گردند. آنها دانشگاهها را همشا به نهادی برای ضرورت های سرمایه داری نیاز داشتند. و درست از همین زاویه بود که با اتوپی های ارتجاعی امثال خمینی در تضاد بودند.

سرمدا ران حزب و خرده بورژوازی مرفه سنتی مرفه نظر از انگیزه اول همچنین با شعار برتری "ایمان" و "مکتب" بر "تخصص" و با هدف تبدیل دانشگاهها به محل پرورش "مومنان" تسبیح بدستی که تنها با دستما به سواد "مکتبی" خود قادر به بقیه در صفحه ۶

## فراخوان کمکهای مالی جهت افزایش تیراژ پیکار

رفقا، اعضا، هواداران!

همانطور که با رها توضیح داده ایم، امر تبلیغ یکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف کمونیستها، بویژه در شرایط اعتلا کنونی جنبش توده ای است. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی علیه کمونیستها و آلمان و لای آنها لجن پراکنی کرده و بطور گسترده ای دست به عوام فریبی و تحمیل توده ها میزند، در شرایطی که روی پیوستگی های خائن، این نوکران بورژوازی، بشکلی گسترده و فعال میکوشند تا توده ها را وادار به تسلیم در برابر بورژوازی نمایند، در شرایطی که توده های وسیع طبقه کارگر و زحمتکشان مادر اکثریت خود را آگاهی طبقاتی برخوردار ننموده و نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی دچار توهم و خوشبختی هستند، در شرایطی که ناراضی توده های زحمتکش نسبت به وضعیت زندگی و شرایط سیاسی احکام در حال افزایش و گسترش است و مبارزات آنها علیه سرمایه داران و رژیم سیاسی موجود در حال توسعه و اعتلا فزاینده است، نقش تبلیغ سوسیالیستی و دگرگونی به پیش از هر موقع دیگری توسط کمونیستها برجسته تر میشود. این مسئله تا آنجا که به ما زمان بر میگردد با تکیه حمایتها و کمکیها شما تاکنون کوشیده ایم در چارچوب امکانات و مقدرات خود به این وظیفه مهم با سخ گوئیم. نشریه پیکار که هم اکنون صدمین شماره آن در اختیار شماست، یکی از ابزارها و وسائل تبلیغی ما زمان و بدون تردید مهمترین آن بوده و هست. ما در طول این دو سال سعی کرده ایم، این نشریه را علیرغم تمام اشکالات و کاستیها و تا آنجا که در توان داریم هر چه گسترده تر و سریعتر بدست کارگران، زحمتکشان و توده های آگاه خلق برسانیم. اما واقعیت این است که این کوشش ما همواره با مشکلات و موانع جدی روبرو بوده است برخی از این مشکلات ناشی از محدودیت امکانات مالی و تکنیکی ما زمان در این زمینه است که متأسفانه علیرغم کوششهای ما و حمایت و کمکیهای مالی ای که از سوی شما بدست ما میرسد و بدلیل گرانسی کاغذ، چاپ و محدودیتهای فراوانی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی در چاپ و انتشار و بیگونه موارد به ما تحمیل میشود، تاکنون نتوانسته ایم با سخگوی نیازهای فزاینده جنبش و ضرورت افزایش تیراژ پیکار روزی نندن آن به سریعترین شکل ممکن بدست خوانندگان باشیم.

در رابطه با چنین مشکلی ما تصمیم به ایجاد تحول و دگرگونی ای در جهت بالا بردن قابل بقیه در صفحه ۸

### در صفحات دیگر این شماره:

- ضربه سنگین پیشمرگان پیکار به مزدوران
- شکنجه انقلابیون: مایه افتخار جمهوری اسلامی!
- چپاول ۷ میلیون تومانی رژیم از دسترنج کارگران
- کیانوری مرتد و خیانت جدیدش
- گرامی باد خاطر شهیدان کمونیست!
- صفحه ۵
- صفحه ۷
- صفحه ۸
- صفحه ۲۸
- صفحه ۲۹

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست